

۴۰۴

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۶ اسفند ۱۴۰۱ تا پنجشنبه ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۰

ایران

در

۱۴۰۱



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

 @KayhanLife
 @kayhanlife
 @KayhanLife
 <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

 @KayhanLondon
 @kayhanlondon
 @kayhanlondon
 https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۰ (۴۰۴)

۲۶ اسفند ۱۴۰۱ تا ۱۰ فروردین ۱۴۰۲
۱۷ تا ۳۰ مارس ۲۰۲۳



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیهان** خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا قلی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

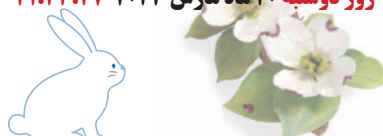
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

زمان تحویل سال ۱۴۰۲ به وقت ایران:

روز سه شنبه ۱ فروردین ماه ۱۴۰۲ ۰۰:۵۴:۲۷

زمان تحویل سال ۱۴۰۲ به وقت لندن:

روز دوشنبه ۲۰ مارس ۲۰۲۳ ۲۱:۲۴:۲۷



خبری دردناک

با کمال تأسف دوست نازنینمان "**تقی علوی کیا**" در روز سوم فوریه ۲۰۲۳ دار فانی را بدرود و به جهان باقی شتافت.

شادروان تقی از خانواده‌ی بزرگ علوی کیا، مردی با همتی بلند، قلبی آکنده از مهر و محبت و دلی مهربان داشت.

تقی، یار وفادار و دائمی "میز گرد دوره‌ای جمعی از نخستین ایرانیان مقیم مونیخ"، براستی شمع این مجلس بود. فقدان این عزیز نه تنها دردناک بلکه غیر قابل جبران است. بعلاوه او شخصیت برجسته‌ای در انسان گرائی، آزاد اندیشی، همدلی و خیرخواهی عمومی بود.

ما دوستان بسیار نزدیک این شادروان و محفل میزگرد مونیخ درگذشت این مرد فرهیخته و آزاداندیش را به خانواده محترمش به ویژه به دختر و پسر، نوه‌ها، بستگان و آشنایانش تسلیت می‌گوئیم.

نام وی نامی جاودانی باد.



حمید بنان

احمدعلی بهبهانی

حبیب تفضلی

بهرام دوللو

کاظم سید امامی

مصطفی عراقچی

نصرت واحدی

۴		سر مقاله - نوروز جشن انسان وزمین وزمان / الاهی بقراط
۴-۷		ایران در ۱۴۰۱ ... / روشنگ آسترکی
		نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ۱۴۰۱ ... / حامد محمدی
		جمهوری اسلامی بخشی از مشکلات سیاست بین المللی است ... / احمد رأفت
۸-۹		شاهزاده رضا پهلوی: سرنگونی جمهوری اسلامی، معادله ای بُرد- بُرد برای ...
۱۰		منشور همبستگی برای دموکراسی و آزادی در ایران ...
۱۱		دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۷) ... / احمد احرار
۱۲-۱۴		آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۵) ... / دکتر هوشنگ نهندی
۱۵		وکیل خانواده مهسا امینی به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد ...
۱۶-۱۷		رضانوروزی زندانی مشروطه خواهی که زیر شدیدترین ... / فیروزه نور دستروم
۱۷		فرش قرمز در تهران برای «آخرین دیکتاتور اروپا» ...
۱۸		موسسات وابسته به جمهوری اسلامی در لندن زیر ذره بین نهادهای ... / احمد رأفت
۱۹		وقتی پایه های قدرت لرزید، علی خامنه ای به «خائن جهان اسلام» ... / حامد محمدی
۲۰-۲۱		یادنامه انقلاب ملی ایران ...
۲۲-۲۳		بیادماندگان ...
۲۴		بیوگرافی استاد محمد علی کریم زاده تبریزی ...
۲۵		بازار بی مشتری و بی رونق شب عید در ایران ...
۲۶		تداوم خیزش ملی در چهارشنبه سوری؛ ازرقص و روسری سوزی تا شعار «جاوید شاه» ...
۲۷		خیزش ضد حکومتی تبر خلاص به معامله رژیم ایران و غرب خواهد بود؟ ...
۲۸-۲۹		اطلاعات جدید از مسمومیت دانش آموزان ...
۲۹		سی ان ان: روسیه تسلیحاتی را که در جنگ اوکراین به غنیمت گرفته برای ...
۳۰-۳۱		نتایج نظر سنجی «مؤسسه پژوهش و پیش بینی تجربی»: چه کسی ایرانیان را ...
۳۱		توافق جمهوری اسلامی و عربستان پس از هفت سال برای «از سر گرفتن روابط» ...
۳۲		چرا توافق امنیتی جمهوری اسلامی و سعودی ها دوام نخواهد آورد؟ ...
۳۳		توافق جمهوری اسلامی و عربستان در تضاد با منافع باندهایی در سپاه پاسداران و ...
۳۴-۳۶		وردار و ورمالی ... / ایرج پرشک زاده
۳۶-۳۷		آغاز رسمی آگیری سد چمشیر با وجود هشدارهای جدی کارشناسان ...
۳۸		افزایش شمار کودکان بازمانده از تحصیل در ایران ...
۳۹		نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به دنبال «رقصندگان اکباتان» ...
۴۰		هشدار هانست به کمبود بحرانی دارو و تجهیزات پزشکی در ایران ...
۴۱		تعیین رقم حداقل دستمزد در کما؛ کارگران نگران معیشت سال آینده ...
۴۲		پیر نوروز ... / دکتر پرویز ناتل خانلری
۴۳		بهار به ... / فریدون مشیری، شفیع کدکنی، رضامقصدی ولعبت والا
۴۴		گلشیفته فراهانی و برنار هنری لوی در کج ملاقات کردند و چه گفتند؟ ...
۴۵		آمریکا توافق برای تبادل زندانیان را «دروغ بی رحمانه» خواند ...
۴۶		دست جمهوری اسلامی بر گلو صنعت گردشگری؛ از پلمب اقامتگاه ها تا ...
۴۷		رکود بی سابقه در بازار پوشاک ایران؛ مردم پولی برای خرید لباس عید ...
۴۸-۴۹		گزارش تکانه دهنده سازمان عفو بین الملل از شکنجه وحشیانه کودکان ...
۴۹		روزنامه شرق الاوسط: مصر از مدت ها پیش یک کاردار در سطح سفیر ...
۵۰		پشت جلد - عکس هفته / چهارشنبه سوری همزمان با انقلاب ملی ایران

بازنشر
بازنشر

بازنشر

بازنشر

سرمقاله

نوروز جشن انسان و زمین و زمان

هر سال فرا رسیدن بهار و نو شدن زمین و زمان را میلیون‌ها شهروند از قلمرو فرهنگ باستانی ایران در سراسر جهان جشن می‌گیرند.

نوروز جشن ملی و سراسری از جمله سه کشور ایران و افغانستان و تاجیکستان است که با بیش از ۱۳۰ میلیون شهروند آن را بزرگ می‌دارند. به همین مناسبت در ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان که در آنها ۸۰ تا ۹۹ درصد جمعیت نوروز را جشن می‌گیرند تعطیل



رسمی است. این گذشته از ایرانی‌تبارانی مانند گردهاست که در کشورهای مختلف مانند ترکیه و سوریه و عراق آیین‌های نوروزی را برپا می‌دارند. جمعیتی که بنا بر اعلام سازمان ملل بیش از ۳۰۰ میلیون تن را در بر می‌گیرد و به عنوان میراث باستانی قلمرو فرهنگ ایرانی که تاریخ پیدایش آن به بیش از سه هزار سال می‌رسد در یونسکو نیز ثبت شده است.

در این میان جامعه مهاجران ایرانی در سراسر جهان از جمله کشورهای غربی نوروز را به این جوامع نیز منتقل کرده و دور از انتظار نیست اگر اول فروردین به عنوان جشنی که با سرشت طبیعت و انسان پیوند عمیق دارد بیش از پیش گسترش یافته و در این کشورها نیز به عنوان تعطیل رسمی اعلام شود. چنانکه مجمع عمومی سازمان ملل نیز در ۲۳ فوریه ۲۰۱۰ روز ۲۱ مارس برابر با یکم فروردین را به عنوان روز جهانی نوروز به رسمیت شناخت.

گذشته از جنبه تاریخی، نوروز از نظر فرهنگی با جان و روان و محیط زیست انسان پیوند ناگسستنی دارد. چه کسی با فرا رسیدن بهار احساس شادی و تازگی و امید می‌کند و به خانه‌تکانی می‌پردازد حتا اگر به دلیلی غمگین و یا سوگوار عزیزی اعم از خانواده و میهن باشد؟!

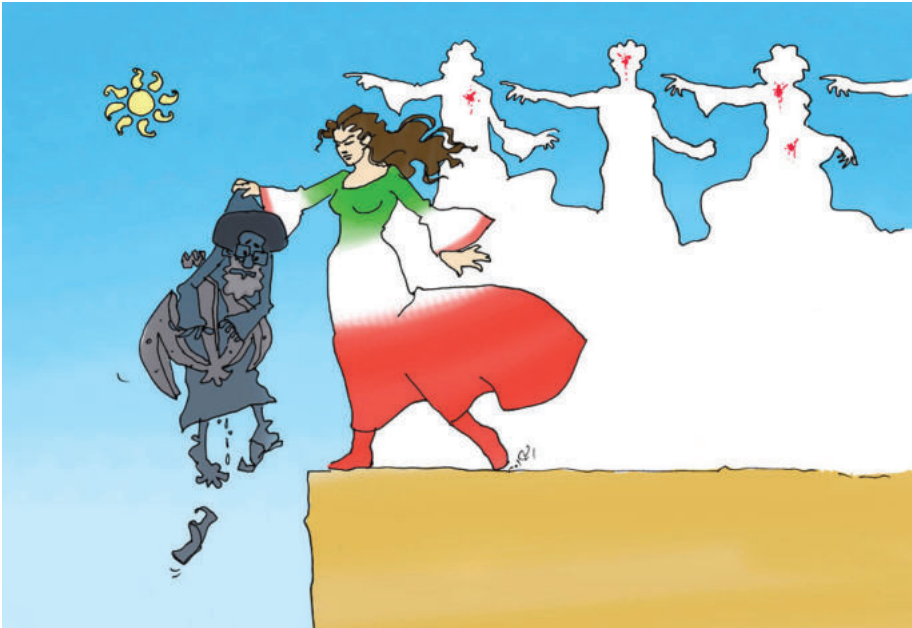
تلاش‌هایی که جهت «قومی» قلمداد کردن نوروز حتا با تاریخ‌سازی و روایت‌های جعلی صورت می‌گیرد، دامنه‌ی آن را به عنوان میراث فرهنگی بشر برای مهر و شور و شادی و امید و همبستگی و آشتی و صلح و همزیستی، محدود می‌کند و آن را از یک آئین در بزرگداشت طبیعت و مناسبات انسانی، به یک نگرش و ابزار قبیله‌ای کاهش می‌دهد.

نوروز جشن آشتی خانواده‌ها و آشنایان، جشن چانه‌زنی‌های مهرآمیز بازار و مشتریان، جشن احترام نسل‌ها، جشن زیبایی هر چیز نو و نوین، از شادی کودکانه برای یک جفت کفش یا یک تخم مرغ رنگی تا پول عیدی پنهان شده در پشت بزرگان خانواده است. نوروز عطر خوش زندگی در سیب و سنبل و سیر و سرکه و طعم سنتی سنجد و سماق و سمنو و درخشش رویش شگفت‌انگیز جوانه و سبزه است. نوروز تصویر امید و پیروزی و شادکامی در سکه‌های کوچکی است که کنار تصویر عزیزان از دست رفته و یا دورمانده از خانه در آینه می‌درخشند.

نوروز در ایران نیز هر سال با نوید روزهای روشن دل‌ها را گرم و امیدوار نگه می‌دارد به ویژه در پایان سالی که انقلاب ملی در آن آغاز شده و نوروز سرمست پیروزی از راه می‌رسد. هر روزمان نوروز نوروزمان پیروز!

تیترو هفته

ایران در ۱۴۰۱



● **ایرانیان در سالی که گذشت اعتراضاتی را علیه جمهوری اسلامی رقم زدند که جهان را به شگفتی واداشت؛ انقلابی که با شعار «زن زندگی آزادی» آغاز شد و با «مرد میهن آبادی» دامنه‌ای فراگیر در داخل و خارج کشور یافت تا بازتاب حقوق ملت ایران باشد.**

تجمعات صنفی ادامه یافت. هرچند ریشه اغلب اعتراضات و تجمعات سال‌های گذشته اقتصادی- صنفی بود اما از دی ۹۶ مسائلی مانند تحقیر، زیر پا گذاشتن کرامت انسانی شهروندان توسط حکومت و بطور کلی خفقان سیاسی و اجتماعی و فشارهای فرهنگی در کنار مشکلات اقتصادی به مهمترین انگیزه‌های اعتراضات تبدیل شدند.

در شرایطی که لاف پایان اعتراضات در هفته‌های گذشته بارها از سوی مقامات و عوامل صدارتی جمهوری اسلامی سر داده شد اما مردمی که با وجود فضای امنیتی شدید و تهدیدهای مقامات قضایی و نظامی، چهارشنبه‌سوری را به صحنه اعتراضات تبدیل کردند، نشان داد که قلب تپنده انقلاب ملی همچنان پرشور است.

نبرد چند وجهی حکومت علیه شهروندان

در آنسو، رویارویی مقامات به ویژه علی خامنه‌ای با اعتراضات مردم همواره حامل تحقیر جمعی معتزضان و توهم درباره پایگاه اجتماعی نظام بوده است که ناخواسته بر خشم عمومی جامعه می‌افزاید.

علی خامنه‌ای هفته سوم مهرماه طی سخنانی اعتراضات مردم در سراسر ایران را «اغتشاش‌های پراکنده» خواند و گفت که این اعتراضات را دشمن به صورت «انفعالی» و «ناشیانه» در مقابل پیشرفت‌ها و حرکت‌های ابتکاری و بزرگ ملت ایران طراحی کرده است! این ادعا در حالیکه از قتل مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد تا مسموم ساختن سازمانیافته دانش‌آموزان در بیش از ۲۵۰ مدرسه کشور، بار دیگر ثابت کرده است که خود جمهوری اسلامی عامل اصلی برهم خوردن امنیت در ایران است. اعتراض و واکنش افکار عمومی نسبت به مسموم ساختن دانش‌آموزان گویای این واقعیت است که مردم دلیل موجه دیگری برای ایستادن قاطعانه در برابر این حکومت دارند.

اراده خستگی‌ناپذیر مردم در ماه‌های گذشته جمهوری اسلامی را بر آن داشت که جدا قلمداد کردن «جزیی»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هنگامی که سال ۱۴۰۱ را به عنوان «سال تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» نامگذاری کرد گمان نمی‌کرد که امسال به سال انقلاب ملی علیه انقلاب اسلامی و نظام تبدیل و هربار شعار «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» از شهرهای مختلف ایران فریاد زده شود و تصاویر او و روح‌الله خمینی در شهرهای مختلف به آتش کشیده شود.

سال ۱۴۰۱ بدون شک به عنوان یکی از تاریخ‌سازترین سال‌ها در تاریخ ایران ثبت خواهد شد. اعتراضات مردم در پی قتل حکومتی مهسا امینی نقطه عطفی در اعتراضات مردمی سال‌های گذشته در برابر جمهوری اسلامی بود. ایرانیان اعتراضاتی را علیه جمهوری اسلامی رقم زدند که به سرعت وارد مرحله انقلابی شد و جهان را به شگفتی واداشت. انقلابی که با شعار «زن زندگی آزادی» آغاز شد و با «مرد میهن آبادی» دامنه‌ای فراگیر در داخل و خارج کشور یافت تا بازتاب حقوق ملت ایران باشد.

سرآغاز تحولاتی که به آغاز جنبش انقلابی امسال رسید، به هفتم آبان ۱۳۹۵ و تجمع هزاران نفر در پاسارگاد برای مرزبندی شفاف با جمهوری اسلامی و انقلاب ۵۷ باز می‌گردد؛ تجمعی که نشان داد ۴۴ سال شستشوی فکری و تبلیغات ایدئولوژیک شکست خورده و مردم در حال بازیابی هویت ملی و ایرانی خود هستند. مقدمه چنین مرزبندی‌هایی البته به مجموعه‌ی تحرکاتی از سال‌های پیشتر بر می‌گردد برای نمونه اعتراضات «تجمع خلیج فارس» در تهران که اردیبهشت ۸۷ در مقابله با جعل نام خلیج فارس و ادعای واهی امارات بر جزایر سه‌گانه با حضور صدها نفر و با شعارهایی چون «پاینده ایران» و «خلیج فارس همیشه، هرگز جدا نمیشه» برگزار شد.

این روند در اعتراضات دی ۹۶، امرداد ۹۷، آبان ۹۸ و همچنین در اعتراضات کشاورزان اصفهان با شعار درخشان «رو به میهن، پشت به دشمن» و سپس اعتراضاتی که در ارتباط با فرو ریختن ساختمان متروپل در آبادان شکل گرفت و نیز در

مهمترین ابزار مردم معترض: آگاهی، اراده، همبستگی

در چنین شرایطی بود که قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی اتفاق افتاد و آتش زیر خاکستر خشم و انزجار مردم را دوباره شعله‌ور کرد. کیهان لندن در تمامی ماه‌های گذشته اعتراضات شبانه‌روزی مردم را پاپیای آنان دنبال کرده و بازتاب داده است. جامعه ایران به گفته‌ی خود معترضان پس از مدتی کوتاه وارد مرحله انقلاب شد و در سراسر جهان مورد پشتیبانی قرار گرفت. نظام که بیش از پیش به وحشت افتاده بود حکم اعدام چهار جوان، محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی را در آذر و دی به اجرا درآورد. در این میان، جامعه جوان ایران که تجربه تلخ انقلاب ۵۷ را در خاطره جمعی و حافظه تاریخی خود ضبط کرده، در فرآیندی که بر آگاهی و همبستگی و اراده برای عبور از جمهوری اسلامی و پس گرفتن ایران و ساختن کشور شکل گرفته، به اعتراض و رفتن به خیابان برای جانپازی بسنده نمی‌کند بلکه همه تحرکات سیاسی را زیر نظر گرفته و به نقد می‌کشد. در ماه‌های گذشته برخی اقدامات گروه‌های سیاسی از جمله احزاب قومی تجزیه‌طلب و تبلیغات سازمانیافته و تفرقه‌افکنانه‌ی آنها از طریق برخی رسانه‌های خارج کشور با شعارهای روشن از درون اعتراضات ایران روبرو شد. همچنین پروژه‌هایی که به نظری‌رسد جهت «هرساز» و «آلترناتیو سازی» با پشتیبانی برخی کشورهای خارجی به راه افتاده، با مقاومت داخل و خارج روبرو می‌شوند. اکنون ایران شاهد فرآیندی است که همه نیروها و چهره‌های سیاسی از سوی افکار عمومی رصد می‌شوند تا مهم‌ترین معیاری که در ۴۴ سال گذشته از صحنه سیاسی کشور غایب بوده دوباره جایگزین شود: شایستگی و بایستگی!

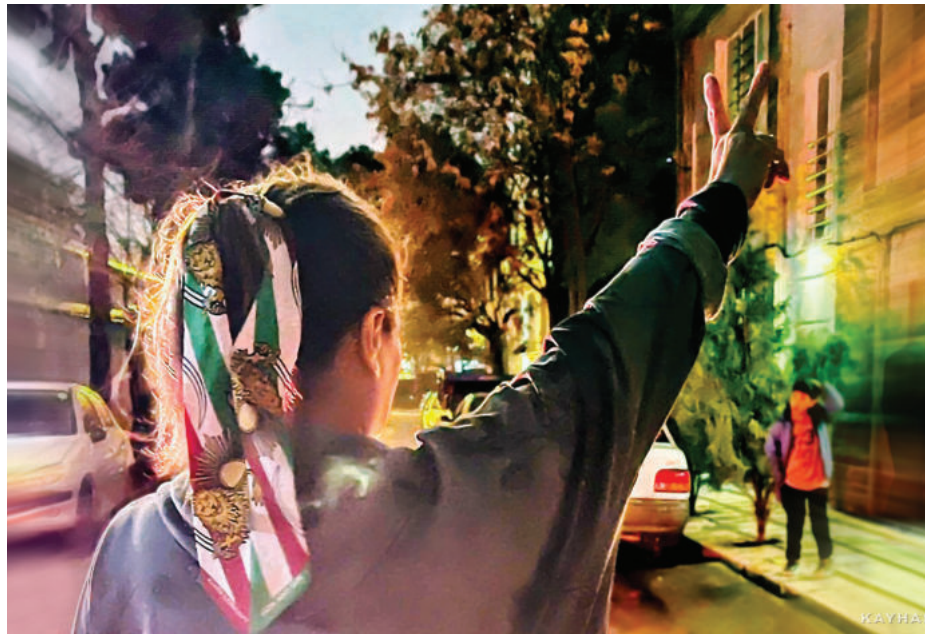
در یک نظرسنجی معتبر و علمی که در بهمن‌ماه برگزار شده، وزن جریان‌ات سیاسی از سوی شرکت‌کنندگان بیش از پیش روشن شده است. نتایج این نظرسنجی که از سوی موسسه «بیش‌بینی و تحقیق تجربی» با عنوان «وضعیت سیاسی در ایران» انجام شده نشان می‌دهد ۷۹ و ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان شاهدان رضا پهلوی را به چهره‌های سیاسی دیگر ترجیح می‌دهند. همچنین ۶۰ و ۴۰ درصد خواستار بازگشت پادشاهی مشروطه‌اند و ۱۷ و نیم درصد جمهوری دمکراتیک را ترجیح می‌دهند در حالی که ۱۴ و نیم درصد هنوز تصمیم نگرفته‌اند.

بررسی شعارهای مردمی که در اعتراضات خیابانی و در مقابل نیروهای تا دندان مسلح جمهوری اسلامی جان خود را بر کف دست گرفته‌اند، دو نکته انکارناپذیر را روشن می‌کند: یکی اینکه تنها نام خاندان پهلوی به عنوان نماینده نهاد پادشاهی در ایران در شعارهایی چون «رضاشاه روح شاد» و «ای شاه ایران برگرد به ایران» سر داده شده و نام هیچ فرد، گروه یا جریان سیاسی در شعارهای انقلاب ملی مطرح نشده است. نکته دیگر، تأکید بر همبستگی و یکپارچگی سرزمینی و نام «ایران» در شعارها و ترانه‌ها و دیگر محتوای سیاسی و فرهنگی تولید شده در این جنبش ملی است. این واقعیت نیز نشان می‌دهد که مردم به دنبال تشکیل همان «دولت ملی» هستند که در توثیق شاهزاده رضا پهلوی در صد و چهل و پنجمین زادروز رضاشاه مورد تأکید قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد جامعه‌ای که با انقلاب ۵۷ از عرش بر فرش سقوط کرد، و چهار دهه انواع تحقیر و سرکوب و فشارهای ایدئولوژیک، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را تحمل نمود، همبسته و یکپارچه بپاخاسته تا با عبور از جمهوری اسلامی و «فتنه ۵۷»، کشور را به مسیر آزادی و آبادی برگرداند. این جامعه خواهان حکومتی دمکرات است که ضامن امنیت، رفاه و آرامش و همزیستی تاریخی آن باشد.

روشنک آسترکی

قرار گرفتند و چندین آموزگار نیز بازداشت شدند. همزمان کارگران نیز دست به اعتصاب و تجمع زدند. کارکنان رسمی صنعت نفت در شرکت‌های مختلف در نخستین هفته



اردیبهشت‌ماه اعتصابات را آغاز کردند که در آخرین هفته اردیبهشت به شرکت مهم «فلات قاره» رسید. این اعتراضات عمدتاً ریشه در مشکلات اقتصادی و معیشتی داشتند که جان مردم را به لب رسانده است.

روشن است که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی هم ارزیابی‌هایی درباره وضعیت انفجاری جامعه داشتند و از همین رو سناریوهایی را برای خنثی کردن فراگیر شدن اعتراضات در سراسر کشور به اجرا گذاشتند. وزارت اطلاعات اوایل اردیبهشت دو آموزگار تبعه فرانسه و عضو اتحادیه آموزش این کشور را که برای سفر توریستی به ایران رفته بودند هنگام بازگشت به کشورشان در فرودگاه بازداشت کرد. چند روز بعد مستندی از سوی وزارت اطلاعات در صداوسیما حکومت منتشر شد که این دو آموزگار را متهم به «جاسوسی» و ارتباط گرفتن با شماری از فعالان صنفی برای آشوب در کشور متهم می‌کرد. در پی این سناریو حدود ۲۰ فعال صنفی فرهنگی و کارگری بازداشت شدند و زمینه برای فشار بر فعالان صنفی آماده شد. به گزارش خبرگزاری حقوق بشری «هرانا» در بهار ۱۴۰۱ دست‌کم ۲۳۰ آموزگار و فعال فرهنگی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و ۲۳ تن به مراجع قضایی احضار شدند. همزمان بیش از ۱۰ فعال کارگری نیز با پرونده‌سازی وزارت اطلاعات راهی زندان شدند.

اعتراضات صنفی اما در اواخر خردادماه و در سالگرد انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم دوباره اوج گرفت. بازاریان اصناف مختلف از لوازم خانگی تا لوازم یدکی اتومبیل و سنگبری‌ها در چند شهر از جمله تهران، یزد، اصفهان، خرم‌آباد و هندیجان اعتصاب کردند. در اعتصابات تهران تجمعاتی نیز از سوی بازاریان شکل گرفت و شعار «رضاشاه روح شاد» سر داده شد. همچنین روز شنبه ۲۸ خرداد بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی تجمع سراسری در ده‌ها شهر ایران برگزار کردند که شعار محوری آنها «جان فدا می‌کنیم در ره آزادی» بود. در اوایل تیرماه نیز دور تازه‌ای از اعتصابات در صنعت نفت با اعتصاب کارگران داربست‌بند آغاز شد. شعارها نشان می‌داد خواست‌های حقوقی اصناف هرچند ریشه اقتصادی و معیشتی دارد اما فراتر از آن و در حال نشانه گرفتن اصل نظام است.

بودن اعتراضات و تحقیر معترضان، سرکوب‌هایی چند وجهی را علیه آنها به کار بگیرد: از بازداشت حدود ۲۰ هزار نفر در جریان اعتراضات، تا صدور بیش از ۲۰ حکم اعدام

و اجرای حکم اعدام چهار جوان معترض تا وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها برای اعترافات اجباری و اقرار متهمان، حذف شماری از معترضان با صحنه‌سازی خودکشی و سکنه، تهدید و بازجویی شهروندان، قطع و سانسور اینترنت، تصویب چند طرح سرکوبگرانه در مجلس شورای اسلامی و البته پیشبرد «جهاد تبیین» با انواع اتهام‌زنی‌ها و دروغ‌پردازی و تحریف از جمله در فضای مجازی! یکی از تازه‌ترین ترفندهایی که افکار عمومی آن را از چشم نظام می‌بیند، مسموم ساختن سازمانیافته دانش‌آموزان در بیش از ۲۵۰ مدرسه و ۲۵ شهر است که همچنان ابعادی پنهان دارد.

سالی که نکوست از بهارش پیداست

در بهار ۱۴۰۱ نخستین روز بعد از تعطیلات نوروزی با اعتراضات گسترده صنفی آغاز شد بطوری که بزرگترین پروژه امنیتی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) به ترتیب علیه فعالان صنفی و خانواده‌های دادخواه آنان ۹۸ در بهار به اجرا درآمد.

کیهان لندن در سومین هفته فروردین ۱۴۰۱ در گزارشی با عنوان «سالی که نکوست از بهارش پیداست» به تجمعات اعتراضی و اعتصابات از ۱۴ فروردین و درست یک روز پس از پایان تعطیلات نوروزی پرداخت. بر اساس این گزارش در فاصله ۱۴ تا ۱۶ فروردین کشاورزان اصفهان، بازنشستگان مخابرات، کارکنان استانداری رشت، کارگران بخش پسماند شهرداری بجنورد، کارگران شهرداری سی‌سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد، کارگران کشت و صنعت لرستان و کارگران پتروشیمی چوار استان ایلام از جمله گروه‌های صنفی بودند که اعتصاب و تجمع اعتراضی برگزار کردند.

نخستین تجمع اعتراضی سراسری آموزگاران در ۱۴۰۱ روز اول اردیبهشت و با فراخوانی از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیش از ۵۰ شهر برگزار شد. چند روز بعد در یازدهم اردیبهشت نیز بار دیگر هزاران آموزگاران در تمامی استان‌های کشور و در ۸۵ شهر به خیابان آمدند و مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. برخورد امنیتی و نظامی با آموزگاران معترض اینبار شدیدتر بود و شماری از آموزگاران در شهرهای مختلف مورد ضرب و جرح

تیتز هفته (سیاست امنیتی و نظامی)

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در

۱۴۰۱

سبقت فرماندهان ارشد در
چاکرمآبی و کارکنانی که انگیزه
خدمت ندارند

● برکناری حسین طائب از ریاست سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس)، اعدام سرهنگ علیرضا اکبری از مقامات سابق وزارت دفاع که از وی به عنوان «آبرجاسوس» انگلیس نام برده شد و مرگ مشکوک و ترور شماری از فرماندهان سپاه پاسداران فعال در واحدهای موشکی و پهبادی از مهم‌ترین رویدادهای نظامی ایران در سال ۱۴۰۱ بود.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تحت زعامت علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا سال ۱۴۰۱ در عمل وارد معرکه‌ای شدند که اگر خروج از آن ناممکن نباشد اما به راحتی هم امکان‌پذیر نیست: همدستی با روسیه در جنگ علیه اوکراین. به پشتوانه برگزاری چند رزمایش و رونمایی از چند نمونه تجهیزات و تسلیحات دفاعی به ویژه در زمینه موشکی و پهبادی، مقامات جمهوری اسلامی نیروهای مسلح را «الگوی پیشرفت» معرفی می‌کنند. بدیهی است در بالاترین رده‌های قوای مسلح از عملکرد نیروها و یگان‌های تحت امرشان چیزی جز تعریف و تمجید شنیده نخواهد شد.

در سالی که گذشت بیشترین تمرکز مقامات دفاعی جمهوری اسلامی روی ساخت پهبادهای انتحاری بود که با وجود انکار اولیه سر از یگان‌های مسلح روسیه درآوردند و در حمله به تأسیسات استراتژیک اوکراین به کار گرفته شدند. جمهوری اسلامی در عرصه نظامی حساب ویژه‌ای روی موشک‌ها و پهبادها به ویژه «شاهد ۱۳۶» ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پهباد «آرش» ساخت ارتش باز کرده است.

در همین ارتباط یوآو گالانت وزیر جنگ اسرائیل در کنفرانس امنیتی مونیخ ادعا کرد که جمهوری اسلامی با بیش از ۵۰ کشور در سراسر جهان در ارتباط است و به آنها سلاح می‌فروشد. خود مقامات ارشد جمهوری اسلامی می‌گویند صادرات انواع تسلیحات پنج برابر شده است. در سالی که گذشت جمهوری اسلامی در تاجیکستان کارخانه ساخت پهباد به راه انداخت. مؤسسه «جیمز تاون فاندیشن» تحلیل کرد یکی از دلایل اهمیت تأسیس خط تولید پهبادهای «ابابیل-۲» در تاجیکستان این است که جمهوری اسلامی برای نخستین بار رسماً خط تولید کارخانه ساخت پهباد در بیرون از مرزهای ایران را فاش کرد.

از جمله مواردی که حکومت مانور تبلیغاتی زیادی روی آن کرده است تغییر کاربری برج‌های نفتی به شناورهای با مصارف نظامی بود. شناور «شهید مهدوی» متعلق به نیروی دریایی سپاه یکی از آنهاست که ادعا شد ناو پهبادبر اقیانوس پیماست!

لورفتن پایگاه زیرزمینی نیروی هوایی

یکی دیگر از مواردی که از آن به عنوان دستاورد نظامی نام برده شد پایگاه زیرزمینی نیروی هوایی ارتش «عقاب ۴۴» بود. پایگاهی که مختصات استقرار آن با جزئیات دقیق ساعتی بعد از انتشار گزارش تصویری از بازدید رئیس ستاد کل نیروهای



صف کشیدن ارتشی‌ها و سپاهی‌ها برای دست دادن با لوان جاگاریان سفیر روسیه در ایران / تهران / سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱

را دچار مسمومیت کرد. مقامات حکومتی طبق معمول ابتدا اصل ماجرا را کتمان کردند اما به تدریج اعتراف کردند که سازماندهی شده و عمدی است. هرچند هنوز مشخص نشده منشأ این حملات که حتا علی‌خامنه‌ای از آن به عنوان «جنایت» نام برد کدام گروه بوده‌اند اما از وسعت و تداوم آن پیداست بدون بازوی قدرتمند در سازمان‌های امنیتی ارتکاب به آن ممکن نبود. عاملان این جنایت چه طبق ادعای مقامات نظام از بیرون خط گرفته باشند و چه اقدامی از درون حکومت باشد ننگی بر پیشانی نهادهای امنیتی نظام است.

بی‌عدالتی در دادرسی نظامی

شماری از خانواده‌های قربانیان «پرواز ۷۵۲» پس از سه سال پیگیری و دادخواهی به دلیل «عدم استقلال» و «عدم صلاحیت» دادگاه نظامی تهران شکایت خود را پس گرفتند. آنها اعلام کردند قضات این دادگاه توانایی رسیدگی عادلانه به پرونده را ندارند. بسیاری از خانواده‌ها معتقدند دادگاهی که زیر سلطه عاملان جنایت باشد محال است به عدالت منجر شود.

از برکناری‌ها تا اعدام جاسوس

برکناری حسین طائب از ریاست سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس)، اعدام سرهنگ علیرضا اکبری از مقامات سابق وزارت دفاع جمهوری اسلامی که از وی به عنوان «آبرجاسوس» انگلیس نام برده شد، مرگ مشکوک و ترور شماری از فرماندهان سپاه پاسداران فعال در واحدهای موشکی و پهبادی از جمله حسن صیادخدایی (خدایاری) از افسران عضو «سپاه قدس»، حمله به تأسیسات و کارخانجات نظامی با ریزپرنده‌ها، جدال مرزی با نیروهای طالبان و جمهوری آذربایجان، سقوط دست‌کم سه هواپیمای جنگنده متعلق به ارتش و سپاه پاسداران حین مأموریت و جان باختن چهار خلبان از رویدادهای مهم در حوزه نظامی ایران بود.

بحران در نیروی انتظامی

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی شش ماه از سالی که گذشت، درگیر سرکوب اعتراضات بود. تقریباً تمام فرماندهان ارشد نیروی انتظامی به دلیل نقض حقوق بشر در فهرست تحریم‌های اروپا و آمریکا و شرکای آنها قرار گرفته‌اند. در جریان اعتراضات با وجود اینکه ادعا شد پلیس و مأموران ضدشورش از تیرجنگی استفاده نکردند اما حدود ۶۰۰ نفر از مردم کشته شدند. نیروهای پلیس نیز در این اعتراضات تلفات زیادی داشتند. در ماه دوم انقلاب ملی گفته شد بیش از دوهزار نفر از پرسنل نیروی انتظامی مصدوم شدند. در نهایت خامنه‌ای تصمیم به تغییر حسین رحیمی و انتصاب احمدرضا رادان سردار سرکوبگر و بدسابقه به عنوان فرمانده

مسلح و فرمانده ارتش توسط ماهواره‌ها شناسایی شد و در نهایت آنچه از آن بیرون آمد یک هواپیمای جنگنده قدیمی بود که نیم قرن پیش در دوران پهلوی برای ارتش خریداری شده بود.

ادامه حملات اسرائیل به پایگاه‌های سپاه در سوریه

در سالی که گذشت به ویژه بعد از آنکه بنیامین نتانیاهو بار دیگر در اسرائیل به قدرت رسید، حملات هوایی اسرائیل به پایگاه‌های سپاه قدس و گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرد و برای مقابله با آن کاری از دست رژیم برنیامد. بارها کاروان‌های تسلیحات ارسالی از سوی جمهوری اسلامی به سوریه لو رفت و در بنادر یا در جاده‌های بین مرزی عراق و سوریه هدف قرار گرفته و نابود شدند و یا خسارت دیدند.

ناتوانی در تأمین مسکن برای کارکنان ارتش

ناتوانی فرماندهان در تأمین نیازهای اقتصادی نیروهای مسلح را باید یکی از مهم‌ترین بحران‌ها در نیروهای مسلح دانست. نارضایتی پرسنل نظامی در نهایت ریزش در بدنه نیروهای مسلح را تشدید می‌کند. عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران اواسط امرداد ۱۴۰۱ به دلیل برآورده نشدن وعده‌های اقتصادی و «دغدغه معیشت» از کارکنان و خانواده‌های ارتشی‌ها عذرخواهی کرد. او قول داده بود در عرض پنج سال وضعیت آنها را بهبود بخشد. موسوی که در چاکرمآبی گوی سبقت را از سایر فرماندهان نظامی روده معتقد است «حضرت آقا» در رأس همه خطوط قرمز نیروهای مسلح قرار دارد.

خرابکاری و اعتراضات در ارتش

همزمان با تداوم خیزش ضدحکومتی در ایران خرابکاری در پادگان‌های ارتش افزایش پیدا کرد. در جریان این اعتراضات شماری از کارکنان رسمی و کادر و سربازان بازداشت شدند. در نیروهای مسلح برای جلوگیری از فرار و ترک خدمت سربازان برای آنها بسته‌های تشویقی شامل کسر از خدمت و مرخصی‌های تشویقی و جوایز مادی و اضافه حقوق در نظر گرفته شد. به پیشنهاد معاون فرمانده نیروی زمینی ارتش و موافقت علی‌خامنه‌ای برای مقابله با کشیده شدن اعتراضات به پادگان‌ها و منازل مسکونی ارتشی‌نشین یگان‌های ضربت ایجاد شد. این در حالیست که در جریان برگزاری مراسم چهل‌مها امینی در اواسط آبان، ارتشی‌های «تیپ ۲۲۸» سفر بعد از حمله مزدوران سپاه پاسداران، به مردم پناه دادند.

حملات شیمیایی به مدارس دخترانه

یکی از بزرگترین شکست‌های امنیتی برای جمهوری اسلامی حملات شیمیایی به مدارس خوابگاه‌های دخترانه بود که بیش از سه ماه تداوم داشت و بیشتر از ۱۵۰۰ نفر



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنفرانس خبری / واشنگتن / ۱۵ مارس ۲۰۲۳

تیتز هفته (سیاست خارجی)

جمهوری اسلامی بخشی از مشکلات سیاست بین‌المللی است

● انتظار می‌رفت که دولت‌های غربی در ارتباط با خیزش انقلابی در ایران واکنش جدی‌تری از خود نشان دهند و به ویژه سطح روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی بطور محسوسی کاهش دهند. اتفاقی که البته روی نداد و برعکس، در هفته‌های آخر سال خورشیدی بار دیگر تلاش‌های دولت‌ها و نهادهای اروپایی و بین‌المللی برای احیای مذاکرات توافق موسوم به برجام، که چندین سال است بدون نتیجه در جریانست، افزایش یافته است.

در سالی که رو به پایان است، جهان و به ویژه کشورهای غربی توجه بیشتری به جمهوری اسلامی و آنچه در این مدت می‌گذرد داشتند. این توجه بیشتر یکی از نتایج محسوس انقلاب «زن زندگی آزادی» است. شجاعت، شهامت و پایداری زنان و مردان ایرانی در مقابل یکی از وحشی‌ترین نظام‌های دیکتاتوری معاصر، تحسین جامعه جهانی را برانگیخته، اگرچه حمایت دولت‌های بسیاری از کشورها، برخلاف جوامع مدنی و افکار عمومی همین کشورها، تنها صدور چند بیانیه و محکومیت لفظی سرکوب شدید معترضان بود که بیش از ۱۸۰ روز است در خیابان‌های بیشتر شهرها در تمام استان‌های ایران با صدای رسا خواهان سرنگونی نظام هستند.

بدون شک بیانیه‌های محکومیت سرکوب معترضین از اهمیت برخوردار است، ولی انتظار می‌رفت که دولت‌های

نیروی انتظامی گرفت. در سالی که گذشت به ویژه در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان و کردستان، مأموریت نیروهای انتظامی در عمل بجای تأمین امنیت مردم، نسق‌کشی از آنها در همکاری با سپاه و بسیج بوده است. گفتنی است که در یک نمونه بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی میزان سرقت در ایران چهار برابر شده است.

در این میان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در رده فرماندهی سال را به امید دریافت سیستم اس-۴۰۰ و سوخو ۳۵ روسی به پایان رساندند. حکومت که امیدوار بود با تشدید سرکوب وحشیانه، اعتراضات مهار شود اما در چهارشنبه سوری بار دیگر با واقعیت خشم و انزجار مردم روبرو شد. اینهمه در حالیست که بدنه میانی نیروهای مسلح به شدت بدون انگیزه و ناامید است. مأموریت اصلی سازمان عقیدتی-سیاسی «جهاد تبیین» نیز که جلوگیری از ریزش‌هاست، ناکام می‌ماند چرا که مشکل پرسنل نظامی نه ایدئولوژی بلکه اقتصاد است! درآمد آنها که از صبح به پادگان‌ها می‌روند و به سختی روزگار می‌گذرانند کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد و آنان را مجبور می‌کند به سراغ شغل دوم بروند. اعتیاد و ترک خدمت و همچنین استعفا بین کارکنان ارتش افزایش پیدا کرده است. همزمان سرقت نیز از داخل پادگان‌ها و انبارها زیاد شده است و جمهوری اسلامی راهکاری برای غلبه بر این وضعیت ندارد.

حامد محمدی

غربی واکنش جدی‌تری از خود نشان دهند و به ویژه سطح روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی بطور محسوسی کاهش دهند. اتفاقی که البته روی نداد و برعکس، در هفته‌های آخر سال خورشیدی بار دیگر تلاش‌های دولت‌ها و نهادهای اروپایی و بین‌المللی برای احیای مذاکرات توافق موسوم به برجام، که چندین سال است بدون نتیجه در جریانست، افزایش یافته است.

اصرار غرب بر احیای برجام

در آخرین نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر پیش‌نویس قطعنامه‌ای برای محکومیت گسترش برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، که کشورهای اروپایی وعده آنرا داده بودند، در لحظه آخر روی میز قرار نگرفت. با وجود اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صحبت از غنی‌سازی ۸۴ درصدی کرده اما کل داستان با سفر دور از انتظار رافائل گروسی به تهران به فراموشی سپرده شد. مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بازگشت از تهران اعلام کرد ضمانت‌هایی دریافت کرده و صحبت از آمادگی تهران برای همکاری بیشتر کرد. حال آنکه مقامات تهران برخی نکات مطرح شده از سوی وی را تکذیب کردند! البته رافائل گروسی اشاره‌ی صریحی به این ضمانت‌ها و چگونگی همکاری جمهوری اسلامی نداشت و کسی هم در این رابطه پرسشی مطرح نکرد. آنچه را سخنگویان غیررسمی کشورهای غربی گفتند می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: هرگونه قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی راه را برای مذاکرات آینده دشوار می‌سازد.

امید به توافق با عربستان با میانجیگری چین

در آخرین روزهای سال جاری خورشیدی اتفاق دیگری نیز به ثبت رسید که می‌تواند برای مدتی روابط غرب، و نه تنها غرب را، با جمهوری اسلامی بهبود بخشد. امضای توافقی بین جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی با میانجیگری جمهوری خلق چین می‌تواند تنش بین تهران و پایتخت‌های اروپایی و برخی کشورهای عربی را موقتاً کاهش دهد. البته کم نیستند تحلیلگرانی که معتقدند این توافق موقتی خواهد بود و جمهوری اسلامی به دلایلی سیاسی و راهبردی نخواهد توانست آنرا عملی کند و به آن وفادار بماند. روابط جمهوری اسلامی با پادشاهی سعودی و متحدان این کشور در خلیج فارس و برخی دیگر از کشورهای عربی زیر ضربه ۴۴ سال فعالیت‌های مخرب جمهوری اسلامی در منطقه قرار دارد و ترمیم و بازسازی آن اصلاً ساده نیست. کشورهای اروپایی و آمریکا که همگی از این توافق استقبال کردند، نمی‌خواهند درگیر بحران جدیدی در خاورمیانه باشند و

امیدوارند که میانجیگری چین بین جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی بتواند آغازی برای پایان جنگ در یمن باشد. امید به این توافق که بتواند بطور موقت نیز به درگیری‌های نیابتی بین تهران و ریاض در عراق یا لبنان پایان دهد، یکی دیگر از دلایل خوشبینی بیش از حد غرب نسبت به این توافق است. آنچه غرب نمی‌خواهد ببیند و چشمان خود را به روی آن بسته، استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته است. سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی از ابتدای بنیانگذاریش، مبتنی بر ایجاد تنش و سربازگیری در کشورهای همسایه دور و نزدیک بوده است. بعید به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی با این توافق دست از حمایت از انصارالله و حوثی‌ها در یمن بردارد، یا نیروهای خود و گروه‌های تحت حمایت‌اش را از سوریه خارج سازد، و یا پرداخت میلیون‌ها دلار به حماس و جهاد اسلامی را برای اقدامات تروریستی علیه اسرائیل متوقف سازد و یا بالاخره پای خود را از لبنان و عراق بیرون بکشد. بدون این دخالت‌ها جمهوری اسلامی کاری برای بازی در منطقه ندارد.

در بر همان پاشنه ۴۴ ساله می‌چرخد

جمهوری اسلامی برای حضور در عرصه سیاست جهانی سال‌هاست که دیگر نمی‌تواند از اسلحه نفت و گاز استفاده کند. تحریم نفت ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی نتوانست ضربه‌ای به اقتصاد غرب وارد نماید بطوری که در عرض چند هفته توانست منابع جانشین پیدا کند. جمهوری اسلامی در این سال‌ها از دو برگ نسبتاً پرنده برای تحت فشار دادن غرب استفاده کرده است: ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای منطقه و گروگانگیری اتباع خارجی و ایرانی‌ها دوتابعیتی. البته کارت سوم نیز برنامه‌های اتمی است که غرب هنوز امید به کنترل آن از طریق مذاکره دارد.

چشم‌انداز روابط غرب با جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۲ خورشیدی نیز متفاوت از آنچه در سالی که پشت سر می‌گذاریم نخواهد بود. به ویژه با حمله روسیه به اوکراین، به نظر نمی‌رسد که غرب بخواهد به رفتار «کج دار و مریز» خود با جمهوری اسلامی پایان دهد. تنها در صورتی این رفتار تغییر خواهد پیدا کرد که غرب به این نتیجه برسد که بدیلی علیه این نظام شکل گرفته است و می‌تواند با حمایت جدی از آن بر ۴۴ سال روابط پر تلاطم با جمهوری اسلامی نقطه پایان بگذارد. بعید به نظر می‌رسد که غرب در شرایط کنونی بپذیرد که جمهوری اسلامی که عامل اصلی مشکلات در خاورمیانه است، می‌تواند بخشی از راه حل نیز باشد.

احمد رأفت

شاهزاده رضا پهلوی در نشست «حمایت حداکثری؛ راه سوم برای دیپلماسی ایران»: سرنگونی جمهوری اسلامی، معادله‌ای بُرد- بُرد برای مردم ایران و جهان!



شاهزاده رضا پهلوی در نشست «حمایت حداکثری؛ راه سوم برای دیپلماسی ایران» / واشنگتن / ۱۳ مارس ۲۰۲۳

● نوفدی در طرح «حمایت حداکثری» اعلام کرده که زمان آن فرا رسیده است که سیاست آمریکا در ارتباط با ایران، توسعه استراتژیک، مردم ایران و نقش تاریخی آنها را در تحولات و واقعیت‌های سیاسی کشور را در نظر بگیرد.

● شاهزاده رضا پهلوی به عنوان مهمان افتخاری این نشست، اهمیت «حمایت حداکثری» را در این دانست که جمهوری اسلامی نه اقدامی به نفع مردم و نه در چارچوب منافع ملی ایران انجام نمی‌دهد و همه امکانات و منابع را برای توسعه ایدئولوژی‌اش در منطقه و جهان صرف می‌کند.

● شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد که ۸۰ درصد ظرفیت نیروی انسانی متخصص که می‌تواند به گذار از جمهوری اسلامی و بازسازی ایران کمک کنند در داخل کشور است و جامعه ایرانیان خارج کشور نیز با سرمایه‌گذاری نقدی، واردات تکنولوژی و تجهیزات می‌توانند مسیر بازسازی کشور را سرعت ببخشند.

● پنل اول با موضوع «چگونه به اینجا رسیدیم؛ چهار دهه سیاست ایران» با مدیریت افشین لطیفی وکیل دادگستری و نویسنده، و با حضور برایان کتولس از موسسه خاورمیانه، بهنام طالب‌لو از بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (اف‌دی‌دی) و نوید محبی از نوفدی برگزار شد.

● پنل دوم با عنوان «همبستگی بین‌المللی: غرب چگونه می‌تواند رهبری کند» با مدیریت کریم سجادی‌پور از موسسه کارنگی و با حضور دریا صفایی نماینده پارلمان بلژیک و علی احساسی نماینده پارلمان کانادا برگزار شد.

اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) روز دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ برابر با ۱۳ مارس ۲۰۲۳ از طرح «حمایت حداکثری» برای پشتیبانی بین‌المللی از مبارزات مردم ایران روغایی کرد. در نشست «حمایت حداکثری؛ راه سوم برای دیپلماسی ایران» که همزمان برای روغایی از این طرح از سوی نوفدی برگزار شده بود شاهزاده رضا پهلوی به عنوان سخنران مهمان حضور پیدا کرد.

نشست اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) با سخنان کامران خوانساری‌نیا آغاز شد و او از طرح «حمایت حداکثری» که از سوی این سازمان تدوین شده روغایی کرد. این برنامه با گفتگوی علیرضا نادر از نوفدی با شاهزاده رضا پهلوی و برگزاری دو پنل با موضوعات «چگونه به اینجا رسیدیم؛ چهار دهه سیاست ایران» و «همبستگی بین‌المللی: غرب چگونه می‌تواند رهبری کند» ادامه یافت.

بر اساس توضیحات اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) درباره طرح «حمایت حداکثری»، در طی دهه‌های گذشته دولت آمریکا سیاست ایران خود را بر مبنای رفتار حکومت جمهوری اسلامی تنظیم کرده و تلاش بر آن داشته تا با شیوه‌هایی همچون مهار، تعامل و یا فشار رفتارهای مخرب رژیم را تغییر دهد. خوانساری‌نیا گفت: «ما در نوفدی بر این باوریم که زمان آن فرا رسیده است که سیاست آمریکا در ارتباط با ایران باید توسعه استراتژیک، مردم ایران و نقش تاریخی آنها را در تحولات و واقعیت‌های سیاسی کشور در نظر بگیرد.»

در ادامه توضیح داده شد که سیاست «حمایت حداکثری» که نوفدی آن را به عنوان سیاست جایگزین، مناسب می‌داند درواقع ابزارهای استراتژیک مورد نیاز را به سیاست‌گذاران

-بهبود ارتباط و پیام‌رسانی شفاف با مردم ایران
-مذاکره با اپوزیسیون سکولاردموکرات
-مذاکره و ارتباط موثر با ایرانی-آمریکایی‌ها
- اصلاح روند فعالیت رسانه‌های آمریکا در رابطه با تحولات ایران

-احیا و بازبینی در منابع مالی اختصاص داده شده به ایران توسط وزارت خارجه ایالات متحده
-شناسایی عوامل نفوذی رژیم در ایالات متحده

در ادامه این نشست، پنل اول با موضوع «چگونه به اینجا رسیدیم؛ چهار دهه سیاست ایران» با مدیریت افشین لطیفی وکیل دادگستری و نویسنده، و با حضور برایان کتولس از موسسه خاورمیانه، بهنام طالب‌لو از بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (اف‌دی‌دی) و نوید محبی از نوفدی برگزار شد. برایان کتولیس در سخنانی گفت که با توجه به اختلاف نظرهایی که در تلاش‌های برقراری ارتباط میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده وجود دارد و با توجه به اینکه دولت جو بایدن طی دو سال گذشته نتوانسته راه حلی برای مسائل مربوط به ایران پیدا کند، طرح‌هایی چون طرح «حمایت حداکثری» می‌تواند پشتیبانی هر دو حزب اصلی ایالات متحده آمریکا را به همراه داشته باشد و چشم‌انداز روشنی برای عملکرد یکسال و نیم مدت باقیمانده از عمر دولت کنونی بایدن به شمار رود.

بهنام طالب‌لو اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران و شمار دیگری از کشورهای غیردموکراتیک را «باشگاه مستبدان» نامید و در سخنان خود تأکید کرد که رویکرد دولت آمریکا در قبال ایران یک رویکرد اثربخش و عملگراییانه نیست و روند انتخابی دولت ایالات متحده شامل تلاش برای ادامه یافتن مذاکرات و احیای توافق هسته‌ای بدون دستاورد خواهد بود.

نوید محبی نیز طی سخنانی با اشاره به نقش خرابکارانه‌ای که جمهوری اسلامی برای کشورهای منطقه و جامعه بین‌المللی دارد گفت که در چنین شرایطی ایالات متحده

برای مشارکت دادن مردم ایران در تدوین سیاست آمریکا در قبال رژیم ایران فراهم می‌آورد. سیاست «حمایت حداکثری» به عنوان مکمل سیاست «فشار حداکثری»، نوید ایجاد چارچوب کامل‌تری را برای سیاست ایران و آمریکا می‌دهد- چارچوبی که همچنان جمهوری اسلامی را از طریق انزوای اقتصادی و دیپلماتیک پاسخگو می‌داند، اما مردم ایران را نیز که حاکمان واقعی ایران هستند از طریق ارائه حمایت‌های اخلاقی، لجستیک و مالی در مقابل رژیم توانمند می‌سازد.

اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) همچنین تأکید کرده است که با توجه به مبارزات پیوسته مردم ایران برای آزادی و دموکراسی، و با به رسمیت شناختن تمایل عمیق جامعه ایرانی-آمریکایی در حمایت از سیاستی از سوی دولت آمریکا که مردم ایران را در مقابل رژیم توانمند می‌سازد، نوفدی راه حل سوم «حمایت حداکثری» را که نافی سیاست دوگانه‌ی یا مباحثات یا درگیری نظامی است ارائه می‌کند.

کامران خوانساری‌نیا از مدیران اجرایی نوفدی در سخنان خود محورهای این طرح را چنین مطرح کرد:

-اعلام تغییر سیاست استراتژیک در قبال جمهوری اسلامی از سوی دولت ایالات متحده

-عدم حمایت از گروه‌های تروریست و تجزیه‌طلب که دشمن جمهوری اسلامی هستند اما الزاماً دوست مردم ایران و ایالت متحده نیستند

-برجسته ساختن موارد نقض حقوق بشر در ایران
-پاسخگو و مسئول کردن رهبری جمهوری اسلامی
-هدایت منابع مالی ملی از جمله پول نفت به سمت ملت ایران

-منزوی کردن جمهوری اسلامی در سطح بین‌الملل
-ایجاد محدودیت‌های کارساز و معنادار برای وابستگان مقامات رژیم

- ارائه پشتیبانی سایبری و اطلاعاتی جهت افشای جنایات و فساد حکومت به مردم ایران

پنل دوم با عنوان «همبستگی بین‌المللی: غرب چگونه می‌تواند رهبری کند» با مدیریت کریم سجادیپور از موسسه کارنگی و با حضور دریا صفایی نماینده پارلمان بلژیک و علی احساسی نماینده پارلمان کانادا برگزار شد.

دریا صفایی در سخنانی با اشاره به اینکه ذهنیت و دیدگاه غرب به مسائل ایران طی شش ماه گذشته و پس از آغاز جنبش انقلابی ایران کاملاً تغییر کرده گفت که از نوامبر سال ۲۰۱۹ که وارد پارلمان بلژیک شد که همزمان با اعتراضات آبان ۹۸ در ایران بود و همچنین وقتی در رسانه‌های بلژیک مطالبی درباره خواسته‌های مردم ایران و موضع آنها نسبت به جمهوری اسلامی می‌نوشت، مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت اما حالا کاملاً ذهنیت سیاستمداران غربی تغییر کرده و نظرات واقعی مردم ایران را می‌دانند.

او همچنین به عملکرد مثبت ایرانیان خارج از کشور طی ماه‌های گذشته در همراهی از مردم درون کشور اشاره کرد و در بخشی از سخنانش به مطالبه سکولاریسم از سوی مردم ایران پرداخت و گفت ایران امروز کشوری در خاورمیانه است که مردمش بطور شفاف خواهان عدم ایفای نقش اسلام در سیاست کشورشان هستند و کشورهای غربی می‌توانند با تکیه بر همین خواسته‌ی مردم ایران مسیر از بین بردن اسلامگرایی افراطی در جهان را پیش ببرند.

علی احساسی نماینده پارلمان کانادا نیز در ابتدای سخنانش از زهرا کاظمی روزنامه‌نگار ایرانی-کانادایی یاد کرد که در سال ۲۰۰۴ پس از سفر به ایران، در زندان‌های جمهوری اسلامی و زیر شکنجه جان باخت. او همچنین به سرنگونی هواپیمایی اوکراینی اشاره کرد و گفت که این دو موضوع خطر جمهوری اسلامی برای شهروندان کانادایی را نمایان می‌کند. علی احساسی توضیح داد که تصور کشورهای غربی و به ویژه کانادا از وجود دو گروه تندرو و میانه‌رو در ساختار جمهوری اسلامی توهمی بود که با تلاش‌های جامعه ایرانی-کانادایی اکنون از بین رفته است.

در فاصله‌ی بین پنل‌ها به برخی از پرسش‌های حاضران از سوی سخنرانان پاسخ داده شد.

حکومت بحران‌ساز در ایران که به دنبال درگیری و جنگ است نخواهد بود.

او همچنین با بیان اینکه با وجود این تعداد ایرانیان متخصص در خارج از کشور چرا باید نگران آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی باشیم، تأکید کرد که ۸۰ درصد ظرفیت نیروی انسانی متخصص که می‌تواند به گذار از جمهوری اسلامی و بازسازی ایران کمک کنند در داخل کشور است و جامعه ایرانیان خارج کشور نیز با سرمایه‌گذاری نقدی، واردات تکنولوژی و تجهیزات می‌توانند مسیر بازسازی کشور را سرعت ببخشند.

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از سخنانش به اهمیت «فلج‌کننده» بودن اعتصابات اشاره کرد و گفت یکی از نتایج فشار حداکثری بر رژیم ایران اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود. او افزود که اکنون مانند گذشته عده‌ای نمی‌گویند تحریم‌ها به مردم فشار می‌آورد و راه حل موثر برداشته شدن تحریم‌ها نیست بلکه سرنگونی و از بین رفتن جمهوری اسلامی است. او تأکید کرد که بحران موجود با جمهوری اسلامی تنها برنامه هسته‌ای رژیم نیست و باید سازوکاری در نظر گرفته شود که تمام مشکلاتی که این حکومت به وجود آورده از میان برداشته شود.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین با اشاره به تغییر دیدگاه و فرهنگ جامعه ایران طی چند دهه گذشته اشاره کرد و گفت تجربه مستقیم ۴۳ سال حکومت یک رژیم دیکتاتوری مذهبی در ایران ضرورت سکولاریسم را برای جامعه قابل فهم کرده و جامعه ایران به هویت ایرانی و «ایرانیت» در برابر اسلامیت رسیده است. او تأکید کرد که این موضوع به معنای این نیست که ما در ملی‌گرایی نیازمند عرب‌ستیزی یا اسلام‌ستیزی یا هر باور مذهبی دیگری هستیم.

او همچنین به مبارزات بدون خشونت اشاره کرد و افزود که می‌بایست این امکان حتی برای اعضای سپاه پاسداران ایجاد شود که با سقوط جمهوری اسلامی برای خودشان در ایران آینده‌ای را متصور باشند تا با این بسترسازی شاهد ریزش نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی نیز باشیم.

آمریکا باید رویکرد خود نسبت به رژیم ایران را تغییر دهد.

نوید محبی همچنین با اشاره به صدها میلیون دلاری که سالانه جمهوری اسلامی به گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی در کشورهای منطقه از جمله عراق و یمن، و حزب‌الله لبنان پرداخت می‌کند پیشنهاد داد که ایالات متحده پول‌ها و دارایی‌های مسدود شده ایران در خارج از کشور را در جهت حمایت از طرح «حمایت حداکثری» به کار بگیرد.

شاهزاده رضا پهلوی به عنوان سخنران افتخاری در این نشست به پرسش‌های علیرضا نادر از نوفدی پاسخ داد. او تأکید کرد که در ۴۴ سال گذشته همه تمرکز در مبارزه بر تأسیس مجلس موسسان در ایران بر پایه آرای عمومی بوده است.

شاهزاده گفت که جمهوری اسلامی همچون «شیطانی» است که هم برای مردم ایران و هم برای جامعه بین‌الملل به خوبی شناخته شده است.

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به جوانانی که در راه رسیدن به آزادی و در مبارزه با جمهوری اسلامی جان خود را از دست می‌دهند، و با اشاره به تلاش‌های ایرانیان خارج کشور در ماه‌های گذشته، تأکید کرد ارزش‌هایی که مردم ایران به آن باور دارند همسو با ارزش‌های جهان آزاد است.

او همچنین تأکید کرد که اگر کشورهای غربی بر موضوع براندازی جمهوری اسلامی تمرکز کنند، مشکلات خودشان همچون وابستگی به انرژی نیز حل خواهد شد بطوری که سرنگونی جمهوری اسلامی معادله‌ای بُرد-بُرد برای آنها و مردم ایران است.

شاهزاده رضا پهلوی اهمیت «حمایت حداکثری» را در این دانست که جمهوری اسلامی نه اقدامی به نفع مردم و نه در چارچوب منافع ملی ایران انجام می‌دهد و همه امکانات و منابع را برای توسعه ایدئولوژی نظام در منطقه و جهان صرف می‌کند. او افزود که اگر در ایران حکومتی دموکرات و مدافع صلح تأسیس شود دیگر جهان شاهد یک



● این منشور بر اصولی حداقلی برای توافق استوار است و تصور می‌کنیم می‌تواند چارچوبی برای همبستگی باشد.

● ما ایرانیان با کمک هم جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنیم و ایرانی آزاد و دموکراتیک می‌سازیم.

به نام زن، زندگی، آزادی

امروز «منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی» با نام «مهسا» منتشر می‌شود.

همه‌ی تلاش بر این بوده است تا اصولی که مورد توافق قرار می‌گیرد منطبق با ارزش‌های انسانی و دموکراتیک باشد تا اکثریت ایرانیان خود را در آن ببینند.

این منشور بر اصولی حداقلی برای توافق استوار است و تصور می‌کنیم می‌تواند چارچوبی برای همبستگی باشد. در روند گفتگو میان امضاکندگان، فضای همدلی و روحیه‌ی همکاری حاکم بود. گفتگوها و مذاکراتی نزدیک با نیروهای داخل کشور هم وجود داشت.

امروز بیش از هر چیز به پشتیبانی و حمایت از همدیگر و حفظ همبستگی تا روز پیروزی نیاز است. هدف ما فراگیر کردن این همبستگی‌ست و تمام تلاش خود را برای نزدیک کردن نیروهای مختلف سیاسی و مدنی آغاز کرده‌ایم و ادامه خواهیم داد. در این مسیر دست همه‌ی آثانی را که برای ایجاد همدلی و برای پیروزی انقلاب #زن_زندگی_آزادی کمک می‌کنند، به گرمی می‌فشاریم.

ما ایرانیان با کمک هم جمهوری اسلامی را سرنگون می‌کنیم و ایرانی آزاد و دموکراتیک می‌سازیم.

متن منشور:

منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی (مهسا)

به‌روزرسانی شده در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۱

پس از قتل مهسا (ژینا) امینی و آغاز انقلاب زن، زندگی و آزادی، مردم ایران مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی خود را پی می‌گیرند و بر آن هستند تا زنجیر ستم، تبعیض و استبداد را بگسلند. همه‌ی ما که زخمی از جمهوری اسلامی بر جان و تن خود داریم، راه رسیدن به ایرانی آزاد و دموکراتیک را گذار از جمهوری اسلامی می‌دانیم. رسیدن به این هدفِ نهایی نیازمند سه عامل همبستگی، سازماندهی و مبارزه‌ی مستمر است.

این منشور ابتدا بر فعالیت‌های خارج از کشور تکیه می‌کند که می‌تواند زمینه را برای مشارکت فعالانه‌ی کنشگران داخل کشور فراهم کند. بر این باوریم که انزوای جهانی جمهوری اسلامی از اولین گام‌های لازم برای ایجاد تغییر است و باید خواسته‌های زیر پیگیری شود:

۱. ایجاد فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای لغو حکم اعدام و آزاد کردن بی قید و شرط و فوری تمام زندانیان سیاسی.

۲. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای اخراج سفرای جمهوری اسلامی.

۳. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای اخراج وابستگان جمهوری اسلامی در کشورهای متبوع خود.

۴. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای حمایت از این منشور و سازماندهی پس از آن.

۵. ایجاد راه‌هایی برای یاری‌رسانی به مردم ایران.

تأثیرگذاری این دولت‌ها باید به نحوی صورت بپذیرد که آن‌ها حق دخالت در امور داخلی و تصمیمات مردم ایران را نداشته باشند.

گام‌های بعدی با حضور کنشگران داخل ایران بر عدالت انتقالی، تشکیل شورای انتقال قدرت و راهکارهای انتقال قدرت به حکومتی دموکراتیک، ملی و سکولار متمرکز

منشور همبستگی برای دموکراسی و آزادی در ایران



همبستگی برای
دموکراسی و آزادی در ایران

منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی (مهسا)

به‌روزرسانی شده در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۴۰۱

پس از قتل مهسا (ژینا) امینی و آغاز انقلاب زن، زندگی و آزادی، مردم ایران مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی خود را پی می‌گیرند و بر آن هستند تا زنجیر ستم، تبعیض و استبداد را بگسلند. همه‌ی ما که زخمی از جمهوری اسلامی بر جان و تن خود داریم، راه رسیدن به ایرانی آزاد و دموکراتیک را گذار از جمهوری اسلامی می‌دانیم. رسیدن به این هدفِ نهایی نیازمند سه عامل همبستگی، سازماندهی و مبارزه‌ی مستمر است. این منشور ابتدا بر فعالیت‌های خارج از کشور تکیه می‌کند که می‌تواند زمینه را برای مشارکت فعالانه‌ی کنشگران داخل کشور فراهم کند. بر این باوریم که انزوای جهانی جمهوری اسلامی از اولین گام‌های لازم برای ایجاد تغییر است و باید خواسته‌های زیر پیگیری شود:

۱. ایجاد فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای لغو حکم اعدام و آزاد کردن بی قید و شرط و فوری تمام زندانیان سیاسی.

۲. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای اخراج سفرای جمهوری اسلامی.

۳. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای اخراج وابستگان جمهوری اسلامی در کشورهای متبوع خود.

۴. رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای حمایت از این منشور و سازماندهی پس از آن.

۵. ایجاد راه‌هایی برای یاری‌رسانی به مردم ایران.

تأثیرگذاری این دولت‌ها باید به نحوی صورت بپذیرد که آن‌ها حق دخالت در امور داخلی و تصمیمات مردم ایران را نداشته باشند.

گام‌های بعدی با حضور کنشگران داخل ایران بر عدالت انتقالی، تشکیل شورای انتقال قدرت و راهکارهای انتقالی، تشکیل شورای انتقال قدرت و راهکارهای انتقال قدرت به حکومتی دموکراتیک، ملی و سکولار متمرکز

می‌کند. این کار نیازمند همراهی هموطنان متخصص در رشته‌های مختلف است که دعوت به همکاری خواهند شد و کمیته‌های تخصصی گذار از جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند. سازوکارهای دموکراتیک و اجرایی این همبستگی و سازماندهی برای نتیجه‌گیری از مبارزات مدنی مردم ایران در اولین فرصت معرفی و اجرا خواهد شد. باورهای مشترک نیروهای خواهان تغییر نظام جمهوری اسلامی برای رسیدن به ایران دموکراتیک:

حکمرانی دموکراتیک

۱. تعیین نوع حکومت از طریق همه‌پرسی و استقرار یک نظام دموکراتیک سکولار (بر مبنای اصل جدایی دین از حکومت) که در آن تمامی مقامات سیاسی و رسمی، به واسطه‌ی انتخابات آزاد و دموکراتیک انتخاب می‌شوند و باید همه‌ی شهروندان از هر باور و قوم و جنسیت و گرایش جنسی در پیشگاه قانون، از حقوق و احترام برابر برخوردار باشند.

۲. حفظ یکپارچگی سرزمینی ایران با پذیرش گوناگونی زبانی، قومی (اتنیکی)، مذهبی و فرهنگی آن.

۳. تمرکززدایی از قدرت با سپردن اختیارات مالی، اداری و سیاستگذاری به نهادهای منتخب استانی، شهری و ناحیه‌ای.

۴. تشکیل نهاد مستقل نظارت بر انتخابات و پذیرش نظارت نهادهای ناظر داخلی و بین‌المللی بر انتخابات.

۵. برگزاری انتخابات دموکراتیک برای تشکیل مجلس موسسان و تدوین قانون اساسی جدید در فرآیندی شفاف و مشارکتی.

حقوق بشر و کرامت انسانی

۶. پذیرش تکرر و تنوع در جامعه‌ی ایران و تلاش برای رفع تبعیض‌های تاریخی و کنونی. پذیرش جایگاه زبان‌های

مادری بر اساس قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی.

۷. التزام قانون اساسی جدید به تمامی اصول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تمامی حقوق و آزادی‌های ذکرشده در آن.

۸. لغو مجازات اعدام و هر نوع کیفر جسمانی؛ ممنوعیت هر نوع مجازات خودسرانه در دوران گذار و پیوستن به کنوانسیون منع شکنجه در نظام جدید.

۹. پیوستن و عمل به کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، عمل به کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت، عمل به کنوانسیون حقوق کودکان و تمام کنوانسیون‌های بین‌المللی که ایران به آن‌ها پیوسته است اما بدون اجرا باقی مانده‌اند؛ پذیرش دو پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۱۰. پیوستن و عمل به کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار درباره‌ی حقوق کارگران شامل آزادی شکل و حق سازمان‌یابی، اعتصاب و مذاکره‌ی جمعی؛ تأمین سلامت، امنیت و منع تبعیض در محیط کار و ضمانت حداقل دستمزد عادلانه.

عدالت

۱۱. حمایت از تشکیل دستگاه قضایی مستقل بر طبق استانداردهای جهانی.

۱۲- دادخواهی برای تمامی قربانیان جمهوری اسلامی توسط کمیته‌های حقیقت‌یاب از طریق تشکیل دادگاه‌های عادلانه و بی طرف با امکان دسترسی آزادانه به وکیل مستقل و انتخابی.

صلح و امنیت

۱۳. انحلال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تمام زیرمجموعه‌های آن. امکان ادغام نیروهای نظامی سپاه در نیروهای نظامی دیگر چون ارتش در صورت اثبات عدم دخالت در جنایات و داشتن تخصص. وظیفه‌ی ارتش صرفاً دفاع از یکپارچگی سرزمینی کشور باشد.

۱۴. تعامل و ایجاد رابطه‌ی صلح‌آمیز با تمامی کشورهای جهان و پایان دادن به دخالت در امور دیگر کشورها و پیوستن به دادگاه بین‌المللی کیفری. اقامه‌ی دعاوی حقوقی در چارچوب قوانین بین‌المللی برای لغو پیمان‌های ناعادلانه و مغایر با منافع ملی که در نظام جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر و با شرکت‌ها عقد شده است.

۱۵. پیوستن به کنوانسیون ایمی و امنیت هسته‌ای.

پایداری محیط‌زیستی

۱۶. التزام به اصول پایه‌ی توسعه پایدار و حقوق محیط زیستی بشر و پیوستن و عمل به قطعنامه‌های سازمان ملل در این موارد.

شفافیت اقتصادی و رفاه

۱۷. از بین بردن انحصارات اقتصادی، رعایت استانداردهای بین‌المللی بانکی و مبادلات پولی و همچنین تسهیل مبادلات تجاری و جذب سرمایه‌گذاران بین‌المللی. تمرکز بر سیاست‌های جبرانی و امتیازات اقتصادی ویژه برای توانمندسازی مناطق و استان‌های محروم نگه‌داشته‌شده. شفافیت و مبارزه با فساد و پیوستن به کنوانسیون گروه ویژه اقدام مالی (اف ای تی اف).

ایران برای گذر از استبداد جمهوری اسلامی نیازمند همبستگی تمام ایرانیان آزاده است. شجاعت مردم ایران و مبارزه‌ی پیگیر آنان برای آزادی، چشم‌انداز روشن فردای ماست. در آفریدن فردای آزاد خود کنار هم بایستیم.

بخوابد قلبش بیدار است، چشمش می‌خوابد ولی قلبش بیدار است!؛ همانطور که از جلو می‌بیند از عقب هم می‌بیند! - «یولد مطهرا مختونا و لایجنب و تمام عینه و لاینام غلبه و یری من خلفه کما یری من امامه» - (منبع: اصول کافی، جلد یک، ص ۳۱۹، کتاب حجه باب موالید الائمة).

● امام زمان لخت و عریان ظاهر می‌شود! - «انه یظهر عاریا امام قرص الشمس» - (منبع: حق الیقین، ص ۳۴۷).
● ابن بابویه روایت می‌کند که ابی عبدالله مردی را دید که کفش سیاه پوشیده فرمود چرا کفش سیاه پوشیدی، مگر نمی‌دانی کفش سیاه نور چشم را کم می‌کند و مردانگی را ضعیف می‌کند؟ بر تو باد پوشیدن کفش زرد که نور چشم را زیاد می‌کند و باعث قوت مردانگی می‌شود! - «عن ابی عبدالله انه رای رجل و علیه نعل سوداء فقال مالک و لیس السوداء؟ هی تضعف البصر و ترخی الذکر و...» - (منبع: کتاب خصال شیخ صدوق... ابن بابویه، باب سوم، جلد یک، ص ۹۹).

● روایت از علی (ع): اولین حیوانی که پس از رسول خدا (ص) از دنیا رفت عفر خرس رسول خدا بود! این خر با رسول خدا صحبت کرده بود! و گفته بود: پدر و مادرم فدای تو، پدرم از قول پدرش و از قول جدش و جد جدش و... نقل کرده که نوح (ع) جد من را در کشتی گذاشت و به مردم گفت ای مردم از نسل این خر، خری متولد می‌شود که رسول خدا بر او سوار می‌شود، و من خوشحالم که آن خر هستم! - «عن امیرالمؤمنین علی قال ان اول شیء من ادواب توفی هو عفر حمار رسول الله ذالک الحمار کلم رسول الله فقال بابی انت و امی...» - (منبع: اصول کافی، جلد ۱، ص ۱۸۴ - کتاب الحجه باب ما عندالله من سلاح رسول الله).

● از امام حسن (ع) روایت شده است که ایشان فرمود برای خداوند دو شهر است (خدا دو شهر دارد) یکی از آنها در مشرق است و یکی در مغرب، و در آنها ۷۰ میلیون زبان وجود دارد! و من همه آن زبانها را می‌دانم! - «عن ابی عبدالله الحسن قال ان لله مدینتین احدهما بالمشرق و اخرى بالمغرب و فیها سبعون الف الف لغه و انا اعرف جمیع تلك اللغات» - (منبع: اصول کافی - جلد یک - ص ۳۸۴ و ۳۸۵ باب مولد حسن بن علی).

● خوردن خاک نفاق می‌آورد! - «اکل الطین یورث النفاق» - (منبع: الکافی، جلد ۲، ص ۲۴۵). خوردن خاک حرام است مثل خون و مردار و گوشت خوک اما خوردن خاک قبر امام حسین باعث شفاء از بیماریها می‌شود! - «اکل الطین حرام مثل المیته و الدم و لحم الخنزیر الا طین قبر الحسین فیه شفاء من کل داء» - (منبع: اصول کافی، جلد ۳ - ص ۲۸۷).

● توسل به امام موسی کاظم باعث جلای چشم می‌شود! - «التوسل بالامام موسی الکاظم ینفع لوجع العین» - (منبع: باقیات الصالحات ضمیمه مفاتیح الجنان - شیخ عباس قمی، ص ۷۴۵)

این قبیل مطالب و نیز بهره‌گیری از آنها در مجادلات فقهی شیعه و سنی، برای بی اعتبار کردن یکدیگر، تازگی ندارد. قرن‌ها شیعه می‌گفت ذوالفقار علی را در آسمان ساخته‌اند و سنی مدعی بود قبای ایوبیگر را در آسمان بافته‌اند. سنی، شیعه را به ریشخند می‌گرفت که مگر در آسمان آهنگری هست. شیعه جواب می‌داد جایی که بافندگی باشد چرا آهنگری نباشد.

عصر نو، این بحثهای کهنه را به بایگانی راکد تاریخ سپرد ولی با رجعت به عصر دین‌سالاری ناگزیر بازگشته‌ایم به همان حرف و نقل‌ها، همان مجادلات و همان جنگ و دعوا. ادامه دارد

بازشمر

دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۷)

بازگشت به عصر مجادلات مذهبی

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۳-۱۱۷۴)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار

می‌چرخد و خورشید ثابت است. این اقوال، کفرگویی و انکار کتاب و سنت سلف صالح است.

بن‌باز همچنین گفته است: هنگامی که جوان بودم و چشمان قدرتمندی داشتم با چشمان خودم به خورشید نگاه می‌کردم و حرکت خورشید را می‌دیدم. پس اگر زمین در حال حرکت باشد چگونه ما آن را حس نمی‌کنیم و در آرامش هستیم؟ پس چگونه کشتیهای بزرگ در دریا حرکت می‌کنند و چیه نمی‌شوند؟

سایت «بازتاب» همچنین دو فتوای مشابه از دو مفتی دیگر عربستان آورده است:

«عبدالکریم بن صالح الحمید در کتابش «هدایت‌الهیان فی مسأله الدوران» به نقض نظریه چرخش زمین پرداخته و نوشته است برخی علوم و فرضیه‌ها فاسد و تباه‌کننده و ملحدانه است. ازجمله باور به کروی بودن و چرخش زمین، که خطایی بسیار بزرگتر از نظریه تکامل انسان از میمون است. «کل دلیل من‌الکتاب و السنه علی دوران‌الارض فهو تأویل باطل». و همچنین ابن عثیمین به معلمان اخطار می‌دهد که از تدریس آن بخش از درس جغرافیا که از حرکت زمین سخن گفته می‌شود خودداری کنند چون این مطلب باعث مفسده و گمراهی دانش‌آموزان است». متقابلاً، سایت دیگری تعدادی از نظریات و افتانات فقهی شیعه را در معرض آگاهی عموم قرار داده است، از آن جمله:

● مسواک زدن در حمام باعث درد دندان می‌شود! - (منبع: من لایحضره الفقیه - جلد یک، ص ۵۳).

● در ادرار ائمه آلودگی نیست! - «لیس فی بول الائمة استخباث» - (منبع: انوار ولایه، ص ۴۴۰).

● خوردن آب در حالت ایستاده در شب باعث زردی می‌شود! - «شرب الماء من قیام باللیل یورث ماء الاصر» - (منبع: اصول کافی، جلد ۶، ص ۴۹۸).

● نگاه کردن به آلت تناسلی زن باعث کوری می‌شود! - «النظر الی فروج النساء یورث العمی» (منبع: من لایحضره الفقیه - جلد ۳، ص ۵۵۶).

● ملکی بنام خرقانیل هست که ۱۸ هزار بال دارد و بین هر بالش پنجاه سال زمان برای دیدن لازم است! - «ان الله ملکاً یقال خرقانیل له ثمانیه عشر الف جناح مابین جناح الی جناح خمس مائه عام» - (منبع: کتاب البرهان، جلد ۲، ص ۳۲۷).

● امام ده علامت دارد ازجمله آنها ختنه شده به دنیا می‌آید، با پا و براحتی متولد می‌شود، جُنُب نمی‌شود! اگر

نه کلام شعارگونه مرحوم مدرس (دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ما) برقراری حکومت دینی را در عصر حاضر توجیه می‌کند و نه بیان بی‌پایه شیخ فضل‌الله نوری که (ملل اروپا چون شریعت مدوّنه نداشته‌اند در دایره احتیاج به قانون، توسعه قائل شده و برای هر عنوان، نظامنامه‌ای نگاشته‌اند).

امروزه مخالفت با روش مدیریت و سیاستهای حکومت جزو حقوق تثبیت‌شده ملت‌هاست. مردم حق دارند با کل یا جزء تصمیمات نظام حاکم اظهار مخالفت کنند و با ابزاری که قانون در اختیارشان قرار می‌دهد، گروهی را از حاکمیت بردارند و گروه دیگری را برگمارند. حال آن که در حوزه دین چنین اختیار و چنین اقتداری ندارند. قوانین دین ازلی و ابدی است و فرد متدین مکلف است به اجرای بی‌چون و چرای آنها. دلیلش هم روشن است. دین بر معنویات و اخلاقیات تکیه دارد و ضوابط اخلاقی در روابط انسانی از آدم تا خاتم نسخ بر نمی‌دارد. به‌عکس امور عادی و جاری در حوزه روابط سیاسی و اقتصادی و امنیتی که برحسب شرایط و مقتضیات، نیاز به تغییر و تبدیل پیدا می‌کند.

دین را از جایگاه رفیع آن فرود آوردن و مستمسک تصمیمات ناخوش و منسوخ قرار دادن از قداست و اعتبار آن می‌کاهد.

در خانه‌های قدیم ایرانی، قرآن را درون لفافه ترمه جای می‌دادند و بالای رف می‌گذاشتند. صرف نظر از «لا یمسه الا المطهرون»، این بدان معنی بود که جای قرآن در کنار کتاب امیرارسلان و حسین کرد و رموز حمزه و مفاتیح‌الجنان و حتی سیاستنامه و تاریخ طبری و تاریخ بیهقی نیست. در سالهای اخیر، به میمنت وجود دولت مذهبی، دین و آئین به موضوع شوخیهای مبتذل و خوراک «سایت»‌های اینترنتی برای دست انداختن مفتیان و مجتهدان و مدعیان تولیت و ولایت شرعی تبدیل شده است.

طی دو هفته گذشته، روی دو سایت اینترنتی، دو مجموعه از فتاوی متشرعین سنی و شیعه، وسیله دست انداختن هر دو مذهب قرار گرفت که یکی را شیعه‌مذهبان برای تحقیر علمای مذهب تسنن تکثیر کرده‌اند، دیگری را سنی‌مذهبان برای تحقیر علمای مذهب تشیع.

اولی، مجموعه‌ای است از افتانات عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مفتی عربستان سعودی که سایت «بازتاب» انتشار داده است با این مقدمه: «یکی از مهمترین مفتیان سعودی، شخصی مشهور به بن‌باز بود که برخی از او به‌عنوان پدر همسر ملک فهد یاد می‌کردند و نزدیک به بیست سال مفتی عربستان سعودی بود. او هرگز چرخش و کروییت زمین را نپذیرفت و حتی فیلم مستندی را که فضانوردان در این زمینه تهیه کرده بودند نیز ندید».

بعد، به متن فتوی می‌پردازد: «اعتقاد به دَوران یا چرخش زمین باطل است و کسی که به این فرضیه باور داشته باشد کافر است. برای این که این فرضیه با قرآن کریم «والجبال اوتادا» و قوله جَلَّ و علا «و الی الارض کیف سطحت» منافات دارد. تفسیر روشن آیه این است که زمین کروی نیست و نمی‌چرخد و این روشن است. اما البته تنها در صورت غضب خداوند می‌تواند چرخش یا حرکت داشته باشد. کما فی قول سبحانه «و جعلنا فی الارض رسا» یعنی زمین را با کوهها می‌خکوب کرده‌ایم تا به حرکت درنیاید و آرامش مردم بر هم نخورد.

«وقد ذکرالله سبحانه ان الشمس والقمر بحریران فی ذلک» یعنی خداوند از حرکت خورشید و ماه خبر داده است و اگر زمین نیز بر محور خود می‌چرخید، خداوند از آن نیز خبر می‌داد. اما خداوند از حرکت کردن زمین خبری نداده است. بسیاری از علمای دانش ستاره‌شناسی گفته‌اند زمین

دیدار با آیت‌الله شریعتمداری پیامهای آیت‌الله برای شاه

دیپلماتهای آمریکایی در تهران مخالفان را تشویق می‌کردند
و بی‌بی‌سی به صدای مخالفان تندرو تبدیل شد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۵)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاه‌های پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاه‌های پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود.

نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

در ساعت ده و نیم صبح آن روز ۱۴ ژوئن، قرار بود شاه اعضای گروه «بررسی مسائل ایران» را که در کنگره سالیانه‌شان گردآمده بودند به حضور بپذیرد. دانشگاهیان، هنرمندان، نویسندگان مشهور، بسیاری از قضات، وکلای دادگستری، بازرگانان... حتی یک وزیر کابینه - «کریم معتمدی» وزیر پست و تلگراف - و یک استاندار، یعنی گلهای سرسبد برگزیدگان کشور، در میان آنان بودند.

آفتاب آخر بهار گرم و دلپذیر بود. باغهای کاخ که شرکت کنندگان در کنگره در آن گردآمده بودند، پر سایه و پر گل بود. فضا، بسیار دلچسپ بود. آن گونه که رعایت آداب ایجاب می‌کرد، به‌عنوان رئیس گروه در طبقه هم‌کف، جلو در آسانسور منتظر شاه بودم. بسیار آسوده‌خیال، با لبخندی دست مرا فشرد و گفت: «حس می‌زنم که راضی هستید.» اشاره‌اش به انتخاب کسی بود که دیگر خبرش رسمی شده بود، و بی‌گمان آن گزارش.

«اعلی‌حضرت تصمیم درستی اتخاذ فرمودند.»
از ساختمان کاخ بیرون و به باغ آمدم. روزنامه‌نگاران و عکاسان بسیاری منتظر بودند. این رویداد سالانه، مطبوعات کشور را جلب می‌کرد. این بار، چندین خبرنگار مطبوعات و تلویزیونهای خارجی هم بودند. شاه، لبخندی به پهنای چهره‌اش داشت. هنگامی که شمار حاضران را دید به من گفت: «آخر چه کسی می‌گوید روشنفکران ما را دوست ندارند؟» صمیمی و شادمان بود. هنگامی که به نزدیک جمعیت رسید، برایش دست زدند. با حرکت دست سپاسگزاری کرد و سپس به من گفت:

«چه دارید به ما بگویید؟»

«مطالب بسیار مهمی که از من خواسته شده در حضور جمع و صریحاً به‌استحضار خاطر مبارک برسانم.

«پاسخ‌تان را خواهم داد.

مأموریتی را که دوستانم به من واگذار کرده بودند، به‌خوبی انجام دادم. پس از تأکید بر این که «ثبات و وحدت ملی ایران، بسته به همبستگی مذهب و پادشاهی است» - سخنانی که در آن زمان هنوز دلیرانه بود - از ناراضیاتی فزاینده در کشور گفتم، همچنین از لزوم مبارزه با فساد

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

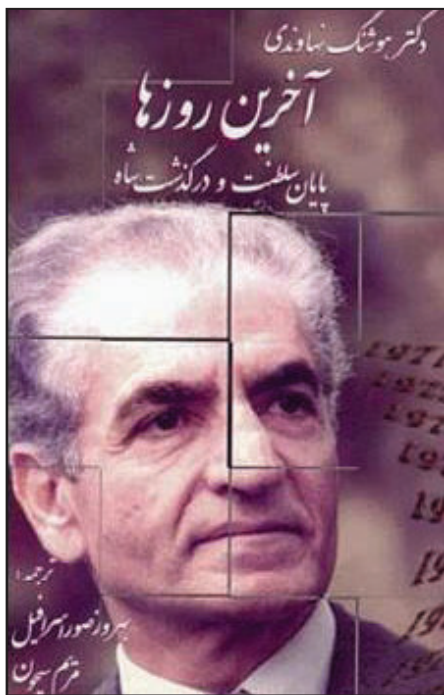
شاه این سخنان را پسندید و گفت: «خوشوقتم شما را در این شمار زیاد گرد هم می‌بینم.» و سپس قول داد هرچه می‌تواند بکند تا کشور به سوی آزادی رود و گفتگو با افرادی که چیزی برای گفتن دارند، برقرار شود. سپس به میان گروه آمد، از این و آن پرسشهایی کرد، دستهایی را فشرد، به یکی از زنان استاد دانشگاه گفت متأسف است که شمار زنان در گروه بیشتر نیست، به دادستان دیوانعالی کشور گفت که دادگستری‌ای نیرومندتر و کارآتر می‌خواهد.

دیدار بیش از یک ساعت ادامه یافت، رادیو و تلویزیون آن را ساعت یک بعد از ظهر و دوباره همان شب پخش کردند. مطبوعات ملی این رویداد را نشانه‌ای از سیاست گسترش آزادیها و نموداری از تمایل شاه به اصلاحات قلمداد کردند.

اما گفتگو با «کسانی که چیزی برای گفتن دارند» یعنی چه؟ یا چه کسانی؟ بر چه پایه‌هایی؟

مخالفانی که مطبوعات بین‌المللی «لایک» می‌خواندند، خیلی پدیدار نبود و چندان نمایندگانی نداشتند. سالهای متمادی برای از میان بردن آنان تلاش شده بود. گرد «علی امینی» نخست وزیر پیشین در سالهای ۱۹۶۰، اشراف‌زاده ثروتمند و جاه‌طلبی که خواستار و امیدوار بود دوباره به صحنه بازگردد، گروهی کارمند بلندپایه، شماری بازاری و چند تنی مذهبی پایتخت‌نشین جمع شده بودند. «امینی» از نزدیکان به حزب دمکرات آمریکا بود و به هر کوششی دست می‌زد تا این شهرت را از خود دور نکند. اما همین شهرت، به‌تنهایی بسنده بود که شاه به وی اطمینان نکند.

جریان به‌اصطلاح «ملی‌گرا» یعنی هواداران «مصدق» - نخست وزیر پیشین که در سالهای ۱۹۵۰ نفت را ملی کرده و در ابتدای کار با پشتیبانی شاه از اعتبار ویژه‌ای برخوردار شده بود - سازمان یافته نبود. آزادسازی فضای سیاسی، رقابتها و حتی دشمنیها را در میان سرکردگان افزایش داده بود: «غلامحسین صدیقی» استاد دانشگاه و وارث معنوی «مصدق»، که شاه چند ماه بعد به او متوسل شد تا در حل بحران همکاری کند، خوشبختی را یکسره از فعالیتهای سیاسی دور نگه‌داشته و وقف مؤسسه «مطالعات و تحقیقات اجتماعی» دانشگاه تهران کرده بود.



مالی، اصلاح ساختار سیاسی، لزوم گسترش آزادیها، مشکلاتی که نظام تک‌حزبی ایجاد می‌کند و فوریت گفتگو با مخالفان، سخن به‌میان آوردم.

متن سخنان من از پیش آماده شده بود و به‌تصویب دفتر گروه رسیده بود. ادامه دادم: «پیرامونیان اعلی‌حضرت، آنان که نزدیکترین به ایشان هستند، باید نمونه‌های صداقت، درستکاری، پاکدامنی و دوری از هر خطا و نقص باشند.» برخلاف معمول، اعضای گروه دست زدند. این اشاره‌ای بود به کسانی که بی‌تردید این سخنان دلخواهشان نبود. و نتیجه گرفتیم: «ملت بار دیگر، در این موقعیت حساس و دوران خطیر به پادشاه خود اطمینان می‌کند که با دشواریهای امروز روبرو شود، با آنها مبارزه کند، و کشور را آماده آینده سازد.»

«مهدی بازرگان»، نخست وزیر آینده «خمینی» جنبشی الهام گرفته از اسلام را پایه گذاری کرده بود، اما همچنین خود را مصدق می خواند. او لائیکها را که از نظر دیدگاه، خود را وفادارتر به پیشوایانشان می دانستند، رانده بود.

مانده بود یک گروه دیگر که از سه تن، «کریم سنجابی»، رئیس پیشین دانشکده حقوق و وزیر پیشین، «شاپور بختیار» و «داریوش فروهر» تشکیل می شد. آنان خود را به عنوان «جبهه ملی نوین» معرفی می کردند. اما جبهه آنان گردهمایی بود به دور از قواعدی که «مصدق» پایه گذاشته بود.

«کریم سنجابی» شخصیتی بود که چندین مشاورت دولتی را در آن واحد یدک می کشید، و در نتیجه از چندین صندوق دولتی مواجب می گرفت، و تن به هر چیزی می داد تا مقام مهمی بگیرد. شاه اشتباه کرد که این خواست او را برآورده نکرد، و از او مردی خشمگین ساخت. «شاپور بختیار» عضو هیأت مدیره چندین شرکت نیمه دولتی یا متعلق به «بنیاد پهلوی» بود. «فروهر»، که بدون شک در میان این سه تن، صادق تر بود، وکیل دادگستری موفق و ثروتمندی بود که سمت مشاور قضائی وزارت کار، و نیز مشاور حقوقی بانک «سپه» و تصدی صندوق بازنشستگی ارتش شاهنشاهی را هم داشت. «سنجابی» و «فروهر»، نام و شهرتی داشتند. اما «بختیار» تقریباً گمنام بود و اگر نسبت خانوادگی با شهبانو نداشت، همچنان در گمنامی باقی می ماند. خود او اعتراف کرده بود که حزیب به نام «ایران»، فقط دو عضو دارد. افراد متشخص دیگری از وابستگان به این جریان، از سالها پیش وارد زندگی سیاسی کشور شده و یا با موفقیت های درخشانی که در کسب و کار به دست آورده بودند، همه فعالیت های سیاسی را کنار گذاشته بودند. چند تن از این مصدقی ها، که اغلب شان مردان ارزشمندی هم بودند، می کشیدند که نقشی در چارچوب رژیم بازی کنند.

در برابر این پراکندگی مخالفان، باید اقدامات قاطعی انجام می گرفت، پاره های کینه ها به دست فراموشی سپرده می شد، و به شیوه شرقی، نشانه هایی از اعتنا و احترام به آنان به ظهور می رسید. گفتگو با همه آنان، دشوار بلکه غیر ممکن بود. با این حال به آسانی می شد غر زدن های آنان را خنثی کرد. اما شاه، در آن هنگام، از سر غرور و همچنین انزجاری که از آنان داشت، اشتباه کرد که نخواست با نگذاشت نشانه عنایت قابل توجهی نسبت به آنان آشکار شود و آنان را به دامان تندروی راند. آنان نیز چند ماه بعد، بی لیاقتی خود را در همکاری با «خمینی» آشکار ساختند. چند هفته ای به خدمت او درآمدند، سپس تحقیر و جارو شدند، بیرونشان انداختند، یا به قتلشان رساندند.

قم، مرکز آشوبها و دیدارهای سیاسی

در نبود مخالفان لائیک به دردخور، روحانیون بلندپایه شیعه، چنانکه بارها در گذشته، به سخنگویان بخشی از مردم تبدیل شدند که خواستار دگرگونی های سیاسی بودند. پیرامونیان شاه هنوز اهمیت نقش آخوندها، و خطر سوء استفاده هایی که آنان می توانستند از اوضاع کنند، را درک نمی کردند. «آموزگار» نخست وزیر، با آن که از خانواده ای بورژوا، با فرهنگ و آشنا با سنن ایرانی بود، ظاهراً به این مسائل اعتنایی نداشت. «هویدا»، وزیر دربار نیز با آن که ارتباطاتی کمابیش با چند تن از ملاحا داشت، مانند همیشه می کشید برخی از آنان را بخرد. اما دیگر زمان این گونه کارها گذشته بود. از بهار ۱۹۷۸، شهر مذهبی «قم» نه تنها مرکز آشوب های سیاسی — مذهبی، بلکه مقصد دلخواه بسیاری از سیاستمداران حاشیه ای و فرستادگان غیر رسمی یا خودخوانده جاهایی دیگر، مثل اعضای خاندان سلطنتی،

توضیح آقای دکتر هوشنگ نهاوندی

«از اظهار نظر جناب آقای عبدالرضا انصاری (که از دوران همکاری با ایشان خاطره ای بسیار دلپذیر دارم) متشکرم. درباره نحوه صحبت شاهنشاه فقید حق با ایشان است. ایشان تقریباً همیشه بجای من «ما» می فرمودند. در متن فرانسه هم چنین آمده است. در ترجمه فارسی مترجمان برای امروزی کردن متن اندک تغییراتی داده اند که یکی از آنها همین است. اما آنروز در هواپیما ایشان کلمه «ما» بکار بردند و عیناً (با تفصیل بیشتر) همین مطلب را به کنت الکساندر دومارانش رئیس سازمان اطلاعات فرانسه نیز فرموده بودند که در کتاب خاطرات ایشان که سندی تاریخی درباره حوادث ایران است نقل شده و من هم به آن اشاره کرده ام.

درباره سیاست خارجی ایران و روش تعادل میان شرق و غرب و مقابله با (شانناژ) بعضی از کشورها و احیاناً شرکتهای غربی از تأیید جناب آقای انصاری متشکرم. برای تفضیل بیشتر خود ایشان و خوانندگان محترم می توانند به کتاب شاهنشاه پاسخ به تاریخ و کتاب دیگر معظم له که به صورت مصاحبه در فرانسه است تحت عنوان شیر و خورشید و نیز به مصاحبه بسیار مفصل و گاهی خشن نسبت به بعضی از سیاست های خارجی با روزنامه کیهان (۲۱ شهریورماه ۱۳۵۶) و مجموع گفتگوهای انتشار یافته سه سال آخر سلطنت اعلیحضرت با رسانه های داخلی و خارجی مراجعه فرمایند. همه در زمینه نکاتی است که به من فرمودند غالباً با صراحت بیشتر و گاهی با خشونت در بیان. موضوع خرید اسلحه از کشورهای اروپای شرقی در همه این گفتگوها به تفصیل آمده است.

«ساواک» و دولت شده بود.

مثلی از آیات عظام که آنان را «مرجع تقلید» خواندند، بر «قم» حکمرانی می کرد. در صدر آنان، «سید کاظم شریعتمداری» قرار داشت که مرد شماره یک روحانیون شیعه مقیم ایران به حساب می آمد. او چه در میان شیعیان مقیم ایران (که هشتاد درصد مردم کشور بودند) و چه آنان که در خارج از کشور می زیستند، از احترام و نفوذ بسیار برخوردار بود. «شریعتمداری» در تبریز به دنیا آمده و تا سال ۱۹۴۶، زمان سقوط دو جمهوری قلابی که مسکو در آذربایجان و بخش کوچکی از کردستان ایجاد کرده بود، در آن شهر زیسته بود. او در نهضت مقاومت علیه اشغالگران، نقش فعال و مهمی بر عهده گرفته و با راهنمایی های ارزنده به هموطنانش، آزادی و زندگی خود را به خطر انداخته و مخاطرات بزرگ را به سرخه گرفته بود. این پیشینه پر افتخار و همچنین مراتب علمی و فروتنی ذاتی اش، درهای قم را بر او گشوده بود. «شریعتمداری» به یک «مرجع» بزرگ و مورد احترام همه تبدیل شد. دو مهمترین شخصیت جهان شیعه، آیات عظام «بروجردی» که در قم می زیست و «حکیم» که در نجف بود، درگذشته بودند. بنابراین، «شریعتمداری» — با آن که خود را از هر گونه جایگاه و جنجال تبلیغاتی برکنار می داشت، پر نفوذترین مقام مذهبی جامعه شیعیان شده بود. بسیار ملایم بود، نگاهی شوخ و شیطان و هوشی استثنایی داشت و می دانست چگونه به سخنان دیگران گوش فرا دهد. مردی وطن پرست و متحمل بود که با اندیشه ای باز با مسائل اجتماعی و فرهنگی روبرو می شد. در میان روحانیون بلندپایه شیعه، از همه، به مسائل جهانی و همچنین داخلی آگاه تر بود. می دانست چگونه از همه منابع اطلاعاتی، چه به زبان فارسی و چه عربی که بدان مسلط بود، استفاده کند. در آن سال بحرانی، بخش مطبوعات دفتر او، هر روز مهمترین مقاله های «تایمز»، «گاردین»، «لوموند» و «واشنگتن پست» را برایش ترجمه می کرد. و کم نبود مواقعی که در سخنان اش از فلان مفسر شهره رادیو انگلستان، یا بهمان آمریکایی یا روسی نام ببرد.

در زمانی که من از آن سخن می گویم، او تشکیلاتی بسیار کارآ را اداره می کرد. در قم، هزاران طلبه ایرانی و بیش از سیصد دانشجوی خارجی، در مدرسه وی در کلاسهای دین شناسی و فلسفه اش شرکت می کردند. «شریعتمداری» در رأس شبکه مهمی از ملایان در سراسر ایران، به ویژه در آذربایجان که مردم او را می ستودند و همچنین در جوامع آذری زبان دیگر نواحی ایران قرار داشت.

به این ترتیب، او خود را به صورت مخاطب راستین رژیم

شاهنشاهی درآورده بود. نخست وزیر نماینده ای نزد او فرستاد، اما داماد و همکارانش با وی دیدار کردند. گویا شخصی را که وزیر دربار فرستاده بود، پس فرستادند. تیمسار «مقدم» رئیس «ساواک» خود محرمانه به قم رفت و با اطرافیان «مثلاً» بلندپایگان مذهبی به گفتگو نشست. جعفر بهبهانیان، که مسؤول اداره حسابداری اختصاصی شاه بود — و بنابراین قاعدتاً مرد مورد اطمینانی به حساب می آمد، هم مخفیانه به قم و به ملاقات آیت الله «شریعتمداری» رفت. شریعتمداری چندی بعد پیرامون این ملاقات به من گفت: «دریافتم او مأموریتی رسمی داشت یا به ابتکار خود به دیدار من آمد.» تقریباً مطمئن بود که پیامش به شاه داده نشده است. باز به من گفت: «شهامت نیافتند پیامها را برسانند. پس این رفت و آمدها برای چه بود؟»

من، مدتی پیش از طریق استادان دانشکده الهیات، و بخش فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (که به دلیل پژوهشها و شیوه تفکرشان با قم رفت و آمد داشتند)، ارتباطاتی بسیار خوب با آیت الله «شریعتمداری» و برخی دیگر از سران شیعه داشتم، و با استفاده از این ارتباطات نقطه نظرهایی را که از بزرگان قم به دست می آوردم، به اطلاع شاه می رساندم تا بداند در محافل بالای آنجا چه می گویند. شاه در ماه مه ۱۹۷۸ از من خواست محرمانه «شریعتمداری» را ملاقات کنم: «به او بگویید از سوی من آمده اید؛ و دقیقاً به او بگویید می خواهید با دقت سخنان او را، و نه کلیاتی را که می گوید و شما مدام برای ما تکرار می کنید، بشنوید. همین و بس.»

به این ترتیب، شاه گفتگویی را، اگر نگویم بده — بستانی را، با نفر نخست سلسله مراتب شیعه آغاز کرد. می پنداشت گام بلندی برداشته است. و این هم درست بود و هم اشتباه. قرار شد یکی از استادان گرانقدر دانشگاه تهران که مرتباً به قم می رفت، قرار ملاقاتی بگذارد که بی سر و صدا و در خفا انجام گیرد. ساعت ۹ شب، آیت الله در خانه یکی از بستگانش که چسبیده به منزل خودش بود و با دری درونی به آن متصل بود، مرا پذیرفت. شهر در آن ساعت بسیار خلوت بود و کسی توجهی به خودرو قدیمی دوستم نمی کرد.

پس از سلام و تعارفات همیشگی، آیت الله از این که مرا در منزل یکی از بستگانش پذیرفته است پوزش خواست و گفت: «من میهمانخانه راحتی ندارم.»

به او گفتم: «اعلیحضرت از من خواسته که به دیدار شما بیایم و خوب و با دقت به آنچه می گوید گوش فرا دهم. می دانید که اعلیحضرت به شما بسیار احترام می گذارد

→ و برای نظرات شما، و عقایدتان پیرامون مسائل مملکت اهمیت فراوان قائل است. ایشان نیز همچون همه ایرانیان آنچه را که شما به هنگام بحران آذربایجان، برای حفظ وحدت ملی انجام داده‌اید، فراموش نکرده‌اند.»

آیت‌الله لبخندی زد. البته شاه از من نخواست به اینها را به وی بگویم. «شریعتمداری» حتماً می‌دانست، اما لازم بود برای باز کردن سر صحبت، مقدمه‌ای بچینم و فضا را خودمانی کنم. من برای ادای احترام نیامده بودم، بلکه از سوی شاه، نزد بالاترین مقام مذهبی کشور فرستاده شده بودم.

«شریعتمداری» گفت: «من مرتباً پیامهایی به اعلیحضرت می‌فرستم تا به او هشدار دهم. روحانیون همواره پناه و پشتیبان مردم در دورانهای ناخشنودی بوده‌اند. چه در سالهای ۷- ۱۹۰۶ (دوره انقلاب مشروطه) و چه هنگامی که سلطنت استبدادی «قاجار» سقوط کرد (سلسله «قاجار» از ۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ بر ایران حکم راندند). بخش آزادیخواه و دوراندیش روحانیت در اتحاد با مردم و هواداری از قانون اساسی سرشته شدند.»

او سپس شهر قم را مثال زد:

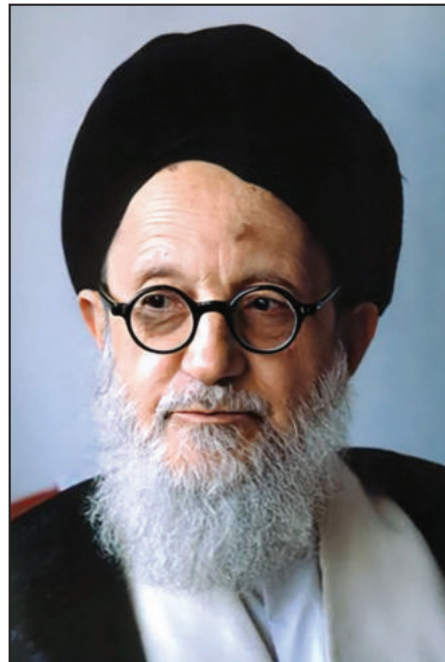
«قم حدود ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، هر شب جمعه ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تن به این شهر به زیارت می‌آیند که در ایام اعیاد مذهبی یا سوگواریها، شمارشان بیشتر می‌شود. با این حال، در کشوری که در آن این همه طرحهای عمرانی بزرگ انجام شده که من هیچ مخالفتی با آن ندارم، تقریباً هیچ کاری برای قم نشده است. دلایل آن است که اطرافیان شاه می‌اندیشند این شهر، دوست داشتنی نیست، زیرا همواره لانه اعتراض و مخالفت بوده. علاوه بر این، ببینید، ما آب آشامیدنی نداریم، به اندازه کافی پل نداریم، شاهراه و جاده‌های مناسب نداریم به گونه‌ای که کامیونهایی که به سوی جنوب می‌روند باید از میانه شهر بگذرند که دائماً در آن راهبندان است. به تعداد کافی مسکن برای کارمندان دولت وجود ندارد، به اندازه لازم منزلگاه برای پذیرش زائران نیست، اسفالت خیابانها خراب است، و حتی پیرامون مرقد حضرت معصومه، جاهایی که از لحاظ بهداشتی زیانبار است دیده می‌شود. با چند میلیون می‌شد اینها را درست کرد. البته اگر زائران، می‌توانستند جایی برای بیتوته داشته باشند و خود را بشویند، در واشنگتن پست سخنی از آن به میان نمی‌آید، ولی خود زائران بسیار خوشوقت می‌شدند!!»

حرف آیت‌الله را قطع کردم تا به او یادآور شوم «طی چهار سال و نیمی که من وزیر آبادانی و مسکن بودم، چاههایی در رودخانه حفر شد تا تهیه آب آشامیدنی شهر آسانتر شود، ۳۰ خانه برای کارمندان دولت ساخته شده و... و... دروازه‌های شهر در دست ساختمان بود...» با افسوس پاسخ داد: «می‌دانم، اما فقط همینها بود یا تقریباً همینها. قم را با مشهد مقایسه کنید. می‌گویند در ظرف فقط چند سال، آن شهر یکی از زیباترین و مجهزترین در دنیای مسلمان شده است. خواهر کوچک حضرت رضا هم سزاوار کمی توجه بود.» پذیرفتم و گفتم که مطمئناً شاه اوامر لازم را در این مورد به دولت صادر خواهد کرد.

توصیه‌های شریعتمداری

این، گونه‌ای ورود به اصل مطلب بود و همچون دادنامه‌ای که در دادگاه خوانده می‌شود. سخنان دیگر او به‌راستی نشانه‌های اخطار داشت. «شریعتمداری» پافشاری بسیار کرد که هرچه زودتر و به‌صورتی اضطراری، باید «به‌گونه‌ای عمل شود که جمله افراد خاندان سلطنت، وزرا و بلندپایگان مملکت و دربار رفتاری غیر قابل سرزنش داشته باشند.» و افزود: «خوب می‌دانم که فقط درباره کسانی سخن بر سر

زبانها می‌افتد که عیب و نقصی دارند، و دیگران فراموش می‌شوند. اما آیا این طبیعی نیست؟ عادلانه نیست؟ البته اصولاً آنها که درستکارند و به کشورشان خدمت می‌کنند، فقط وظیفه خود را انجام می‌دهند. می‌دانم که در همه کشورها افراد سودجو وجود دارند. رسانه‌های خارجی که بیشتر از هر جای دیگر از ایران انتقاد می‌کنند، شاید بهتر باشد از چیزهایی که در کشورهای خودشان می‌گذرد انتقاد کنند. ولی چه می‌شود کرد؟ ما ضعیفیم و آنان قدرتمند. وسایل مهم ارتباط جمعی در دست و اختیار ما نیست. در نتیجه، انتقاداتی که ما می‌توانیم از آمریکا، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان کنیم، اهمیت انتقاداتی که آنها از ما می‌کنند را ندارد. پس باید کوشش کنیم نیرومند و متحد باشیم. باید کاری کنیم که طبقه حاکم، بر ملت تکیه کند و در آن ریشه بگیرد، وگرنه مملکت در هم می‌ریزد! باید از بدترین وضعی که بعید نیست پیش آید، بیم داشته باشیم!»



آیت‌الله شریعتمداری

کلیات گفته شده بود. و چون من قواعد رعایت ادب و تعارفات ایرانی را به‌خوبی می‌دانستم، می‌بایست به گفتگو ادامه می‌دادم تا رفته رفته به گذاشتن پایه‌های يك معامله و یا به توافقی می‌رسیدیم. درحالی که با یکدیگر گفتگو می‌کردیم، افراد خانواده آیت‌الله و همکارم که پس از صرف نخستین فنجان چای ما را تنها گذاشته بودند، به این نتیجه رسیده بودند که ما در این دیدارها به نتیجه‌ای خواهیم رسید. آنان گمان می‌کردند اگر با ادامه دیدار نخست به جایی رسیدیم، باید به شاه پیشنهاد شود که برای زیارت به قم بیاید، چون چندین سال بود به آن شهر سفر نکرده بود، در حالی که سالی یکی دو بار به مشهد می‌رفت. ملاقاتی غیر منتظره میان شاه و پیشوای مذهبی در درون حرم، که پیش و پس از آن، اقدامات سیاسی ممکن انجام گرفته باشد، می‌توانست گونه‌ای آشتی میان سلطنت و رهبران دینی تلقی شود، بازگشتی به سیاست سنتی شاهان که تا سالهای دهه شصت، خود «محمدرضا شاه» نیز آن را به‌کار می‌برد. اما هنوز به مرحله اجرای این ناپوشنامه، که من در طول گفتگوهایم از آن بی‌خبر بودم، نرسیده بودیم. مرخص شدم و به «شریعتمداری» قول دادم که همه گفته‌هایش

را به‌عرض شاه برسانم و خیلی زود بازگردم تا به تبادل نظر ادامه دهیم.

اواخر بهار، آرامشی نسبی به کشور بازگشته بود. فضای سیاسی آرام‌تر به‌نظر می‌رسید. مخالفان تقریباً آزادانه نظراتشان را بیان می‌کردند و بسیاری از زندانیان عقیدتی، یعنی در حقیقت کسانی که دست به اقدامات خشونت‌آمیز سیاسی یا مبع‌گذاری زده و یا بانگها را زده بودند، آزاد شدند. رئیس «ساواک»، که مخالفان ایرانی و مطبوعات بین‌المللی دشمنش بودند به پاکستان فرستاده شده بود و جانشینش شخصی بسیار کارآ بود. شاه هم گفتگویی با مهم‌ترین رهبر شیعیان برقرار کرده بود. به این ترتیب او می‌پنداشت که امتیازاتی داده است. اما نمی‌توانست منکر آن شود که دسیسه‌هایی که بر اساس سوء استفاده از نقاط ضعف داخلی طرح‌ریزی شده بود، متوقف شده است. بخشی از مطبوعات بین‌المللی، و در رأس آنان «لوموند» در فرانسه، به مخالفت با شاه ایران ادامه می‌دادند. دیپلماتهای سفارت آمریکا در تهران، آشکارا علیه شاه توطئه می‌کردند و مخالفان را تشویق می‌نمودند. گزارشها و اسناد سفارت آمریکا که در جریان گروگانگیری دیپلماتهای آمریکایی توسط انقلابیون — که روز چهارم نوامبر ۱۹۷۹ آغاز شد و ۴۴۴ روز طول کشید) مصادره شد و به‌چاپ رسید، این دسیسه‌ها را آشکار می‌کند. از مهم‌ترین این فعالان دبیر اول سیاسی سفارت «جرج لامبراکیس» بود که شاه بعدها از او در خاطراتش نام برد. انگلیسیها نیز به‌گونه‌ای پنهان‌تر همین کار را می‌کردند و «بی‌بی‌سی» که در ایران بسیاری به آن گوش می‌دادند، رفته رفته به صدای مخالفان تندرو تبدیل شد. حتی آلمانها هم در ساختمان فرهنگی سفارتخانه‌شان، شبهای شعر برپا کردند که در آنها چند شاعر نیمه‌مشهور درجه دو و سه، شعر خواندند و سخن راندند، اما در اصل، گردهماییهای سیاسی علیه رژیم بود که شدت حملات شرکت کنندگانش به حکومت، بی‌سابقه می‌نمود.

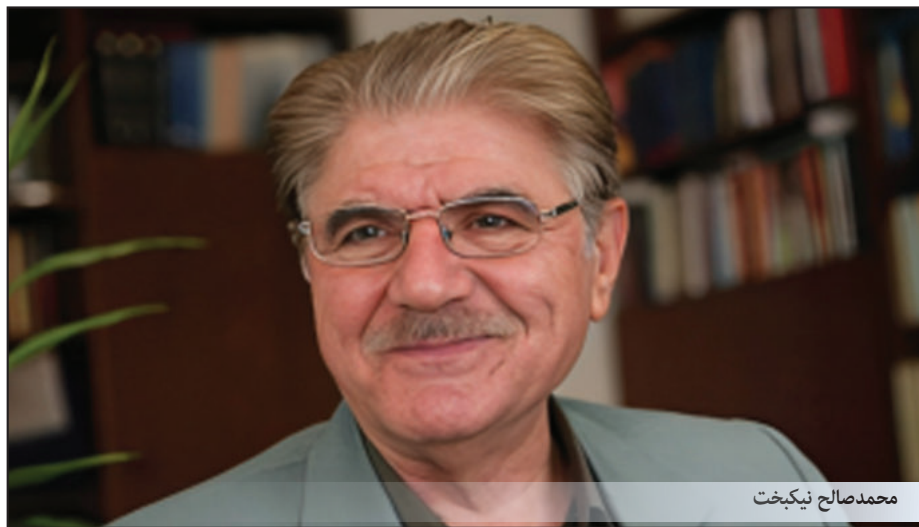
در برابر همه این اوضاع، مسئولان سیاست خارجی ایران به دستور شاه، سکوت اختیار کرده بودند. (در ضمن در همه این گردهماییهای مخالف رژیم در تهران، افرادی که فقط به عربی سخن می‌گفتند، دیده می‌شدند — رزمندگان و فعالان فلسطینی که به‌زودی همه جا سخن از آنان به میان آمد. پلیس و سازمانهای امنیتی دستور گرفتند که اینها را زیر نظر بگیرند.) هر اقدامی بیش از آن، باعث می‌شد تصویر آزادیخواهانه‌ای که شاه می‌خواست از خود نشان دهد، مخدوش شود! بعدها شاه در تبعید خود به من گفت: «حتی اقداماتی که مورد تأیید همگان قرار می‌گرفت، می‌توانست به‌عنوان نشانه‌هایی از ضعف من محسوب شود.»

با این حال او به این نتیجه رسید که باید پیام قاطعانه‌ای برای تعیین محدوده‌های سیاست گسترش آزادیها بفرستد. بنابراین روز ۲۶ ژوئن ۱۹۷۸، در گفتگویی با هفته‌نامه آمریکایی «نیوزویک» اعلام کرد که ائتلاف نامقدس سرخ و سیاه را پدیده‌ای خلاف طبیعت می‌داند و افزود: «هیچکس نمی‌تواند مرا سرنگون کند. من از پشتیبانی بزرگترین بخش ملت، از جمله کارگردان و ۷۰۰ هزار سرباز برخوردارم.» دستگاههای رسمی تبلیغاتی، این گفته‌ها را به‌گونه گسترده‌ای به اطلاع افکار عمومی داخلی رساند.

محمدرضا شاه، هنوز برگهای برنده متعددی در دست داشت و هنوز قدرت در اختیارش بود. چند هفته‌ای نسبتاً آسوده بود و می‌خواست از چند هفته دیگر برای تحقق بخشیدن به دگرگونیهای داخلی سود جوید.

پس از این سخنان و اعلام نظرها، شاه و خانواده سلطنتی به نوشهر — در کناره دریای «خزر» — رفتند تا تعطیلات تابستانی سالانه خود را در آنجا بگذرانند. (ادامه دارد)

وکیل خانواده مهسا امینی به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد



محمد صالح نیکبخت

این گزارش همچنین با اشاره به «تلاش دیوانه‌وار» جمهوری اسلامی برای فرونشاندن خشم عمومی پس از مرگ مهسا تأکید کرده که مرگ او جرعه اعتراضاتی را در سراسر کشور برانگیخت که امروز نیز ادامه دارد و به بزرگترین تهدید برای جمهوری اسلامی از زمان روی کار آمدن آن در سال ۱۳۵۷ تبدیل شده است.

تکمیلی: مهسا بر اثر شدت جراحات وارده کشته شد! خشم و اعتراض علیه خشونت دولتی؛ «همه ما مهسا امینی هستیم»

مهسا امینی دختر ۲۲ ساله ساکن سقز ۲۲ شهریور امسال در سفر به تهران به شکل خشونت‌باری از سوی مأموران گشت ارشاد بازداشت و به دلیل ضربه مغزی به کما رفت و پس از سه روز در ۲۵ شهریور در بیمارستان کسری در تهران جان سپرد. جان باختن مهسا امینی سرآغاز خیزش بزرگ ملی در ایران علیه جمهوری اسلامی شد که با اعتراضات در مقابل بیمارستان کسی آغاز و پس از به خاک سپردن وی در سقز به سرعت در سراسر ایران گسترده شد.

خانواده مهسا امینی اما با وجود فشارهای امنیتی، به دادخواهی خون فرزند برخاسته و با ثبت شکایت نزد قوه قضاییه خواستار تشکیل روند دادرسی در این پرونده شدند. از نخستین روز پس از جان باختن مهسا امینی، جمهوری اسلامی تمام توان خود را به کار بسته تا با انکار، تکذیب و از میان بردن شواهد، قتل حکومتی این دختر جوان را به بیماری زمینه‌ای و داشتن تومور مغزی در کودکی مرتبط کند. این ادعاها از سوی خانواده مهسا امینی قاطعانه رد شده و امجد امینی پدر مهسا تأکید کرده دخترش در سلامت کامل بوده است؛ وی نه بیماری زمینه‌ای داشته و نه تومور مغزی و تا پیش از این حادثه تلخ در نهایت برای سرماخوردگی به درمانگاه مراجعه کرده است. امجد امینی همچنین به تازگی در گفتگو با صدای آمریکا اعلام کرد که برای دادخواهی دخترش نخست از طریق امکانات داخلی اقدام می‌کند و اگر به نتیجه نرسد از هر امکانی برای پیشبرد امر دادخواهی استفاده خواهد کرد.

نوجوان و دو تن از دختران فامیل توسط پلیس امنیت اخلاقی دستگیر شد. اگرچه مهسا مانند بلندی به تن داشت و روسری مشکی موهایش را پوشانده بود، اما مأموران او را به دلیل «بدحجابی» بازداشت کردند.

در ادامه آمده که به مهسا گفته بودند که او را به یک کلاس یک ساعته «آموزش حجاب» می‌برند. اما مهسا که حرف آنها را باور نکرده بود، در ون پلیس فریاد زد و التماس کرد که آزادش کنند: «ما مال اینجا نیستیم. هیچ جا رو بلد نیستیم. برادرم از من کوچک‌تره. او هم هیچ جا رو بلد نیست. ما کم میشیم.»

این گزارش به نقل از یک شاهد عینی که او نیز از دختران بازداشت‌شده درون ون گشت ارشاد بود، می‌نویسد، مهسا خواست بلند شود، اما یکی از مأموران او را گرفت. بعد مأمور دیگری شروع به کتک زدن او کرد و با مشت به سر او می‌کوبید. مهسا کمتر از یک ساعت بعد در بازداشتگاه به زمین افتاد و پس از تأخیری طولانی، با حال وخیم به بیمارستان منتقل شد.

در گزارش ساندی تایمز همچنین آمده است که پلیس امنیت اخلاقی ۴۵ دقیقه پس از بیهوش شدن امینی او را به عنوان «بازیگر بالیوود» مورد تمسخر قرار داد و از تماس گرفتن با اورژانس خودداری کرد، در حالی که سایر زنان بازداشت‌شده التماس می‌کردند که با اورژانس تماس گرفته شود.

در ادامه آمده که مهسا درست قبل از ساعت ۸ شب بیهوش شد و پس از آن با آمبولانس تماس گرفته شد. پلیس تهران در بیانیه‌ای که سه روز پس از دستگیری مهسا امینی منتشر شد، ادعای ضرب و جرح را «ادعای رسانه‌های متخاصم» خواند و مدعی شد که او مشکلات پزشکی داشته و پس از «سکته قلبی» در بیمارستان تحت مراقبت قرار گرفته است.

خانواده او با وجود فشار مأموران رژیم بیانیه پلیس تهران را تکذیب کردند و گفتند مهسا تا زمانی که او را داخل ون پلیس کردند در سلامت کامل بود.

● از جمله مصداق‌های اتهام «تبلیغ علیه نظام» علیه صالح نیکبخت، مصاحبه با رسانه‌های خارج کشور درباره پرونده مهسا امینی است.

● شعبه دوم بازپرسی دادرسی مستقر در اوین پس از تفهیم اتهام، این وکیل را با «قرار کفالت» تا زمان برگزاری جلسه دادگاه به صورت موقت آزاد کرده است.

● به گفته صالح نیکبخت در پرونده مهسا ایراداتی مانند عدم حضور شاکیان هنگام انجام تحقیقات از مأموران ون گشت ارشاد و حضور نداشتن پزشکان مورد اعتماد خانواده در جلسه پزشکی قانونی وجود دارد.

وکیل خانواده مهسا امینی پس از احضار به شعبه ۲ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب تهران در زندان اوین با عنوان «تبلیغ علیه نظام» تفهیم اتهام شد. محمد صالح نیکبخت از وکلای با سابقه دادگستری که در حال حاضر وکالت خانواده مهسا امینی در پرونده قتل دخترشان را بر عهده دارد به «تبلیغ علیه نظام» متهم شده است.

محمد صالح نیکبخت بیستم اسفندماه به شعبه ۲ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب تهران مستقر در زندان اوین احضار و تفهیم اتهام شد. از جمله مصداق‌های اتهام «تبلیغ علیه نظام» علیه صالح نیکبخت، مصاحبه با رسانه‌های خارج کشور درباره پرونده مهسا امینی است.

به گزارش منابع حقوق بشری شعبه دوم بازپرسی دادرسی مستقر در اوین پس از تفهیم اتهام، این وکیل را با «قرار کفالت» تا زمان برگزاری جلسه دادگاه به صورت موقت آزاد کرده است.

این وکیل دادگستری دو ماه پیش با انتقاد از روند پیگیری پرونده مهسا امینی در قوه قضاییه گفته بود در مورد پرونده درگذشت موکل‌اش هیچ اقدامی صورت نگرفته است. صالح نیکبخت گفته بود که «نظر بازپرس پرونده این بوده که نظریه کوتاهی سرباز - پرستارها در احیا و ماساژ قلبی این زن جوان پذیرفته شود». این در حالیست که به گفته وکیل خانواده مهسا، پیکر این دختر جوان دو ساعت بعد از بیهوشی او در مقر پلیس امنیت و در حالی که ۹۵ درصد از علائم حیاتی‌اش را از دست داده بود به بیمارستان کسری انتقال یافت.

به گفته این وکیل دادگستری در پرونده مهسا ایراداتی مانند عدم حضور شاکیان هنگام انجام تحقیقات از مأموران ون گشت ارشاد و حضور نداشتن پزشکان مورد اعتماد خانواده در جلسه پزشکی قانونی وجود دارد.

نشریه بریتانیایی «ساندی تایمز» نیز طی روزهای گذشته گزارشی تحقیقی از قتل حکومتی مهسا امینی منتشر کرد که در آن مواردی چون ضربات متعدد به سر مهسا در زمان انتقال به بازداشتگاه پلیس امنیت و همچنین خودداری مقامات انتظامی از تماس با اورژانس به مدت ۴۵ دقیقه پس از بیهوش شدن او قابل توجه است.

این گزارش تحقیقی به قلم سجاد خداکرمی و لوئیز کالاکان توضیح داده که مهسا امینی ۲۲ ساله دقایقی پس از خروج از ایستگاه مترو «شهید حقانی» به همراه برادر

رضا نوروزی زندانی مشروطه خواهی که زیر شدیدترین فشارهای روحی و جسمی و مالی و خانوادگی قرار دارد



اعتراض و با غل و زنجیر در بیمارستان



رضا نوروزی و خانواده اش در روز

نوروزی اتفاقات زیادی برای خانواده وی به خصوص همسر و فرزندانش در زندان و خارج زندان رخ داد؛ در حال حاضر آنها زیر شدیدترین فشارهای امنیتی هستند، در نبود پدر خانواده درآمدی ندارند، علاوه بر مخارج زندان، مخارج خانواده فشار مضاعفی بر رضا نوروزی وارد کرده است.

به گفته وی، رضا نوروزی مدت کوتاهی در سالن ۳ زندان اوین دوران حبس خود را سپری کرد و برای اینکه لازم بود درآمدی داشته باشد تا برای همسر و فرزندانش بفرستد در بخش «جهاد» مشغول به کار شد. این بخش قسمتی است که در آن زندانیان نیازمند، کارهای خدماتی نظیر جابجا کردن بار فروشگاه، نظافت کريدورهای اصلی یا تعمیرات را انجام می دهند. به این ترتیب سالن محل حبس رضا نوروزی تغییر کرد و مشغول به کار شد؛ او هر حقوقی که می گرفت برای خانواده اش می فرستاد، البته پول رایج آنجا سیگار است؛ وی از حقوقش سیگار می خرید و به کسانی می داد که می توانستند در بیرون زندان پول واریز کنند. آنها هم همان مبلغ را برای همسر او واریز می کردند.

این فرد اضافه می کند: «علاوه بر کار در بخش «جهاد» رضا نوروزی همزمان «شهرداری» چند اتاق را هم بر عهده گرفت؛ شهرداری یعنی نظافت، شستشوی ظروف، پرده ها و اتاق ها، پر کردن و شستن فلاسک های چای و غیره، یعنی هر کاری که یک خدمتکار در مورد یک اتاق باید انجام دهد بر عهده فردی به نام «شهردار» گذاشته شده. رضا برای درآمد بیشتر کارهای همزمان این اتاق ها را انجام می داد و هر مبلغی که از اتاق ها می گرفت برای همسر و فرزندانش می فرستاد.»

وی ادامه می دهد: «از آنجا که شخصیت، ادب و عزت نفس رضا نوروزی مورد توجه زندانیان سیاسی و حتی غیرسیاسی قرار دارد، مسئولان زندان تلاش کردند او را از بخش «جهاد» بیرون کنند. بنابراین به محض تغییر رئیس اندرزگاه ۴ او را از اندرزگاه ۴ به اندرزگاه ۸ منتقل کردند و آنجا دیگر شغلی نبود که بتواند درآمدی به دست آورد. رضا نوروزی را به سالن ۷ اندرزگاه ۸ فرستادند؛ سالن ۷ مختص جرائم عادی و اغلب خشن است که توسط عوامل رژیم اداره می شود، مثلاً وکیل بند این سالن همان کسی بود که روح الله زم را به دام انداخت یا سالن ۷ به دست حسن رعیت اداره می شد.»

او به حسن میرکاظمی معروف به حسن رعیت از بسیجیان و لباس شخصی های معروف جمهوری اسلامی اشاره می کند. نام او یادآور تصویريست که در اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ اسلحه در دست و سوار بر موتور به دنبال شکار معترضان است.

به گفته این فرد نزدیک به خانواده رضا نوروزی،

پیش از این رضا نوروزی یکبار در منطقه فلکه دوم گوهردشت کرج در سال ۱۳۹۶ و یکبار هم در محوطه آرامگاه کوروش در پاسارگاد بازداشت شده بود.

رضا نوروزی در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ به دنبال اعتراضی که مردم را به دفاع از سرزمین خود فرا می خواند، به همراه همسر و دو فرزند خردسالش توسط ماموران امنیتی در تهران بازداشت شد. او پس از دو ماه نگهداری در سلول انفرادی وزارت اطلاعات و پایان مراحل بازجویی به بند عمومی زندان اوین منتقل شد.

این فعال مشروطه خواه از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «تبلیغ علیه نظام» محاکمه و مجموعاً به ۱۰ سال حبس محکوم شد. حکم رضا نوروزی در دادگاه تجدید نظر هم تأیید شد که ابتدا ۵ سال و ۶ ماه و پس از اعتراض وی به این حکم به ۴ سال و ۲ ماه کاهش پیدا کرد.

یک شهروند نزدیک به خانواده رضا نوروزی در گفتگو با کیهان لندن با اشاره به اینکه رضا نوروزی و و همسرش در روزهای نخست پس از بازداشت مورد ضرب و جرح قرار گرفته بودند می گوید: «هنگامی که همسر رضا نوروزی به همراه دو فرزند خردسالش در زندان بسر می بردند به او اجازه نمی دادند که در زندان شیرخشک تهیه کند و او به ناچار برای سیر کردن نوزاد خود انگشت دستش را برید و خون خود را به دهان فرزند نوزادش ریخت. رضا نوروزی در گفتگو با هم بندی هایش بارها به آزار و اذیت همسر و فرزندانش در سلول انفرادی اشاره کرده و گفته بود مسئولان زندان او را تهدید کردند که بچه ها و خودت را از بین می بریم.»

به گفته وی، رضا نوروزی پس از بازداشت حدود دوماه تحت شکنجه بود که پس از تشنج نوزاد دو ماهه وی در سلول انفرادی و نشان دادن فرزندش در آن شرایط او را وادار کردند که به شاهزاده رضا پهلوی توهین کند ولی او قبول نکرد. بعد از آنهم چند بار او را به سلول انفرادی منتقل کردند. او در بند دو الف سپاه در زندان اوین، بازداشتگاه ۲۰۹ اوین و بند ۲۴۱ اوین هم زیر شکنجه قرار گرفت. در این دوران به دلیل شکنجه با شوکر و ضربات مشت و لگد به کلیه های وی، چند روز دچار خونریزی از طریق مثانه شد و بعد از ۷ روز او را به بیمارستان منتقل کردند. در حال حاضر او از سردردهای شدید شکایت دارد و از مقامات زندان خواسته که او را به بیمارستان منتقل کنند.

این فرد مطلع با اشاره به اینکه خانواده رضا نوروزی همراه با پدر و مادر وی در یکی از شهرک های کوچک کرج در استان البرز ساکن هستند ادامه می دهد: «بعد از دستگیری رضا

● رضا نوروزی که پس از اعتراض در اردیبهشت ۱۴۰۰ و به آتش کشیدن وانت بار خود و دعوت مردم برای «نه» گفتن به جمهوری اسلامی دستگیر شد و به زندان افتاد، بارها به خاطر فعالیت های داخل زندان و درگیری و فرستادن فایل صوتی به خارج زندان، ممنوع از ملاقات و تماس تلفنی و به اصطلاح «شورایی» شده است. منظور از «شورایی شدن»، قرار گرفتن زیر فشار کمیته ای در زندان است که تصمیم می گیرد چه تنبیهی برای چنین زندانیانی در نظر بگیرد مثلاً برای چند ماه ممنوع از ملاقات یا تلفن شوند.

● هنگامی که همسر رضا نوروزی با دو فرزند خردسالش در زندان بسر می برد، به او به ناچار برای سیر کردن نوزاد خود شیرخشک تهیه کند و او به ناچار برای سیر کردن نوزاد خود انگشت دستش را برید و خون خود را به دهان نوزادش ریخت. رضا نوروزی در گفتگو با هم بندی هایش بارها به آزار و اذیت همسر و فرزندانش در سلول انفرادی اشاره کرده و گفته است که مسئولان زندان او را تهدید کرده بودند که بچه ها و خودت را از بین می بریم.

● در زندان، علاوه بر کار در بخش «جهاد» رضا نوروزی همزمان «شهرداری» چند اتاق را هم بر عهده گرفت؛ شهرداری یعنی نظافت، شستشوی ظروف، پرده ها و اتاق ها، پر کردن و شستن فلاسک های چای و غیره؛ یعنی هر کاری که یک خدمتکار در مورد یک اتاق باید انجام دهد بر عهده فردی به نام «شهردار» گذاشته می شود. رضا برای درآمد بیشتر کارهای همزمان این اتاق ها را انجام می داد و مبلغی را که از هر اتاق می گرفت برای همسر و فرزندانش می فرستاد.

فیروزه نوردستروم- رضا نوروزی اسبق رانی زندانی مشروطه خواهی که هم اکنون در بند ۱۰ سالن ۳۳ زندان «رجایی شهر» دوران محکومیت خود را سپری می کند متولد ۱۳۶۹ در روستای اسبق ران از توابع شهرستان سراب در استان آذربایجان شرقی است. او در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ همراه با نرگس نوری نیک همسر و داریوش و کوروش دو فرزند خردسالش در در میدان «انقلاب» تهران، وانت بار خود را به آتش کشید و از مردم خواست به جمهوری اسلامی «نه» بگویند. او در این اقدام اعتراضی که ویدئوهایش بلافاصله در شبکه های اجتماعی پخش شد، فریاد می کشید که «برای این سرزمین می جنگم. برای بازگشت شاهزاده رضا پهلوی می جنگم». همسر جوانش نرگس نوری نیک که متولد استان سیستان و بلوچستان است نیز در حالی که دست کوروش پسر دو ساله اش را گرفته و داریوش پسر چند ماهه اش را در آغوش داشت، در کنار وی بود.



استقبال ابراهیم رئیسی از الکساندر لوکاشنکو با تشریفات رسمی

فرش قرمز در تهران برای «آخرین دیکتاتور اروپا»؛

امضای تفاهم نامه راهبردی «همه جانبه» میان جمهوری اسلامی و بلاروس

مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی همگون و مشترک است و هر دو کشور خواهان ایجاد جهانی چندقطبی و عادلانه هستند.» هیچکدام از طرفین اشاره‌ای به ضرورت پایان بخشیدن به جنگ علیه اوکراین نکرده و سخنی در ارتباط با صلح نگفتند. خبرگزاری دولتی ایرنا گزارش داد جمهوری اسلامی و بلاروس «نقشه راه همکاری‌های همه‌جانبه و هفت سند همکاری در حوزه‌های مختلف تجاری، حمل و نقل، کشاورزی و فرهنگی» امضاء کردند.»

این سفر لوکاشنکو که گفته می‌شود پسرش را برای جانشینی خود بر کرسی ریاست جمهوری آماده می‌کند، با واکنش‌های مختلفی روبرو شده است. پاول لاتوشکو از مخالفان لوکاشنکو در توییته نوشت «ابراهیم رئیسی می‌گوید ایران تجربه خود را در مقاومت در برابر تحریم‌ها به بلاروس منتقل می‌کند. لوکاشنکو تأکید کرده متوجه شدیم که چقدر بهم نیاز داریم، چقدر باید همکاری نزدیک داشته باشیم.» پاول لاتوشکو از مخالفان لوکاشنکو در توییته نوشت «اتحادیه اروپا ۹ ماه است که تحریم‌های جدیدی علیه رژیم لوکاشنکو اعمال نکرده است.» الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس که به «آخرین دیکتاتور اروپا» مشهور است روز دوشنبه ۲۲ اسفند به تهران سفر کرد و سید ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در کاخ «سعدآباد» از وی استقبال کرد.

این سفر در حالی انجام شده که از آغاز حمله روسیه علیه اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، جمهوری اسلامی متهم به ارسال پهپادهای انتحاری به روسیه شده و بلاروس نیز متهم است که به محل استقرار بخشی از نیروهای نظامی روسیه در شمال اوکراین تبدیل شده است. جمهوری اسلامی و بلاروس در عمل دو متحد اصلی روس‌ها در جنگ علیه اوکراین به شمار می‌روند.

ابراهیم رئیسی در دیدار با لوکاشنکو گفت دو طرف تفاهم‌نامه همکاری امضاء کردند و در همه حوزه‌ها به «نقشه راه جامع» دست یافتند و با «نگاه راهبردی» ویژه گام‌های بلندی از پیشرفت برخوردار خواهند داشت.

لوکاشنکو نیز با اشاره به اینکه از آخرین سفرش به تهران ۱۷ سال می‌گذرد (در نخستین دولت احمدی‌نژاد) گفت: «دوره‌ای از توقف در همکاری‌ها وجود داشت» اما از آن دوران عبور کردیم و «بسیار خوشحالم که بگویم مواضع دو کشور در چنین زندانیانی در نظر بگیرد مثلاً برای چند ماه ممنوع از ملاقات با تلفن شوند.

این فرد در ادامه با اشاره به اینکه رضا نوروزی با علم به تمام بلاهایی که بر سرش خواهد آمد، تمام داشته‌هایش را به میدان آورده تأکید می‌کند: «رضا نوروزی به میدان انقلاب آمد، همان یک ماشین نیسان باری را که تنها محل درآمدش بود و با آن بار جابجا می‌کرد به آتش کشید و همسر و فرزندانش را نیز با خود همراه کرد با علم به اینکه می‌دانست آنها هم بازداشت خواهند شد.»

به گفته وی، رضا نوروزی دائم فایل‌های صوتی منتشر می‌کند، مدام از این زندان به آن زندان تبعید می‌شود، زیر شکنجه، جنگ اعصاب و احضار و تهدید خود و خانواده‌اش است: «اخیراً هم شاهد بودیم که در بند ۲۴۱ به آن شکل وحشیانه به بدن و سر و صورت او آسیب زدند و به ناچار از زندان رجایی شهر به بیمارستان منتقل کردند و پایش را گچ گرفتند. او از همان ابتدا اصول و خواسته‌ای را مطرح کرده و همچنان بر همان اصول پایبند است و در اعتقادات، باورها و نوع مبارزه‌اش هیچ تغییری ایجاد نشده است.»

➔ زندانیان سیاسی دوست و هم‌بند رضا نوروزی با توجه به شناختی که از روحیات او داشتند می‌دانستند که او زیر بار حرف زور نمی‌رود بنابراین با چند بار نامه‌نگاری و رایزنی با مسئول اندرزگاه ۸ موفق شدند او و رضا سلمان‌زاده پدر مهدی سلمان‌زاده از کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۹۸ را از سالن ۷ به سالن ۸، محل نگهداری اغلب زندانیان سیاسی منتقل کنند. در اندرزگاه ۸ سالن ۹ و ۱۰ که محل نگهداری زندانیان محکوم سیاسی است، یک انجمن صنفی زندانیان برای رسیدگی به وضعیت و مشکلات زندانیان تشکیل شده برای بررسی مشکلاتی نظیر بیماری زندانیان، خرید اقلامی مثل دستگاه فشار خون، دستگاه اندازه‌گیری قند خون، تهیه کتاب‌های لازم برای کتابخانه و غیره که رضا نوروزی نیز فعالانه در جلسات این انجمن هم حضور داشت. همچنین در جلسات اعتراضی زندانیان یا خواندن سرودهای جمعی در اعتراض به سرکوب مردم یا برخورد‌های ماموران و مسئولان زندان در داخل زندان با زندانیان سیاسی شرکت داشت.

این فرد مطلع ادامه می‌دهد که رضا نوروزی در شب حادثه آتش‌سوزی در زندان اوین به زندان «رجایی شهر» منتقل شد: «سه روز مانده به شب حادثه آتش‌سوزی در زندان اوین رضا نوروزی را به همراه چند نفر دیگر به زندان رجایی شهر منتقل کردند، در زندان رجایی شهر در بند ۱۰ سالن ۳۳ رضا نوروزی به جمع زندانیان سیاسی این بند ملحق شد، تا اینکه دو هفته پیش وی و یکی دیگر از زندانیان سیاسی را از بند خارج کردند و به انفرادی بند ۲۴۱ بازداشتگاه اوین مربوط به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه منتقل کردند و به خاطر شب آتش‌سوزی اوین آنها را مورد بازجویی قرار دادند در حالی که همانطور که گفتم رضا نوروزی دو سه روز مانده به شب آتش‌سوزی اوین از آنجا به زندان رجایی شهر تبعید شده بود و در شب آتش‌سوزی اصلاً در زندان اوین نبود. اما ماموران امنیتی سعی داشتند این اتفاق را به گردن او و یکی دیگر از هم‌بندی‌های او بیندازند؛ به همین دلیل او را مورد ضرب و جرح شدید قرار دادند تا جایی که دو روز پیش پس از انتقال او از انفرادی ۲۴۱ به زندان رجایی شهر او را در بیمارستان بستری کردند. صورت رضا نوروزی به دلیل ضرب و جرح کبود و متورم شده و وضعیت‌اش طوری بود که یک پای او گچ گرفته شد.»

این شهروند نزدیک به خانواده رضا نوروزی با تأکید بر اینکه این زندانی مشروطه‌خواه در بند ۲۴۱ حفاظت اطلاعات قوه قضاییه در زندان اوین بارها مورد ضرب و جرح قرار گرفته و تهدید شده است توضیح می‌دهد: «رضا نوروزی در یک پیام صوتی اشاره کرده است که بازجوها در بند ۲۴۱ او را به جدایی از همسرش تهدید کرده و گفته‌اند کاری می‌کنیم که زنت را طلاق بدهی! اینها زندانی را از همه لحاظ تحت فشار قرار می‌دهند؛ خانواده و زندگی زناشویی زندانی را نابود می‌کنند، محل درآمد او را از بین می‌برند، فرد را به موجودی تبدیل می‌کنند که پس از آزادی از زندان بجز درگیر شدن با روزمرگی‌های زندگی و ساختن زندگی از صفر نتواند به تاریخ، فرهنگ، سیاست یا شعر فکر کند، برای رضا نوروزی هم یک فشار روانی و تهدید مضاعف ایجاد کرده‌اند که تحمل زندان برایش دشوارتر شده است برای اینکه او را به زانو در بیاورند از او خواستند که به گروه‌های اپوزیسیون فحاشی کند که رضا قبول نکرد. البته این رویه در مورد بسیاری از زندانیان سیاسی که به اعتقادات و خواسته‌های سیاسی خود پایبند بوده‌اند اجرا شده است.» به گفته وی، هر زندانی حق داشت تماس تلفنی و ملاقات با خانواده دارد اما رضا نوروزی بارها به خاطر فعالیت‌های داخل زندان اعتراضات و درگیری‌ها و ارسال فایل صوتی به خارج زندان، ممنوع از ملاقات و تماس تلفنی و به اصطلاح «شورایی» شده است. منظور از «شورایی شدن»، قرار گرفتن زیر فشار کمیته‌ای در زندان است که تصمیم می‌گیرد چه تنبیهی برای



مرکز اسلامی انگلیس

موسسات وابسته به جمهوری اسلامی در لندن زیر ذره بین نهادهای نظارتی بریتانیا

مطرح کرد.
این اولین بار نیست که مرکز اسلامی لندن زیر ذره بین نهاد نظارت موسسات خبریه بریتانیا قرار می گیرد. این مرکز در سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ نیز اخطارهایی در رابطه با فعالیت هایش دریافت کرده بود. در سال ۲۰۲۰ این مرکز به دنبال سخنرانی مسعود شجره، سخنگوی غیررسمی این مرکز، در مراسمی که به مناسبت ترور قاسم سلیمانی برگزار شده بود اولین اخطار را دریافت کرد. مسعود شجره در این مراسم قاسم سلیمانی را «شهید بزرگ» و «سرباز فدائی اسلام» خوانده بود، در حالی که از نظر دولت بریتانیا او فرمانده گروهی بود که در عملیات تروریستی دست داشته است. نهاد ناظر بر موسسات خبریه مسئولین این مرکز را که با سکوت خود صحبت های مسعود شجره را تأیید کرده بودند مسئول دانست و از آنها خواسته بود که اجازه ندهند این مرکز به تریبونی برای تبلیغ تروریسم و بزرگداشت تروریست ها تبدیل شوند.

قابل توجه است که مرکز اسلامی جمهوری اسلامی در لندن در چارچوب کمک های دولت بریتانیا در رابطه با ضررهای ناشی از کرونا در دو نوبت ۲۴۰ هزار پوند کمک مالی دریافت کرده است. یک عضو Community Security Trust در این رابطه به کیهان لندن می گوید «اینکه ما مجبوریم دیدگاه های مشمئزکننده را تحمل کنیم بهائی است که برای احترام به آزادی بیان می پردازیم، ولی اینکه ما هزینه حضور نماینده علی خامنه ای را هم با پول مالیات دهندگان بریتانیایی بپردازیم، قابل تحمل نیست و باید به فکر چاره ای جدی بود».

کم نیستند ایرانی های ساکن بریتانیا که خواهان تعطیلی مرکز اسلامی جمهوری در لندن هستند؛ مرکزی که از سال ۱۹۸۸ رسماً آغاز به فعالیت کرده است. بسیاری معتقدند که این مرکز پوششی برای جاسوسی علیه مخالفان جمهوری اسلامی در پایتخت بریتانیا و سازماندهی اقدامات تروریستی است. برپایه این درخواست و شکایت برخی از بریتانیایی های ایرانی تبار، نهاد ناظر بر موسسات خبریه پرونده ای در این رابطه گشوده است که البته این تحقیقات هنوز در جریان است.

مدرسه فرستاده بود که در گزارش خود خواهان بازرسی مداوم از این نهاد شده بودند زیرا برخی از فعالیت های آنرا خلاف مقررات جاری بریتانیا تشخیص داده بودند.
یکی از اعضای Community Security Trust، نهاد غیرانتفاعی که با هدف تامین تامین امنیت جامعه یهودیان بریتانیا تاسیس شده است، به کیهان لندن می گوید «مدرسه وابسته به جمهوری اسلامی در قلب یکی از محلاتی قرار دارد که بسیاری از ساکنان آن یهودی هستند و ما نگران هستیم که تبلیغ خشونت و یهودی ستیزی در این مدرسه امنیت جانی کودکان یهودی را به خطر بیاندازد و به همین منظور از وزارت آموزش بریتانیا خواستیم که تحقیقاتی را در این رابطه آغاز کند». اشاره آنها به بخش هایی از سرود «سلام فرمانده» است که در آن فدا کردن جان برای یک ایدئولوژی و همچنین کشتار پیروان یهودیت تبلیغ می شود.

استیو مک کیپ قانونگذار حزب کارگر بریتانیا نیز از این خواست Community Security Trust حمایت کرده است. یکی از همکاران این قانونگذار بریتانیایی نیز به کیهان لندن می گوید «دولت باید خطر ترویج خشونت و افراط گرایی در این مدرسه و دیگر نهادهای وابسته به سفارت جمهوری اسلامی در لندن را بسیار جدی بگیرد و آنها را زیر نظر داشته باشد». همکار این قانونگذار بریتانیایی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می افزاید «این قابل قبول نیست که یک مرکز آموزشی که تحت قوانین بریتانیا فعالیت دارد خشونت، افراط گرایی و یهودی ستیزی را تبلیغ کند».

مدرسه جمهوری اسلامی در لندن تنها نهادی نیست که بسیاری خواهان زیر نظر داشتن و یا حتی تعطیلی آن هستند. در ماه ژانویه گذشته آلیسیا کرنس قانونگذار محافظه کار بریتانیایی که ریاست کمیته سیاست خارجی مجلس عوام را عهده دار است، از نخست وزیر خواسته بود مرکز اسلامی لندن را که زیر نظر مستقیم علی خامنه ای اداره می شود تعطیل کرده و مدیر آن سید هاشم موسوی را از بریتانیا اخراج کند. آلیسیا کرنس این درخواست را در پی اظهارات سید هاشم موسوی که معتزین ایرانی را «سربازان شیطان» خوانده بود

● در پی شکایت والدین برخی از کودکان ساکن این محله و ضبط ویدئویی که در آن دانش آموزان سرود «سلام فرمانده» را می خوانند، بخش مبارزه با افراط گرایی وزارت آموزش بریتانیا بازرسان خود را به مدرسه جمهوری اسلامی در منطقه Maida Vale لندن فرستاد.

● استیو مک کیپ قانونگذار حزب کارگر بریتانیا نیز از این خواست حمایت کرده و می گوید «دولت باید خطر ترویج خشونت و افراط گرایی در این مدرسه و دیگر نهادهای وابسته با سفارت جمهوری اسلامی در لندن را بسیار جدی بگیرد». ● در ماه ژانویه آلیسیا کرنس قانونگذار محافظه کار بریتانیایی که ریاست کمیته سیاست خارجی مجلس عوام را عهده دار است، از نخست وزیر خواسته بود مرکز اسلامی لندن را نیز که زیر نظر مستقیم علی خامنه ای اداره می شود تعطیل کرده و مدیر آن، سید هاشم موسوی، را از بریتانیا اخراج کند.

● مرکز اسلامی جمهوری اسلامی در لندن در چارچوب کمک های دولت بریتانیا در رابطه با ضررهای ناشی از کرونا در دو نوبت ۲۴۰ هزار پوند کمک مالی دریافت کرده است. احمد رأفت - برخی نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی در لندن، زیر ذره بین نهادهای نظارتی بریتانیا قرار گرفته اند. آخرین آنها مدرسه ای است که جمهوری اسلامی در منطقه Maida Vale است.

در پی شکایت والدین برخی از کودکان ساکن این محله، پس از ضبط و پخش سرود «سلام فرمانده» توسط دانش آموزان این مدرسه، بخش مبارزه با افراط گرایی وزارت آموزش بریتانیا بازرسان خود را به این نهاد وابسته به جمهوری اسلامی فرستاد. در بازرسی از این مدرسه، آنها در کتابخانه این محل کتاب ها و متونی را یافتند که ترویج خشونت می کند و طبق استانداردهای وزارت آموزش بریتانیا برای دانش آموزان مناسب نیستند. البته این اولین بار نیست که بازرسان وزارت آموزش بریتانیا به این مدرسه می روند. در سال ۲۰۱۶ نیز در پی شکایت مشابهی که در آن به استفاده از کودکان برای ترویج خشونت اشاره شده بود وزارت آموزش بازرسانی به این

Boloh مشاوران سازمان کمک دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی

وقتی پایه‌های قدرت لرزید، علی خامنه‌ای به «خائن‌ان جهان اسلام» روی آورد!

قرار داده است. حتا گزارش شد طالبان نیز خروج دلار را از افغانستان، همسایه شرقی ایران، محدودتر کرده که این نیز بطور مستقیم بر افزایش قیمت ارز در بازار ایران تأثیر گذاشته است.

انسداد کانال‌های ارزی

در این میان، مقامات امنیتی جمهوری اسلامی هشدار دادند که نظام با جنگ تمام‌عیار ارزی روبروست و تمرکز بر تاب‌آوری مردم با هدف سرنگونی نظام است.

تنگناهای ارزی برای جمهوری اسلامی آنقدر زیاد شده است که آنها مجبور شدند به روی خود نیاورند که امارات مدعی «جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس» است و آنها را حق خود می‌داند و کمتر از چهار ماه پیش در بیانیه رسمی شورای همکاری‌های خلیج فارس حتا چین کمونیست نیز در تأیید این ادعا، حق مالکیت ایران بر این جزایر را نادیده گرفت. در چنین شرایطی، مقامات جمهوری اسلامی امیدوارند برقراری رابطه با عربستان به آنها کمک کند تا کانال‌های ورودی ارز از تنگنا خارج شود. مسعود دانشمند رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران و امارات می‌گوید «در توافق ایران با سعودی قرار بر این شده که پول‌هایمان در عراق از طریق امارات آزاد شود و به صورت درهم وارد بازار ایران شود.» وی گفته «باید در زمینه پتروشیمی هم با عربستان هماهنگ باشیم.» هرچند جمهوری اسلامی به دنبال بهبود روابط با کشورهای عربی منطقه به ویژه عربستان سعودی است اما بسیاری تحلیلگران معتقدند این توافق امنیتی دوام نخواهد داشت. ضمن اینکه خود سعودی‌ها به عنوان پدروخوانده کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در مورد احیای رابطه با جمهوری اسلامی اختلاف نظر دارند.

از سوی دیگر، پس از اعلام توافق عربستان سعودی با رژیم ایران برای از سر گرفتن روابط دو کشور و بازگشایی سفارتخانه‌ها ظرف دو ماه، شاهزاده فیصل بن فرحان وزیر خارجه سعودی تأکید کرد که این توافق به معنای حل و فصل همه مشکلات و اختلافات طرفین نیست.

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا اواخر تیرماه ۱۴۰۱ در نشست منطقه‌ای جدّه ادعا کرده بود «می‌گذاریم چین و روسیه و ایران جای آمریکا را در منطقه پُر کنند» اما اکنون کمونیست‌های پکن مسلمانان را با یکدیگر آشتی می‌دهند حتا اگر این آشتی موقت باشد. این چرخش‌ها و عقب‌نشینی‌های جمهوری اسلامی از «اصول» همزمان یک زنگ خطر هم برای امنیت اسرائیل و هم اپوزیسیون دموکراسی‌خواه حکومت ایران است: جمهوری اسلامی برای بقا تن به هر کاری می‌دهد.

اکنون کمتر از دو سال پس از عادی ساختن روابط چند کشور عربی با اسرائیل، وضعیت ناسامان داخلی و فشارهای بین‌المللی چنان بحران‌ها را در ایران و علیه جمهوری اسلامی تشدید کرد که مقامات حکومت مجبور به عقب‌نشینی شده و راه را برای مذاکره با همان دولت‌هایی که «خائن» دانسته‌اند باز می‌کنند.

پس از امضای توافق امنیتی با عربستان سعودی با میانجیگری جمهوری خلق چین و فرستادن هیأت دیپلماتیک به بحرین، گزارش شده است که علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی به ابوظبی می‌رود تا در مورد روابط دوجانبه و منطقه‌ای با اماراتی‌ها نیز گفتگو کند. جریانات ضداسرائیلی در ایران بعد از «پیمان ابراهیم» می‌گفتند «سازش امارات با رژیم صهیونیستی نمایش چهره تسلیم دولت‌های دست‌نشانده استکبار صهیونیسم جهانی در منطقه است.» اما حالا چه اتفاقی افتاده که رهبران در برابر این «دولت‌های دست‌نشانده استکبار صهیونیسم جهانی» عقب‌نشینی می‌کنند؟!

امارات متحده عربی یکی از اصلی‌ترین راه‌های ورود ارز به بازار ایران است. هرچند بانک‌های امارات با وجود تحریم‌ها و نظارت شدید وزارت خزانه‌داری آمریکا تبادلات ارزی و پولی مستقیم با ایران ندارند اما صرافی‌های امارات و شرکت‌های واسطه فعال در آن نقش حیاتی در دور زدن تحریم‌ها به نفع جمهوری اسلامی و انتقال پول به ایران داشته و دارند. یکی از دلایل اصلی افزایش قیمت ارز در ایران اعمال محدودیت‌ها در حواله درهم و دلار به ایران است. در اواخر بهمن‌ماه برخی منابع گزارش دادند پس از سفر معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی سختگیری امارات برای حواله درهم به ایران افزایش پیدا کرد و ابوظبی و دویب ضوابط بانکی برای شرکت‌های تازه‌تأسیس در امارات را بیشتر کردند. همان شرکت‌های که به واسطه آنها جمهوری اسلامی تحریم‌ها را دور می‌زند.

به گزارش وبسایت «تحلیل بازار» این محدودیت‌ها مربوط به توافق وزارت خزانه‌داری آمریکا با عربستان و امارات در رابطه با مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. در چنین شرایطی بسیاری از شرکت‌های ایرانی و همچنین شرکت‌های خارجی مرتبط با اقتصاد ایران، بجای امارات مجبور شده‌اند از طریق ترکیه، عمان و مالزی با شرکت‌های ایرانی معامله کنند.

بعد از زمین‌لرزه فاجعه‌بار ترکیه اما خروج ارز از ترکیه به ایران نیز با محدودیت‌های زیادی روبرو شده است. آمریکا همچنین دولت عراق را برای انتقال ارز به ایران زیر فشار

● پس از پیوستن امارات متحده عربی به «پیمان ابراهیم» رهبر جمهوری اسلامی گفت امارات به جهان اسلام خیانت و پای اسرائیل را به منطقه باز کرد اما به نظر می‌رسد گشودن کانال‌های ارزی آنقدر حیاتی است که که نظام دست به دامان «خائن‌ان جهان اسلام» شود.

● امارات یکی از اصلی‌ترین راه‌های ورود ارز به بازار ایران است. هرچند بانک‌های امارات با وجود تحریم‌ها و نظارت شدید وزارت خزانه‌داری آمریکا تبادلات ارزی و پولی مستقیم با ایران ندارند اما صرافی‌های امارات و شرکت‌های واسطه فعال در آن نقش حیاتی در دور زدن تحریم‌ها به نفع جمهوری اسلامی و انتقال پول به ایران داشته و دارند.

● پس از امضای توافق امنیتی با عربستان سعودی با میانجیگری جمهوری خلق چین و فرستادن هیأت دیپلماتیک به بحرین، گزارش شده علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی به ابوظبی می‌رود تا در مورد روابط دو جانبه و منطقه‌ای با اماراتی‌ها گفتگو کند.

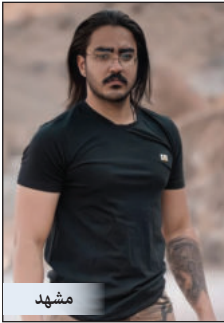
● یکی از دلایل اصلی افزایش قیمت ارز در ایران اعمال محدودیت‌ها در حواله درهم و دلار از امارات به ایران است. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند که نظام با جنگ تمام‌عیار ارزی روبروست و تمرکز بر تاب‌آوری مردم با هدف سرنگونی نظام است.

● چرخش‌ها و عقب‌نشینی‌های جمهوری اسلامی از «اصول» همزمان یک زنگ خطر هم برای امنیت اسرائیل و هم اپوزیسیون دموکراسی‌خواه حکومت ایران است: جمهوری اسلامی برای بقا تن به هر کاری می‌دهد.

حامد محمدی- پس از پیوستن امارات متحده عربی به «پیمان ابراهیم» رهبر جمهوری اسلامی گفت امارات با خیانت به جهان اسلام پای اسرائیل را به منطقه باز کرد. با اینهمه به نظر می‌رسد گشودن کانال‌های ارزی و تلاش برای تأمین مالی آنقدر حیاتی است که نظام از ادعاهای خود عقب‌نشینی کرده و به «خائن‌ان جهان اسلام» روی آورد. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ «عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی» را یک «لکه ننگ» بر پیشانی کسانی خواند که فلسطین را فراموش کرده‌اند. وی مدعی شد «این وضعیت دیری نخواهد پایید.» در همان مقطع علی باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز هشدار داد «امارات در ارتباط خود با رژیم صهیونیستی تجدید نظر کند و چنانچه امنیت ملی جمهوری اسلامی دچار خدشه هرچند اندک شود ما آن را از چشم امارات متحده عربی می‌بینیم و تحمل نخواهیم کرد.»

یادنامه انقلاب ملی ایران

هزاران شهروند در جریان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ آماج گلوله‌های مأموران جمهوری اسلامی در خیابان‌ها قرار گرفتند و یا به «جرم» آزادیخواهی و اعتراض علیه شرایط موجود، زندانی و شکنجه و حتا به اعدام محکوم شدند. چهار تن از آنان: محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمد مهدی کریمی و محمد (کیان) حسینی به چوبه دار سپرده شدند. آمار دقیقی از شمار کشته‌شدگان در دست نیست. **کیهان لندن** با انتشار نام و عکس شمار اندکی از آنان، یاد همه جانب‌اختگان راه آزادی میهن را گرامی می‌دارد.



مشهد

مجیدرضا رهنورد



تهران

محسن شکاری



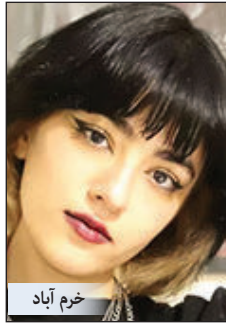
اشتهارد

محمد مهدی کریمی



کرج

محمد حسینی



خرم آباد

نیکا شاکرمی



سقز

مهسا امینی



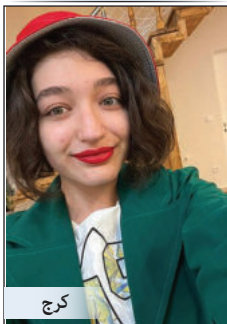
کرج

حدیث نجفی



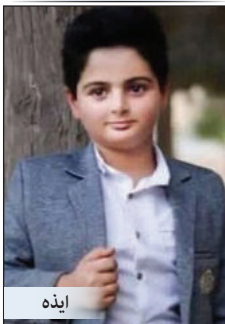
تهران

حمیدرضا روحی



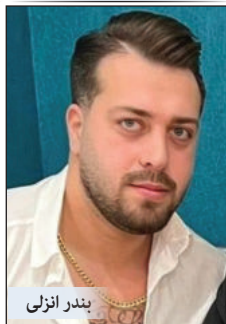
کرج

سارینا اسماعیل زاده



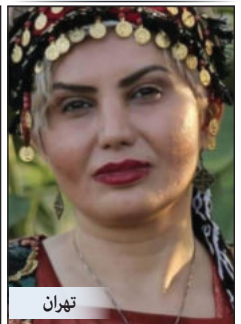
ایذه

کیان پیرفلک



بندر انزلی

مهران سماک



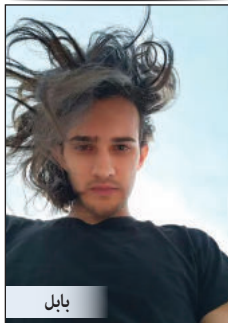
تهران

نسرین قادری



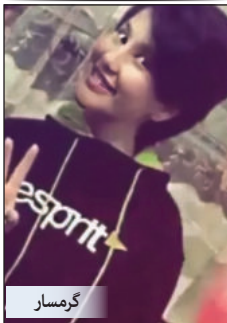
اصفهان

مهسا موگویی



بابل

محمدحسن ترکمان



گرمسار

ستاره تاجیک



ارومیه

نسیم صدقی



آمل

غزاله چلابی



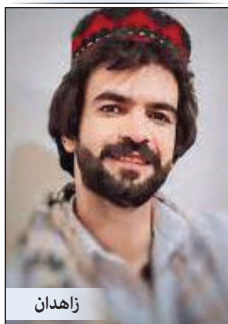
بابل

میلاد زارع



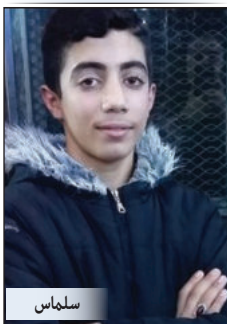
سقز

دانیال پابندی



زاهدان

خدانور لجه‌ای



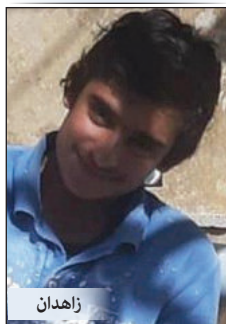
سلهاس

نیما شفیق دوست



مشهد

ابوالفضل آدینه زاده



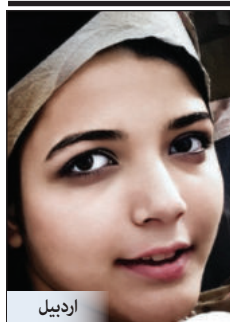
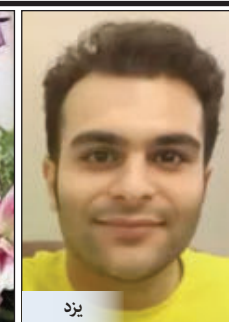
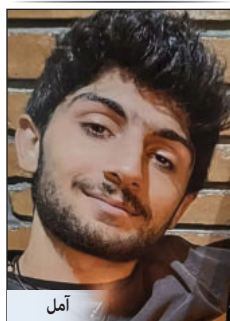
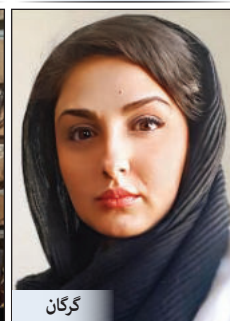
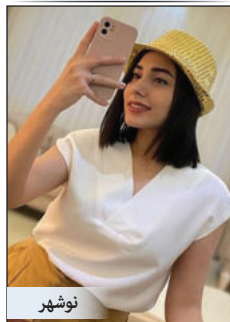
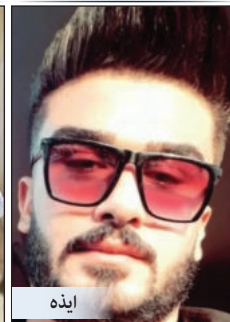
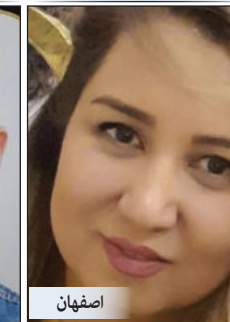
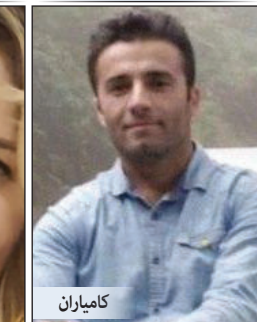
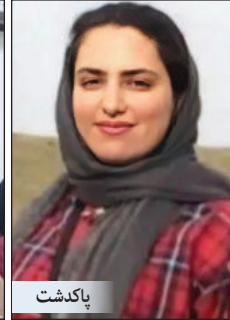
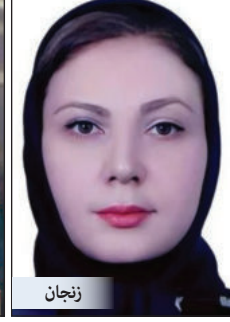
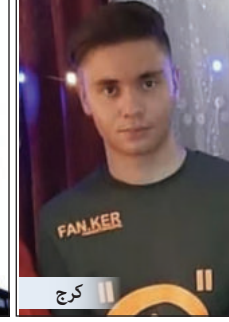
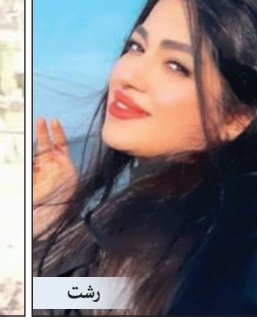
زاهدان

محمد اقبال نائب زهی



سنندج

یحیی رحیمی

 اردبیل	 اراک	 اهواز	 یزد	 ارومیه	 قصر شیرین
عرفان رضایی	مهرشاد شهیدی	عاطفه نعمای	مهدی زارع	شورش نیکنام	مینو مجیدی
 آمل	 گرگان	 شیراز	 لاهیجان	 سقز	 ملکان
عرفان رضایی	آیدا رستمی	امید مؤیدی زارع	عرفان زمانی	فریدون محمودی	آیلار حق
 نوشهر	 ایده	 پیرانشهر	 تهران	 اصفهان	 کامیاران
حنانه کیا	حامد سلحشور	کاروان قادرشاکری	محمدرضا سروری	شیرین علیزاده	برهان کرمی
 مهاباد	 پاکدشت	 تهران	 کرمانشاه	 قروه کردستان	 پیرانشهر
فرشته احمدی	بهناز افشاری	آرنیکا قائم مقامی	سینا نادری	نگین عبدالمملکی	کومار درافتاده
 اهواز	 زنجان	 کرج	 سنندج	 رضوان شهر	 رشت
عماد حیدری	پریسا بهمنی	نیما نوری	سارینا ساعدی	ساسان قربانی	مائده جوانفر



احمد احرار



(۱۴۰۱-۱۳۱۳)

«نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته»
وی در مطبوعات دهه پنجاه
خورشیدی کشور حضوری شاخص
داشت و پس از مهاجرت، سردبیر
کیهان لندن نسخه چاپی بود که
هم با اسم خودش و هم با نام‌های
مستعار مانند «خیراندیش» و
«حکیم حق‌نظر» هر هفته در
کیهان لندن مطلب می‌نوشت.

به یادماندگان

در سال ۱۴۰۱ نیز شماری از شخصیت‌های پیشین کشوری
و لشکری، فعالان بخش صنعت و تجارت، استادان ایرانی
دانشگاه‌های داخل و خارج کشور، چهره‌های سرشناس عرصه
هنر، ادبیات، سینما و تأثر در ایران و دیگر نقاط جهان، روی
در نقاب خاک کشیدند. اگر چه ذکر نام همه آنان مقدور نیست
ولیکن **کیهان لندن** به همان میزان که مقدور است به رسم
دیرین، یاد این انسان‌های سختکوش، فرهیخته، وطن‌پرست
را گرامی می‌دارد و با استفاده از فرصت، به بستگان و دوستان
آنان تسلیت می‌گوید.

هاله افشار



(۲۰۲۲-۱۹۴۴)

هاله افشار عضو مجلس اعیان
بریتانیا، استاد کرسی علوم
سیاسی و حقوق زنان دانشگاه
یورک و خبرنگار کیهان
بین‌المللی در ایران پیش از
شورش ۵۷ بود. وی فرزند
حسن افشار، استاد سابق حقوق
دانشگاه تهران و نماینده مجلس
شورای ملی است.

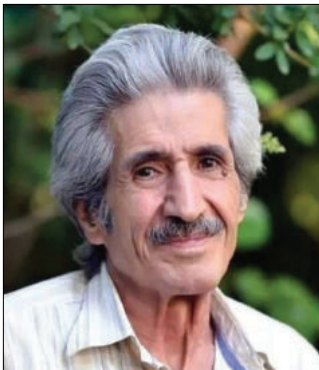
پرویز قاضی سعید



(۱۴۰۱-۱۳۱۸)

«پیشگام جنبانی نویسی در ایران»
قاضی سعید از نظر سیاسی به
شدت مخالف انقلاب اسلامی
و نظام کنونی بود و در کیهان
لندن با نام هنری «کچل»
و روزنامه‌های فارسی‌زبان
مانند «عصر امروز» به عنوان
نویسنده و تحلیلگر سیاسی
مطالبی منتشر کرده است.

محمدعلی شیرازی



(۱۴۰۰-۱۳۰۶)

شاعر «سلطان قلب‌ها»
محمدعلی شیرازی از نخستین
ترانه‌سرایان موسیقی پاپ ایران
بود و بیشترین ترانه‌های وی برای
آهنگ‌هایی سروده شد که ویگن
خواننده محبوب و نامدار ایران
آنها را اجرا کرد. از میان همه
سروده‌های وی «سلطان قلب‌ها»
مشهورترین است.

جلال مقامی



(۱۴۰۱-۱۳۲۰)

مجری «دیدنی‌ها»
جلال مقامی فعال و پیشکسوت
عرصه دوبله بود که سه نسل با
صدا و تصویرش خاطره داشتند.
صدای محبوب این هنرمند پیش
از همه بر چهره رابرت ردفورد
نشسته است. وی حدود یک دهه
آخر عمر خود را از فعالیت هنری
دست کشید و خانه‌نشین شد.

دکتر حسن کیانزاد



(۱۴۰۱-۹)

سخنگوی شاخه برون مرزی
«حزب پان ایرانیست»
وی سخنگوی شاخه برون مرزی
«حزب پان ایرانیست» بود که
پنج دوره عضویت هیات امنای
«نهاد مردمی» را داشتند و از
سال ۲۰۱۶ به ریاست دائمی
و افتخاری هیات امنای «نهاد
مردمی» برگزیده شدند.

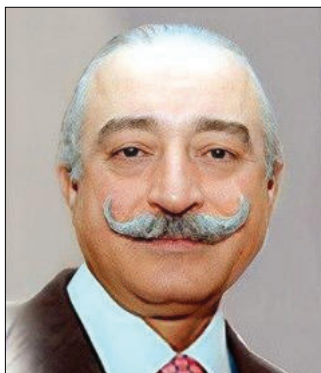
رضا تهرانیچی



(۱۴۰۱-۱۳۰۲)

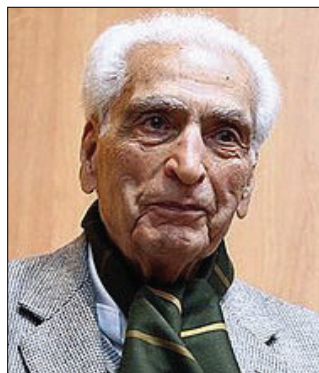
بنیانگذار کارخانه معروف و
قدیمی «ویتانا»
رضا تهرانیچی تولیدکننده‌ی
بیسکویت «مادر» یکی از
پیشروترین کارآفرینان پیش
از انقلاب اسلامی در ایران در
حوزه صنعت غذایی کشور و از
برندگان نشان «امین‌الضرب»
بود.

بهروز صوراسرافیل



(۱۴۰۱-۱۳۲۹)
«روزنامه‌نگار و همکار قدیمی
کیهان لندن»
این روزنامه‌نگار پرشور
و آزادخواه و به شدت
مخالف جمهوری اسلامی در
لس آنجلس به اجرای برنامه‌های
تند براندازی و روشنگری و
مبارزه با رژیم اسلامی در ایران
در چند رسانه ادامه داد.

محمدعلی اسلامی ندوشن



(۱۴۰۱-۱۳۰۳)
«ایران‌شناس و ادیب نامدار و
برجسته»
وی نویسنده، مترجم، حقوقدان
و پژوهشگر جزو پرکارترین
ادیبان و نویسندگان ایران بود
که مضمون آثارش درباره ایران،
شاهنامه، فردوسی، مولوی،
حافظ، انسان، عشق، آزادی و
فرهنگ بود.

سید جواد طباطبایی



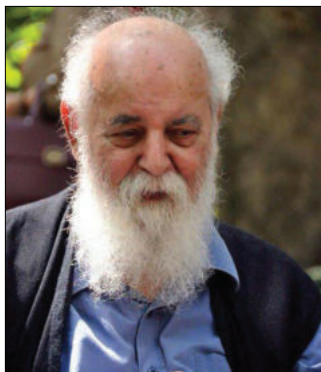
(۱۴۰۱-۱۳۲۴)
«فیلسوف ایرانشهر»
جواد طباطبایی از اندیشمندان
ایرانگرا و در عرصه علمی
جهان شناخته شده بود. «تاریخ
اندیشه سیاسی در ایران»،
«زوال اندیشه سیاسی در ایران»،
«خواجیه نظام الملک طوسی» و
«ابن خلدون و علوم اجتماعی» از
مهم‌ترین آثار او به شمار می‌روند.

رضا حقیقت‌نژاد



(۱۴۰۱-۱۳۵۶)
«روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی»
رضا حقیقت‌نژاد که از سال
۱۳۹۸ با «رادیو فردا» همکاری
می‌کرد مقالات مهمی درباره
فساد گسترده در نظام جمهوری
اسلامی و دستگاه‌های زیر نظر
علی خامنه‌ای رهبر جمهوری
اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی منتشر کرد.

امیر هوشنگ ابتهاج



(۱۴۰۱-۱۳۰۶)
امیر هوشنگ ابتهاج با نام
هنری «ا.ه. سایه» شاعر و
پژوهشگر بیش از هفت دهه
در حوزه شعر و ادبیات فارسی
فعالیت می‌کرد و در سال‌های
۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خورشیدی
مسئول بخش موسیقی رادیو
ملی ایران و سرپرست برنامه
معروف «گلها» بود.

مسعود اسداللهی



(۱۴۰۱-۱۳۲۳)
کارگردان فیلم «همسفر»
اسداللهی آثار محبوب و
پرمخاطبی چون «همسفر»
(۱۳۵۴) و «علی کنکوری»
(۱۳۵۲) را با بازی گوگوش و
بهروز وثوقی و سریال معروف
«طلاق» را کارگردانی کرد
که حتی پس از انقلاب نیز با
استقبال مخاطبان روبرو بوده‌اند.

یار علی پورمقدم



(۱۴۰۰-۱۳۱۷)
«نمایشنامه و داستان‌نویس»
یار علی پورمقدم در مهرماه سال
۱۳۶۰ کافه شوکا را در مرکز خرید
گاندی باز کرد و نمی‌دانست که
این کافه در تهران پاتوقی خواهد
شد برای هنرمندان و دوستداران
فرهنگ و هنر و نام آن در خاطره
جمعی اهالی فرهنگ برای همیشه
جاودان خواهد ماند.

دکتر ایرج وحیدی



(۱۴۰۱-۱۳۰۶)
«وزیر پیشین وزارت کشاورزی»
ایرج وحیدی به پاس خدمات
خود به کشور نشان‌های مختلفی
چون درجه یک فرهنگ، درجه
۲ اصلاحات ارضی، درجه ۱ و
۳ همایونی، درجه ۱ آبادانی و
پیشرفت، نشان طلای شهر
تهران، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و
تاجگذاری دریافت داشت.



بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب متنوع فرهنگی، ادبی و هنری در سال ۱۳۷۷ شمسی به کتابخانه مجلس که لوح تقدیری به همین منظور به وی اهدا شد.

کتاب ها و تالیفات وی عبارتند از: (۱۹۸۵-۱۹۹۰-۱۹۹۱ احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی در ۳ جلد)، (۱۹۸۹ اسناد و فرامین منتشر نشده قاجاری)، (۱۹۹۹ اجازت نامه)، (۲۰۰۰ قلمدان)، (۲۰۰۱ میرعماد حسنی)، (۲۰۰۲ یادواره شهر خوی)، (۲۰۰۶ مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایران)، (۲۰۰۷ اسناد متفرقه قدیمی مربوط به ایران)، (۲۰۱۰ احوال و آثار حاجی محمد هروی یا محمد سیاه قلم، مبتکر شیوه سیاهیسم).

او در طول حیات پرغرش با بخش عظیمی از نامداران و محققان فرهنگ و هنر ایران آشنا گردید و آشنایی و ارتباطشان به دوستی صمیمانه‌ای تبدیل شده بود. از جمله دوستان فرهیخته ایشان، استاد محمود فرشچیان هنرمند بزرگ مینیاتور، شادروانان دکتر احسان یارشاطر، دکتر مهدی بیانی، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر ایرج افشار، دکتر سیروس آموزگار و استاد بزرگوار دکتر جلال متینی و ایران شناسان و محققان معتبر خارجی، Professor Basil William Robinson، Professor Bert G Fragner، Professor Basil Gray از دوستان صمیمی ایشان بودند که همواره در ارتباط و تبادل نظر فکری مراوده داشتند.

کریم زاده تبریزی در روز تولد ۱۰۰ سالگی خویش به دریافت کارت تبریک سلطنتی از طرف ملکه الیزابت دوم بریتانیا نائل آمدند. همچنین پیام شادباشی از طرف علیاحضرت فرح پهلوی، شهبانوی ایران دریافت کردند که ایشان را بسیار خرسند و مسرور ساخته بود.

در پایان روحشان شاد و یادشان گرامی که نکونام همواره ابدی، جاودانه و به یاد ماندنی است.



آباد تأسیس کرد. ایشان در دوران حیات خویش، همزمان با تعلیم و تربیت فرزندان میهن، تحقیقات گسترده خویش را در زمینه تاریخ، فرهنگ و هنر ایران ادامه و موفق به جمع آوری کتاب‌های متنوع و بی‌شماری در رابطه با فرهنگ و هنر ایران شد که در کتابخانه خصوصی خود نگهداری می‌نمود.

علیاحضرت شهبانو فرح پهلوی در سال ۱۳۴۸ از کتابخانه خصوصی آثار تاریخی و هنری ایشان در ایران بازدید نمودند. پس از اقامت در انگلیس، تمامی اوقات خود را به تحقیقات در زمینه نویسندگی و اطلاع رسانی راجع به تاریخ و فرهنگ و هنر ایران اختصاص داد و کتاب و مقالات ویژه‌اش مورد احترام و از شهرت بین المللی برخوردار شد.

محمدعلی کریم زاده تبریزی، در امتداد تلاش برای ارتقاء آشنایی ملت ایران با گنجینه‌های بی‌همتای هنری این سرزمین، قسمتی عظیم از کتابخانه خصوصی هنری و تاریخی خود را به موزه و کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران اهدا کرد تا در دسترس عموم هنردوستان و ایران شناسان قرار گیرد. (اهدای

بیوگرافی استاد محمد علی کریم‌زاده تبریزی

طلوع ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۱

غروب ۳ اسفند ۱۴۰۱

محمد علی کریم زاده تبریزی در سال ۱۳۰۱ در شهر هنرپرور تبریز به دنیا آمد و در سه سالگی به همراه والدین خود عازم شهر پرآوازه خوی، محل تولد شمس تبریزی نامدار شد و در آنجا زندگی خود را با خاطراتی بسیار خوش و عطرآگین ادامه داد که بعدها در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) در انگلستان، کتاب بسیار نفیس خود به نام "یادواره شهر خوی" را به آن اختصاص داد. پدر وی کارمند فرهنگ بود و مادرش انسانی بسیار فداکار و انسان دوست. تحصیلات اولیه و ابتدایی خود را در مدرسه فردوسی و دبیرستان خسروی به اتمام رساند. از کودکی شیفته هنر خطاطی، نقاشی و کاردستی بود. در سن ده سالگی، فانوس بسیار خوش طرحی را برای پدر بزرگوارش ساخت که در رفت و آمد شبانه او بسیار مورد استفاده و خوشنودی‌اش بود.

کریم زاده تبریزی اکثر تکالیف مدرسه اش را با خطاطی زیبایش می نوشت و هنری در کنارش ترسیم و در قاب شیشه‌ای تقدیم آموزگار خود می کرد. در سن ۱۶ سالگی، در ارکستر مجهز دبیرستان خسروی با تارگی که خود ساخته بود، هنرنمایی کرد. علاقه ایشان به موسیقی و موسیقی کلاسیک، سبب شد که بعدها در اوایل دهه ۱۳۴۰ همکاری خود را با "رادیو تلویزیون آموزشی" ادامه و برنامه ویژه خود را به نوابغان موسیقی اختصاص دهد. همزمان با این برنامه، تعلیم هنر و تاریخ هنر را هم در برنامه‌ای ویژه در آن تلویزیون ارائه می داد. در سال ۱۳۱۹ در دبیرستان خسروی، مدال و کارت افتخار هنر را دریافت و پس از اتمام تحصیلات دبیرستان در سال ۱۳۲۰ عازم تهران و در دانشسرای مقدماتی این شهر در رشته تعلیم و تربیت ثبت نام نمود. در سال ۱۳۲۳ نائل به درجه لیسانس گردید تا در خدمت معلمی، ایفای وظیفه کند.

سپس به سربازی اعزام و در دانشکده افسری رضائیه با درجه ستوان یکمی خدمت خود را به پایان رساند. کتابچه‌های نفیس و هنرمندانه‌ای با خطوط زیبا و ترسیمات ویژه در ایام سربازی، جزو عزیزترین آثار از این دوره زندگی‌اش شد.

سپس، بعد از اتمام خدمت، سال‌ها به شغل معلمی در مدارس و از جمله مدرسه تمدن و دانشسرای مقدماتی تهران اشتغال داشت و همزمان تحصیلات ایران شناسی خود را ادامه داد. در سال ۱۳۲۹، ۱۶ آموزگار برای مدیریت مدرسه نمونه و مدرن به سبک آمریکایی اصل چهار برگزیده شدند که در یک دوره آموزشی در آمریکا شرکت نمایند. محمد علی کریم زاده و یاران او روان‌شادان دکتر بنی احمد، دکتر اکرامی، دکتر مجتهدی، دکتر بیرشک، دکتر بهشتی و استادان تعلیم و تربیت نوین ایران، یمینی شریف، مافی و سریع‌القلم از جمله منتخبان، همکاران و بنیانگذاران مدارس نوین این دوره بودند. در سال ۱۳۳۴، اولین مدرسه خصوصی و نمونه علم و هنر خود را تأسیس نمود. در سال ۱۳۳۷ با همسر، همکار و مشوق عزیزش، شادروان بانو پروانه خطیبی ازدواج کرد که هم‌ره آن دو پسر، یک دختر و دو نوه است.

در سال ۱۳۴۳ دومین مدرسه نمونه خود را به نام " ایران

کیهان لندن منتشر کرد:



پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

باید آن را خرج هزینه‌هایی همچون خوراک و اجاره مسکن کنند دیگر سرمایه‌ای برای به گردش درآوردن در بازار پوشاک نخواهند داشت.»

قیمت شلوار جین مردانه از ۴۰۰ هزار تومان آغاز می‌شود و به دو میلیون تومان هم می‌رسد. اما رصد وبسایت‌های فروشگاه‌های پوشاک نشان می‌دهد، برخی از شلوارهای ایرانی جین مردانه حتی با قیمت شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در حال فروش است.

شلوار جین مردانه ترک حتی با قیمت ۱۱ میلیون و ۲۳۰ هزار تومان در حال عرضه است. این شلوارها در حالی به فروش می‌رسند که واردات رسمی پوشاک ممنوع است و طبیعتاً لباس خارجی در زمره کالاهای قاچاق قرار می‌گیرد. قیمت کفش رسمی مردانه و زنانه با چرم مصنوعی نیز بین ۳۵۰ هزار تا یک میلیون تومان است. قیمت این کفش با چرم طبیعی به بیش از دو میلیون تومان می‌رسد.

قیمت کت و شلوار مردانه نیز از سه میلیون تومان آغاز می‌شود و متناسب با کیفیت دوخت، جنس پارچه و نوع برند تا ۲۰ میلیون تومان نیز می‌رسد. مانتو زنانه در فروشگاه‌های لباس حداقل ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد و تا بالاتر از نرخ ۱.۵ میلیون تومان به فروش می‌رسد. خرید مانتو از مزون نیز بیش از دو میلیون تومان آب می‌خورد. کیف زنانه نیز بسته به جنس و برند آن بین ۳۰۰ هزار تا دو میلیون تومان در فروشگاه‌های سطح شهر در حال فروش است.

قیمت آجیل و شیرینی هم متأثر از تورم بوده و حالا حتی آجیل و شیرینی نیز خریدار چندانی ندارد. قیمت پسته طی ماه گذشته به کیلویی یک میلیون تومان رسید.

علیرضا حصیمیان دبیر اتحادیه آجیل و خشکبار اصفهان با بیان اینکه قیمت انواع آجیل و خشکبار به دلیل کاهش تولید و تورم نسبت به سال گذشته دو برابر شده است. او گفته بطور مثال تخمه ژاپنی سال گذشته کیلویی ۷۰ هزار تومان بود، ولی هم اکنون کیلویی ۲۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

بسیاری از خریداران دیگر اقلامی مانند پسته و فندق و بادام را خریداری نمی‌کنند و چند صد گرم یا یک کیلو آجیل مخلوط خریداری می‌کنند.

به گفته علیرضا حصیمیان «سال گذشته ارزان‌ترین آجیل کیلویی ۱۴۰ تومان بود، ولی امسال آجیل از کیلویی ۲۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا کیلویی ۳۵۰ هزار تومان و بیشتر قیمت می‌خورد. توجه داشته باشید اگر نخودچی و کشمش روی هر آجیلی بریزید قیمت را کاهش می‌دهد.» وبسایت «مشهدچهره» در گزارشی از یک آجیل‌فروشی این شهر با سابقه بیش از صد سال، نوشته که «با وجودی که چند روز بیشتر به عید نمانده است مغازه خلوت و تک و توتک مشتری‌هایی که به مغازه وارد می‌شوند با براندازکردن قیمت آجیل مردرد در خریدکردن هستند.»

بازار میوه نیز از مدت‌ها پیش با افزایش پرسرعت قیمتها روبرو بوده و اکنون اکبر پوری عضو هیئت مدیره اتحادیه بارفروشان گفته: «میوه گران است و قدرت خرید مردم ضعیف شده و مجبورند میوه را دانه‌ای بخرند.»

او افزوده که «بار میوه روی دست بارفروشان مانده» و «بیشتر از پنج هزار تن میوه در میدان موجود است و کسی هم میوه نمی‌خرد.»

اکبر پازوکی رییس اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی تهران هم گفته که «هرچند در ایام پایانی سال بسر می‌بریم و بطور معمول باید رونقی در شب عید شاهد باشیم، اما به دلیل بالا بودن قیمت‌ها و همچنین پایین بودن قدرت خرید مردم، رکودی عمیق و سنگین حاکم است.»

بازار بی‌مشتري و بی‌رونق شب عید در ایران



بازهم مردم استقبال از خرید کفش نمی‌کنند. او افزوده که «این روزها حراج‌های بی‌مشتري در بازار کفش به دلیل رکود بی‌سابقه و افزایش قیمت دلار و گرانی ۴۰ درصدی قیمت تمام شده مشاهده می‌شود. اینها تبعات سنگینی بر اقتصاد این بخش از بازار داشته که مهمترین آن، ورشکستگی تولیدکنندگان و فروشندگان این محصول است.»

به گفته این فعال صنفی «کفش‌های به‌ظاهر ارزان به بازار مصرف آمده که عمدتاً از جنس‌های درجه ۳ و ۴ چینی تولید شده است و زمان استفاده از این کفش‌ها بیش از یکی دو ماه نخواهد بود؛ همین موضوع باعث افزایش هزینه سبد خانوارها شده است.»

در بازار پوشاک نیز وضعیت مشابهی حکمرماست و قیمت انواع پوشاک طی ماه‌های گذشته دستکم ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش داشته است. مجید افتخاری عضو هیئت مدیره اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران با تأکید بر رکود بازار پوشاک در آخرین روزهای سال گفته مهمترین دلیل افزایش قیمت پوشاک به دلیل افزایش قیمت ارز و گرانتر شدن مواد اولیه بوده است. او همچنین قطع گسترده برق و گاز بخش صنعتی طی ماه‌های گذشته را از دیگر دلایل افزایش قیمتها دانسته و گفته که «این وضعیت تعطیلی واحدها، منجر به افزایش هزینه‌های تولید شد.»

روزنامه «مردم‌سالاری» هم گزارش داده که «قاچاقچیان بازار پوشاک شب عید را به انحصار خود درآوردند و دیگر تولیدکنندگان جایی برای عرضه ندارند. در عین حال برای خرید از همین بازار پر از محصول قاچاق خرید یک دست لباس حداقل ۱.۵ میلیون تومان آب می‌خورد. بدین صورت یک خانوار چهار نفره تنها برای خرید یک دست لباس برای هر یک از اعضا دست کم به شش میلیون تومان سرمایه نیاز دارد.»

بر اساس این گزارش «اگر ازدحامی هم در جمعیت به چشم بخورد؛ دست‌ها خالی‌اند. چراکه با توجه به قیمت‌های موجود و سایر مخارج زندگی، جیب‌ها خالی مانده‌اند. حقوق‌بگیرانی که به محض دریافت دستمزد خود

در شرایطی که خانوارها حتی از خرید مواد غذایی کافی نیز ناتوان هستند و سفره‌هایشان هر هفته و هر ماه کوچکتر می‌شود خرید کفش و لباس و دیگر اقلام سال نو از سبد خرید بسیاری از آنها حذف شده است.

یک فروشنده کفش: گرانی تولید کفش باعث بی‌رونقی در این بازار شده است، از این رو کسبه خیلی زودتر از سنوات گذشته اقدام به حراج خارج فصل کرده اند، اما بازهم مردم استقبال از خرید کفش نمی‌کنند.

قیمت آجیل و شیرینی هم متأثر از تورم بوده و حالا حتی آجیل و شیرینی نیز خریدار چندانی ندارد. قیمت پسته طی ماه گذشته به کیلویی یک میلیون تومان رسید.

بازار شب عیدامسال متأثر از تورم و انفجار قیمت‌ها و درآمدهای بی‌ارزش خانوارها یکی از بی‌رونق‌ترین بازارها در سال‌های اخیر به شمار می‌رود.

دو هفته مانده به نوروز بازارهای ایران بی‌رونق و حتی بی‌مشتري سال ۱۴۰۱ را به پایان می‌رسانند. در سال‌های گذشته سبد خرید خانوارها در ایران مدام در حال کوچک شدن بوده و امسال بدتر از همه است. مرکز آمار ایران و بانک مرکزی در آمارهایی جداگانه از تورم بالای ۵۰ درصد خبر داده‌اند و در آنسو به دلیل کاهش شدید ارزش پول ملی، ارزش واقعی درآمد خانوار نیز کاهش چشمگیری پیدا کرده است. اینهمه، فاصله میان درآمد و هزینه‌ها را برای اکثر خانوارهای کشور افزایش داده است. درآمد بی‌ارزش خانوارهای قشر متوسط و کم‌درآمد حتی برای دو هزینه ضروری مواد خوراکی و اجاره‌خانه هم کافی نیست.

سبد معیشت خانوارهای کارگری بر اساس داده‌های آماری بهمن ۱۴۰۱ (داده‌های رسمی مرکز آمار ایران) و با اتکا به سبد خوراکی‌های حداقلی خانوار، نزدیک به ۱۸ میلیون تومان برآورد شده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند هزینه سبد معیشت یک خانوار چهار نفره ماهانه در تهران ۳۲ میلیون تومان و در شهرهای بزرگ ۲۰ میلیون تومان است. این در حالیست که درآمدهای اقشار کارگری، بازنشسته و بسیاری از کارمندان دولت در نهایت به ۱۰ میلیون تومان در ماه می‌رسد؛ به بیان دیگر این اقشار که دست‌کم دو سوم از جمعیت ایران را شامل می‌شوند همواره ماه خود را با تراز منفی آغاز می‌کنند!

در شرایطی که خانوارها حتی از خرید مواد غذایی کافی نیز ناتوان هستند و سفره‌هایشان هر هفته و هر ماه کوچکتر می‌شود خرید کفش و لباس و دیگر اقلام سال نو از سبد خرید بسیاری از آنها حذف شده است.

گزارش‌ها از بازارهای ایران نیز حکایت از رکودی بی‌سابقه در بازار شب عید ایران دارد. وبسایت «اقتصاد۲۴» در گزارشی به رکود بازار کفش در تهران پرداخته و نوشته قیمت‌های عجیب میلیونی یک جفت کفش باعث نگرانی خریداران شده است چرا که توان خرید آن را ندارند و همین موضوع باعث شده که کمتر فروشگاه‌های در بازار کفش از فروش روزانه خود رضایت داشته باشد و صاحبان این فروشگاه‌ها به دنبال راهی جهت پاس کردن چک‌های مغازه‌های خود هستند.

یکی فروشندگان کفش در خیابان سپهسالار تهران که بورس فروش کفش و کیف است گفته که «گرانی دلار دلیل اصلی افزایش ۴۰ درصدی قیمت مواد اولیه (چرم، فوم، چسب و...) شده و ما نیز در سال جاری با ضرر و زیان مواجه شده‌ایم.»

به گفته این فعال بازار کفش، گرانی تولید کفش باعث بی‌رونقی در این بازار شده است، از این رو کسبه خیلی زودتر از سنوات گذشته اقدام به حراج خارج فصل کرده اند، اما

تداوم خیزش ملی در چهارشنبه سوری؛ از رقص و روسری سوزی تا شعار «جاوید شاه»: مردم مرعوب سرکوب‌ها نشده‌اند



چهارشنبه سوری؛ ۲۳ اسفند ۱۴۰۱

در تهران تعدادی از مردم در مقابل منزل حمیدرضا روحی تجمع کردند. او در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ در محله شهرزیا توسط نیروهای حکومتی کشته شد. اغلب آنهایی که به یاد او در مقابل خانه‌اش جمع شده بودند جوانانی هم سن و سال خودش بودند.

ویدئوهای زیادی از رقص و شادی مردم دور بوته‌های آتش بدون حجاب منتشر شد. دختران روسری سوزاندند و در بعضی شهرها دختر و پسر در گروه‌های کوچک و بزرگ قاشق‌زنی کردند و ترانه‌های نوروزی خواندند و به پایکوبی پرداختند. آمار دقیق تعداد بازداشتی‌ها مشخص نیست اما مقامات نیروهای انتظامی گفته‌اند در تهران ۸ نفر به اتهام «تخریب اموال عمومی» بازداشت شدند. در بعضی شهرها پلیس ماشین‌هایی را توقیف کرد که با صدای بلند از آنها موزیک پخش می‌شد و جوانان در محل توقف ماشین‌ها رقصیده بودند!

ویدئوهایی نیز منتشر شده که نشان می‌دهد تعدادی از مردم به سراغ پایگاه‌های بسیج رفته‌اند و به سوی آنها ترقه و آتش پرتاب کرده‌اند. برخی در شهرها و محلات مختلف پرچم جمهوری اسلامی و تصاویر علی خامنه‌ای و بنرهای قاسم سلیمانی را به آتش کشیدند.

چهارشنبه سوری امسال در حال و هوای انقلاب ملی ایران برگزار شد و انتظار می‌رود در ادامه سه روز اعتراضات و «آتش‌بازی» که از چندی پیش در شبکه‌های اجتماعی اعلام شده بود، امروز ۲۴ اسفند نیز همزمان با زادروز و ۱۴۵ سالگی رضاشاه بزرگ بنیانگذار ایران نوین نیز تجمعات و اعتراضات شایانه ادامه یابد.

اینهمه در حالیست که با فروکش کردن اعتراضات خیابانی در پی سرکوب وحشیانه توسط حکومت و بازداشت دست‌کم ۲۲ هزار نفر و کشته شدن حدود ۶۰۰ نفر از معترضان و اجرای احکام اعدام، مقامات ادعا کرده بودند تظاهرات را مهار کرده و همه چیز آرام و تحت کنترل است. حتا احمد خاکی امام جمعه تهران ادعا کرده بود «خدا آتش اعتراضات را خاموش کرد!» اما حضور گسترده مردم در چهارشنبه سوری بار دیگر نشان داد که ادعاهای حکومت بی‌اساس است و جامعه در هر فرصتی که بتواند نارضایتی و عزم خود را علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی به نمایش می‌گذارد.

دست به اقدامات وحشیانه زدند. برخی منابع می‌گویند نیروهای امنیتی به دلیل شرایط خاص چهارشنبه سوری دستور داشتند تا جای ممکن از اصطکاک با مردم خودداری کنند. تمام یگان‌ها از جمله گردان‌های امنیتی سپاه پاسداران در حالت «آماده‌باش» بودند اما بر حسب سابقه چون ریسک برخورد با مردم در این روز زیاد بود عقب نگه داشته شدند. در فضایی که با شور و شادی و اعتراض شکل گرفت، شرایط برای نیروهای امنیتی اصلاً عادی نبود.

همزمان با وجود اینکه اینترنت مختل شده بود و در بعضی شهرها چند ساعت بطور کل قطع بود اما با تأخیر نیز ویدئوهای زیادی از حضور گسترده مردم در خیابان‌های شهرهای مختلف منتشر شد.

ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده نشان می‌دهد مأموران ضدشورش در گوشه‌ای از خیابان جمع شده و نظاره‌گر تجمعاتی هستند که در آن مردم شعارهای ضدحکومتی سر می‌دادند.

برخی می‌گویند حضور پلیس در خیابان‌ها کمتر بود اما تعداد لباس‌شخصی‌ها خیلی زیاد بود. «نگ ما، ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «مرگ بر حکومت بچه‌گش»، «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی»، «مرگ بر خامنه‌ای» از شعارهایی بود که مردم در شهرهای مختلف سر دادند.

در هیدج زنجان مردم شعار «جاوید شاه» و در مناطقی از جنوب شهر تهران از جمله سی متری «جی» شعار «رضا شاه، روح شاه» سر دادند. در کرج نیز در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی شماری از مردم شعار دادند «ایران شده آماده، فرمان بده شاهزاده».

اسدالله بادامچیان دبیرکل حزب مؤتلفه در مورد شعار «مرگ بر دیکتاتور» به اینلنا در سخنانی عجیب و غریب گفته «این احق‌هایی که عقل‌شان نمی‌رسد که می‌روند آن بالا و می‌گویند مرگ بر دیکتاتور نمی‌فهمند، اولاً دیکتاتوری نیست. تو در نهایت آزادی داری می‌گویی مرگ بر دیکتاتور و خانه‌ات مشخص است. صبح هم می‌خواهی بروی می‌توانند تو را بگیرند، ببرند. در نهایت آزادی شعار می‌دهی، بعد می‌خواهی و صبح هم می‌روی سر کارت. پس آیا اینکه آدم با آزادی بگوید مرگ بر دیکتاتور مسخره نیست؟!»

● ویدئوهایی از چند شهر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد مأموران ضدشورش در گوشه‌ای از خیابان نظاره‌گر تجمعاتی هستند که در آن مردم شعارهای ضدحکومتی سر می‌دادند.

● برخی می‌گویند حضور پلیس در خیابان‌ها کمتر بود اما تعداد لباس‌شخصی‌ها خیلی زیاد بود. «نگ ما، ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «مرگ بر حکومت بچه‌گش»، «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه»، «فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی»، «مرگ بر خامنه‌ای» از شعارهایی بود که مردم در شهرهای مختلف سر دادند.

● در هیدج زنجان مردم شعار «جاوید شاه» و در مناطقی از جنوب شهر تهران از جمله سی متری «جی» شعار «رضا شاه، روح شاه» سر دادند. در کرج نیز در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی شماری از مردم شعار دادند «ایران شده آماده، فرمان بده شاهزاده».

● اسدالله بادامچیان دبیرکل حزب مؤتلفه در مورد شعار «مرگ بر دیکتاتور»: این احق‌ها که شعار مرگ بر دیکتاتور می‌دهند عقل‌شان نمی‌رسد که دیکتاتوری نیست و گرنه می‌توانند تو را بگیرند و ببرند.

● مجله اشپیکل آلمان در گزارشی با اشاره به اینکه مردم ایران در یک سنت قدیمی آخرین سه‌شنبه سال نزدیک نوروز باستانی را جشن می‌گیرند و از روی آتش می‌پرند، نوشت رژیم ملاها و نیروهای امنیتی علیه اعتراضات جدید دست به اقدامات وحشیانه زدند.

مراسم چهارشنبه سوری ۱۴۰۱ در ایران به صحنه اعتراضات ضدحکومتی تبدیل شد. در اغلب شهرها با وجود فضای امنیتی و حضور گسترده نیروی انتظامی و لباس‌شخصی‌ها تجمعات زیادی شکل گرفت.

با اینکه گفته شده بود رویکرد پلیس با مردم «اجتماعی» است اما در مواردی اقدام به ضرب و جرح افراد کردند. شماری بازداشت شدند و نیروی انتظامی در بعضی شهرها برای متفرق کردن مردم با سلاح ساچمه‌ای به سمت آنها شلیک کرد.

در همین ارتباط اشپیکل آلمان در گزارشی با اشاره به اینکه مردم ایران در یک سنت قدیمی آخرین سه‌شنبه سال نزدیک نوروز باستانی را جشن می‌گیرند و از روی آتش می‌پرند، نوشت رژیم ملاها و نیروهای امنیتی علیه اعتراضات جدید



تظاهرات ضدحکومتی در تهران؛ منبع: AFP

خیزش ضدحکومتی تیر خلاص به معامله رژیم ایران و غرب خواهد بود؟

● محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکرات اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید ایران برای مذاکرات و احیای برجام کارهایی را که قرار بر انجام آن بود انجام داده اما دو مسئله باعث شد آمریکایی‌ها توافق نکنند: «اختلاف داخل آمریکا و آشوب‌ها».

● ژنرال امیر آویوی بنیانگذار و رئیس مجمع دفاعی و امنیتی اسرائیل به JNS (سندیکای خبری یهود) می‌گوید: «توافق ایران و عربستان می‌تواند راه را برای ایران جهت [بازگشت به] برجام هموار کند اما اسرائیل نمی‌تواند اجازه دهد که این اتفاق بیفتد و اقدامات لازم را برای دفاع از خود انجام خواهد داد، امیدوارم اقدامات ما مورد حمایت کامل ایالات متحده و دیگران باشد».

با وجود اینکه دولت‌های غربی همچنان بهترین گزینه برای مقابله با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی را «گزینه دیپلماسی» می‌دانند اما در عمل مذاکرات برجام به بن‌بست رسیده و مقامات ارشد آمریکا و اروپایی‌ها تأکید می‌کنند «احیای برجام» دیگر اولویت آنها نیست و روی اعتراضات در ایران متمرکز شده‌اند.

جمهوری اسلامی از طریق وزارت خارجه و همچنین به واسطه دولت‌هایی مثل عمان و قطر مدام در مورد آمادگی برای معامله پیام می‌فرستد اما آمریکایی‌ها چنانکه بطور رسمی اعلام می‌کنند قید ادامه مذاکره را زده‌اند.

محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکرات اتمی جمهوری اسلامی می‌گوید ایران برای مذاکرات و احیای برجام کارهایی را که قرار بر انجام آن بود انجام داده اما دو مسئله باعث شد آمریکایی‌ها توافق نکنند: «اختلاف داخل آمریکا و آشوب‌ها». اشاره مرندی به خیزش ضدحکومتی در ایران است که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ دوباره اوج گرفت و همچنان ادامه دارد.

وی ادعا کرد: «آنها که به مستقیم یا غیرمستقیم تشویق به آشوب کردند، کار توافق را عقب انداختند».

اما مذاکرات اتمی ماه‌ها پیش از آغاز خیزش در ایران متوقف شده بود و پس از آن فقط مقامات غربی رسماً اعلام کردند که دیگر «احیای برجام» برایشان در اولویت نیست. مذاکرات اتمی پس از آن بطور کامل متوقف شد که روسیه پس از حمله به اوکراین از آمریکا و اروپا برای «توافق اتمی» باج‌خواهی کرد و آن را مشروط به برداشته شدن تحریم‌های روسیه کرد اما غربی‌ها نپذیرفتند. بر همین اساس بود که آن جریان حکومتی که نفع جمهوری اسلامی را در معامله با غرب می‌بیند هشدار داد که روس‌ها جمهوری اسلامی را به باتلاق اوکراین کشاندند و درگیر جنگ کردند تا کار برجام به سرانجام نرسد. اکنون کارشناسان اسرائیلی و آمریکایی معتقدند برای

جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات هسته‌ای، باید تحریم‌ها علیه رژیم مالاها فوری تشدید شود.

سرتیپ ژنرال امیر آویوی بنیانگذار و رئیس مجمع دفاعی و امنیتی اسرائیل (IDSF) به «سندیکای خبری یهود» (JNS) می‌گوید: «توافق ایران و عربستان می‌تواند راه را برای ایران جهت [بازگشت به] برجام هموار کند اما اسرائیل نمی‌تواند اجازه دهد که این اتفاق بیفتد و اقدامات لازم را برای دفاع از خود انجام خواهد داد. امیدوارم اقدامات ما مورد حمایت کامل ایالات متحده و دیگران باشد».

آویوی افزود: «هرگونه تقویت جمهوری اسلامی برای امنیت اسرائیل تهدید است، زیرا جمهوری اسلامی متعهد به نابودی اسرائیل است».

وی همچنین می‌گوید: «توافق ایران و عربستان با میناچگیری چین باید هشدار آشکار برای سیاستمداران آمریکایی در مورد جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای ایالات متحده باشد».

مایکل روبین کارشناس ایران در مؤسسه آمریکن اینترپرایز، به JNS (سندیکای خبری یهود) گفت: «بوروکرات‌ها و صاحب‌نظران واشنگتن که قادر به دیدن جنگ نیستند باید دست از شمارش درختان بردارند. آنها نباید استدلال‌های غیرمنطقی‌تری داشته باشند زیرا آنقدر در توافق هسته‌ای بد سرمایه‌گذاری کرده‌اند که در نهایت به عنوان وکیل مدافع رژیم ایران عمل می‌کنند».

روبین می‌افزاید: «واقعیت ساده این است که ایران برنامه هسته‌ای خود را با ادعای فعالیت غیرنظامی توجیه می‌کند که نیاز به غنی‌سازی ۵ درصد دارد. هر میزان غنی‌سازی بیشتر از این نشان می‌دهد که تهران برنامه تسلیحاتی دارد. آنچه اکنون در جریان است اخاذی هسته‌ای شبیه کره شمالی است». سعید قاسمی نژاد کارشناس مسائل ایران در بنیاد «دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) می‌گوید: «احیای برجام به تهران اجازه می‌دهد تا در اولین سال اجرای آن به ۲۷۵ میلیارد دلار و تا سال ۲۰۳۰ به یک میلیارد دلار دسترسی داشته باشد».

جیسون برادسکی مدیر سیاست‌گذاری سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) مستقر در ایالات متحده به JNS گفت: «ایران به آزمایش خطوط قرمز بین‌المللی ادامه می‌دهد تا ببیند در پیشبرد برنامه هسته‌ای خود چه چیزی را می‌تواند از سر راه بردارد».

جمهوری اسلامی هنوز توضیح کافی و معتبر در مورد کشف ذرات اورانیوم غنی شده ۸۴ درصد ارائه نکرده است، اگرچه مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معتقد است که هیچ انباشت یا تولیدی وجود نداشته است. با این حال، این نشان‌دهنده عدم بازدارندگی در پرونده هسته‌ای است. جمهوری اسلامی به این دلیل برنامه خود را تا این اندازه

پیش برده که هنوز هزینه‌ای برای آن پرداخت نکرده است. از همین رو زمان اجرای «اسنپ بک» و بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت فرا رسیده است.

به گفته برادسکی و همکارانش برجام دیگر قابل احیا نیست به ویژه با توجه به وضعیت سیاسی داخل ایران و همدستی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین. به همین دلیل آمریکا و متحدانش نقش مهم‌تری خواهند داشت.

برجام جدید

یوسف مولایی حقوقدان و استاد دانشگاه در تهران می‌گوید «برجام اصلی که سال ۲۰۱۵ روی آن توافق شد از بین رفته است و هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی در عمل آن را کنار گذاشتند اما اگر بنا بر برجام جدید باشد آمریکا فعالیت موشکی و فعالیت برون‌مرزی سپاه را مطرح خواهد کرد و نحوه سازگاری ایران با نظم جهانی از جمله مسئله اوکراین مطرح خواهد شد که این بحث‌ها در مدل برجام جدید تأثیرگذار است».

وی معتقد است اگر «تندروهای داخلی» با وضعیت جدید بین‌المللی سازگار نشوند آثار فشارها روی جمهوری اسلامی ادامه پیدا خواهد کرد. مولایی با اشاره به توافق امنیتی با عربستان توضیح داده «مسئله به همینجا ختم نمی‌شود چون الان مسائل جهانی همه بهم گره خورده و حل مشکل با عربستان فقط به خود عربستان تمام نمی‌شود و مسائل مختلفی که ایران با عربستان و جامعه جهانی دارد نیز مطرح خواهد شد. جمهوری اسلامی باید خودش را برای همگرایی یا واگرایی آماده کند اگر بخواهد مسائل اقتصادی و داخلی‌اش حل شود بیشتر به سوی همگرایی با جامعه جهانی باشد».

برجام سه ضلعی: داخل ایران

قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از مخالفان سرسخت برجام ۹ اسفند ۹۷ در یک سخنرانی مشهور نسبت به «برجام سه ضلعی» هشدار داده و گفته بود «برای دشمن، این برجام، سه ضلعی است نه یک ضلعی. او‌باما فکر می‌کرد به مرور زمان به دو ضلع دیگر می‌رسد، اما آدم عجولی که آمده [دونالد ترامپ]، اصرار دارد به سرعت برسد و تصور این بود که می‌رسد. اینکه اصرار می‌کنند بر برجام ۲ منطقه، برای این است که می‌خواهند این تحرکی را که از ایران اسلامی به جهان اسلام روح و جان داده، بخشکانند. اگر العیاذبالله ما رفتیم و در برجام ۲ شرکت کردیم، به همین تمام می‌شود؟ نه، برجام اصلی در داخل ایران است. تلاش آنها به اینجا منتهی نخواهد شد و برجام سه هم خواهند داشت، چون معتقدند چشمه باید خشکانده شود و این چشمه، ایران است». منظور قاسم سلیمانی از «ایران» مانند دیگر مقامات حکومت، جمهوری اسلامی است!

اطلاعات جدید از مسمومیت دانش‌آموزان؛ جمهوری اسلامی در ادامه فرافکنی‌ها «اعترافات تلویزیونی» منتشر کرد



پرستار حاکی از خونسردی بیش از اندازه مقام‌های دولتی در برخورد با حملات شیمیایی به مدارس دخترانه است.

این پرستار گفته که «در قضیه مسمومیت دانش‌آموزان که اتفاق افتاد آنقدر سرمان شلوغ شد که گویا وسط جنگ قرار گرفتیم. فقط می‌گفتیم خدایا هیچوقت جنگ نشود؛ چون نه امکانات داریم حتی برای این بحران حملات به مدارس و نه نیروی انسانی کافی و نه متاسفانه مدیران لایق.»

او درباره واکنش مدیران دولتی به حملات شیمیایی انجام شده به مدارس دخترانه گفت: «مدیران که فقط آمدند و عکس و فیلم گرفتند و نگاه کردند و رفتند و ما در به در به دنبال مانومتر اکسیژن و ماسک ساده اکسیژن و...»

این پرستار همچنین درباره فشار وارد شده به پرستاران و کادر درمان با توجه به گستردگی حملات به مدارس شیمیایی هم گفت: «متاسفانه ما وقت نمی‌کردیم هیچ کار دیگری انجام دهیم.» این پرستار کشورمان همچنین از امنیت شدن فضای بیمارستان‌ها و جلوگیری ماموران و نگهبانان از هر نوع فیلمبرداری گفت و توضیح داد: «یکی از خانواده‌ها در حال فیلم گرفتن از وضعیت دخترش بود که ناگهان نگهبانانی که هیچوقت نبودند، سرو کله اشان پیدا شد و اجازه ندادند آن خانواده فیلمبرداری کند.»

در پایان رشته توثیق «پرستار» آمده که «روایت این پرستار در حالی است که در یکی دو روز گذشته و به ویژه پس از سخنان رهبری، مسئولان حکومتی دوباره با استفاده از همان فرمول‌های قدیمی چند نفر را بازداشت کرده و مدعی شده‌اند که این افراد با خارج از کشور در ارتباط هستند. این درحالی است که با گذشت بیش از سه ماه از این حملات هنوز هیچ توضیح رسمی درباره این حملات از سوی حکومت ارائه نشده است. برخی معتقدند گستردگی حملات و همچنین طولانی بودن زمان این حملات نشان دهنده این است که نیروهای نزدیک به حکومت در آن نقش دارند و همین موضوع هم توضیح می‌دهد چرا علی‌رغم بیش از سه ماه هنوز این حملات متوقف نشده است.»

صفحه توییتری «۱۵۰۰ تصویر» نیز که خبرهای حقوق بشری و اعتراضات در ایران را پوشش می‌دهد در رشته توثیقی نتیجه بیش از ۷۰ آزمایش پزشکی مربوط به دانش‌آموزان

پرتاب گاز نیتروژن به داخل ۷ مدرسه در شهرستان لارستان باعث بدحالی ۵۳ نفر از دانش‌آموزان شده بودند.»

سخنگوی فراجا با بیان اینکه ۳ خانم دستگیر شده ضمن انجام اقدامات از آن فیلمبرداری و به شبکه‌های معاند از جمله «ایران اینترنشنال» ارسال می‌کرده‌اند، گفته که «متهمان در تحقیقات انگیزه خود از این اقدامات را ایجاد جو بدبینی نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و همچنین ایجاد فضای ناامنی در مدارس اعلام کردند.»

وبسایت «اعتماد آنلاین» نیز با انتشار مطلبی با یادآوری «برخوردها با سلب‌ریختی‌ها و شاخ‌های مجازی که اقدام به شایعه‌افکنی و التهاب‌آفرینی می‌کردند» از بازداشت یک بلاگر در ارومیه خبر داده و به نقل از همشهری آنلاین نوشته است که تعداد دیگری نیز در استان‌های مختلف در همین ارتباط بازداشت شده‌اند.

شورای انقلاب فرهنگی نیز با صدور بیانیه‌ای درباره مسمومیت دانش‌آموزان، هدف از «حمله گازی» به مدارس را «ناامنی و تشویش اذهان عمومی کشور با هدف قرار دادن پاک‌ترین و معصوم‌ترین قشر جامعه یعنی دختران دانش‌آموز» توصیف و آن را بخشی از «جنگ ترکیبی مرگب دشمن و تغییر روش در فتنه‌انگیزی» دانسته و گفته است که این اقدام به شکست منجر خواهد شد.

در بیانیه شورای انقلاب فرهنگی آمده که «درصد عمده موارد گزارش شده از حوادث مذکور ناشی از رفتار هیجانی و استرس‌های دانش‌آموزان و دختران عزیز، ناشی از فشار روحی این حرکت مذبح‌خانه دشمن بوده» و خواستار آن شده است که «مردم مراقب فضا سازی‌ها و شائبه‌انگیزی‌های دشمن در فضاهای مجازی و حقیقی باشند.»

شورای انقلاب فرهنگی در ادامه مدعی شده که مسموم سازی دانش‌آموزان با هدف «تهیه خبر برای رسانه‌های خارج از کشور و متوقف کردن درس حضوری در مدارس» انجام شده است.

صفحه توییتری «پرستار» که اخبار و گزارش‌های صنفی مربوط به پرستاران در ایران را منتشر می‌کند در رشته توثیقی دیده‌ها و تجربه یک پرستار در شمال شرق ایران درباره مسمومیت‌ها را منتشر کرده و نوشته که توضیحات این

● در اعترافات تلویزیونی منتشر شده این پدر و دختر مدعی می‌شوند که اقدام به تهیه اسپری فتیله‌دار گاز کرده و پس از آتش زدن فتیله، آن را به داخل محوطه مدارس پرتاب می‌کرده‌اند تا مردم را نسبت به نظام بدبین کنند.

● بر اساس آزمایش‌ها، دانش‌آموزان در مدارس مختلف در ابتدا بوهایی شبیه آشغال، وایتکس، تینر، مرکبات گندیده به مشامشان رسیده و سپس علائم مسمومیت از جمله سردرد، سستی پا، لرزش فک، تهوع، سوزش گلو، سرفه، تنگی نفس، تپش قلب، ضعف بینایی شده‌اند.

● شورای انقلاب فرهنگی مدعی شده که مسموم سازی دانش‌آموزان با هدف «تهیه خبر برای رسانه‌های خارج از کشور و متوقف کردن درس حضوری در مدارس» انجام شده است.

در ادامه‌ی فرافکنی و انکارهای مقامات حکومتی درباره مسمومیت سازمان یافته در مدارس کشور، صداوسیما جمهوری اسلامی اقدام به پخش اعترافات تلویزیونی یک پدر و دختر درباره مسموم ساختن دانش‌آموزان در شهرستان لار کرده است.

در این اعترافات تلویزیونی، پدر و دختر مدعی می‌شوند که اقدام به تهیه اسپری فتیله‌دار گاز کرده و پس از آتش زدن فتیله، آن را به داخل محوطه مدارس پرتاب می‌کرده‌اند تا مردم را نسبت به نظام بدبین کنند.

پدر در بیمارستان شهرستان لار کار می‌کرده و در این گزارش گفته می‌شود که او از دانش‌آموزان بدحال در اورژانس فیلم می‌گرفته و برای رسانه‌های خارج کشور می‌فرستاده است.

هفته گذشته سردار سعید منتظرالمهدی سخنگوی نیروی انتظامی از دستگیری پنج نفر به اتهام دست داشتن در مسمومیت دانش‌آموزان در شهرستان لارستان استان فارس خبر داد و گفت که این افراد «شامل دو مرد ۵۰ و ۲۲ ساله و سه زن هستند و یکی از زنان، یک دانش‌آموز مردودی ۲۱ ساله» است.

منتظرالمهدی افزوده که «این افراد به صورت تیمی اقدامات خود را انجام می‌داده‌اند و طی روزهای اخیر با

سی‌ان‌ان: روسیه تسلیحاتی را که در جنگ اوکراین به غنیمت گرفته برای مهندسی معکوس به ایران می‌فرستد



یک نظامی اوکراینی در حال حمل یک موشک انداز اف‌جی‌ام۱۴۸-جاولین

نیروهای نیابتی ایران، تهدیدی واقعی برای نیروهای نظامی اسرائیل است.»

سی‌ان‌ان می‌نویسد این هماهنگی نمونه دیگری از همدستی رو به رشد دفاعی مسکو با تهران است که در سال گذشته تشدید شده زیرا روسیه از حمایت نظامی خارجی در جنگ علیه اوکراین ناامید شده است. جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا ماه گذشته گفت که این همکاری نه تنها اوکراین را بی‌ثبات‌تر می‌کند، بلکه می‌تواند همسایگان ایران در خاورمیانه را نیز تهدید نماید.

طبق اعلام پنتاگون، مقامات ارشد نظامی آمریکا، از جمله ژنرال مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش و لوید اوستین وزیر دفاع ایالات متحده، این ماه در خاورمیانه برای گفتگو با همتایان خود در آنجا حضور داشتند که حول محور تهدیدات ایران بود.

تلفات سنگین روسیه و انهدام گسترده تجهیزات و ادوات نظامی روس‌ها و همچنین تشدید تحریم‌های غرب باعث شد آنها در تأمین تجهیزات نظامی مجبور شوند دست به سوی جمهوری اسلامی دراز کنند.

منابع آگاه می‌گویند که اطلاعات نشان می‌دهد چین در حال بررسی ارسال پهپاد و مهمات به روسیه است.

به گفته کاخ سفید، جمهوری اسلامی ایران در ازای آنچه به روسیه تحویل می‌دهد به دنبال دریافت تجهیزات نظامی به ارزش میلیاردها دلار از روسیه، از جمله جت‌های جنگنده، سیستم‌های راداری و هلیکوپتر است.

پنتاگون در اواخر سال گذشته اقدامات تأمینی برای ردیابی تسلیحات آمریکایی را که به اوکراین تحویل داد بیشتر کرد. از جمله از طریق بازرسی در محل توسط پرسنل نظامی ایالات متحده مستقر در سفارت ایالات متحده در کی‌یف.

کالین کال معاون وزیر دفاع در امور سیاست، اوایل ۲۰۲۳ به قانونگذاران گفت که ایالات متحده نمونه‌هایی دارد که نشان می‌دهد روس‌ها برخی از سیستم‌های ارائه شده توسط ایالات متحده را در جنگ اوکراین به غنیمت گرفته‌اند، اما تعدادشان زیاد نیست.

● مقامات ایالات متحده، ناتو و سایر کشورهای غربی در چندین مورد گزارش دادند که تجهیزات و ادوات نظامی ارتش اوکراین از جمله سیستم‌های ضدتانک «جاولین» یا ضد هوایی «استینگر» در میدان جنگ به دست نیروهای روسی افتاده است.

● به گفته منابع آگاه، روسیه بر این باور است که ارسال تسلیحات غربی به ایران، تهران را تشویق خواهد کرد تا حمایت خود را از جنگ روسیه علیه اوکراین ادامه دهد.

● مقامات آمریکایی اعتقاد دارند این موضوع گسترده یا سیستماتیک نیست.

● جاناتان لرد کارشناس ارشد و مدیر برنامه امنیت خاورمیانه در اندیشکده مرکز امنیت آمریکای نوین، می‌گوید ایران توانایی خود را در مهندسی معکوس تسلیحات آمریکا در گذشته نشان داده است.»

چهار منبع آگاه به سی‌ان‌ان گفته‌اند روسیه برخی تسلیحات و تجهیزاتی را که در جنگ با اوکراین به غنیمت گرفته و پیشتر ایالات متحده و ناتو به اوکراینی‌ها تحویل داده بودند، برای مهندسی معکوس به ایران می‌فرستد.

در یک سال گذشته، مقامات ایالات متحده، ناتو و سایر کشورهای غربی در چندین مورد گزارش دادند که تجهیزات و ادوات نظامی ارتش اوکراین از جمله سیستم‌های ضدتانک «جاولین» یا ضد هوایی «استینگر» در میدان جنگ به دست نیروهای روسی افتاده است.

منابع مطلع می‌گویند که در بسیاری از این موارد، روسیه تجهیزات را برای آنالیز و مهندسی معکوس به ایران فرستاده است. به گفته این منابع، روسیه بر این باور است که ارسال تسلیحات غربی به ایران، تهران را تشویق خواهد کرد تا به حمایت خود از جنگ روسیه در اوکراین ادامه دهد.

مقامات آمریکایی اعتقاد دارند این موضوع گسترده یا سیستماتیک نیست. استناد آنها به گزارش‌های اوکراین به آمریکا از آغاز جنگ در مورد تلفات میدان جنگ و تجهیزاتی است که به دست روس‌ها می‌افتد. با این حال، مقامات آمریکایی اذعان دارند که پیگیری این موضوع دشوار است. مشخص نیست که آیا ایران برای آنالیز و مهندسی معکوس تسلیحات آمریکایی که در جنگ اوکراین به غنیمت گرفته شده موفق هستند یا نه؛ اما تهران ثابت کرده است که در توسعه سیستم‌های تسلیحاتی خودش بر اساس تجهیزات آمریکایی توقیف شده در گذشته مهارت دارد.

جاناتان لرد کارشناس ارشد و مدیر برنامه امنیت خاورمیانه در اندیشکده مرکز امنیت آمریکای نوین، می‌گوید «ایران توانایی خود را در مهندسی معکوس تسلیحات آمریکا در گذشته نشان داده است». آنها موشک هدایت شونده ضدتانک «تاو» (TOW) را مهندسی معکوس کردند و ماکت تقریباً کاملی ساختند که آن را «توفان» نامیدند و از همان زمان آن را در اختیار حوثی‌های یمن و حزب‌الله لبنان قرار دادند.

وی معتقد است «ایران می‌تواند همین کار را با استینگر انجام دهد که قادر است هوانوردی غیرنظامی و نظامی را در سراسر منطقه تهدید کند. این سیستم با مهندسی معکوس می‌تواند توسط حماس یا حزب‌الله برای تهدید تانک مرکاواي اسرائیل استفاده شود. این تسلیحات در دست

مسموم شده را منتشر کرده است.

در این رشته توثیق توضیح داده شده که «متخصصان بر این باورند که این نوع آزمایش‌ها و نتایج آنها نمی‌توانند در تشخیص نوع گاز کارساز باشند. ما صرفاً برحسب وظیفه آنها را منتشر میکنیم تا شاید با احتمال کمی به کسی در فهم این مسمومیت‌ها و نوع این گازها کمکی کرده باشد.»

بر اساس اطلاعات منتشرشده، دانش‌آموزان در مدارس مختلف در ابتدا بوهایی شبیه آשغال، وایتکس، تیزر، مرکبات گندیده به مشامشان رسیده و سپس علائم مسمومیت از جمله سردرد، سستی پا، لرزش فک، تهوع، سوزش گلو، سرفه، تنگی نفس، تپش قلب، ضعف بینایی شده‌اند.

حملات تروریستی و بیولوژیکی به مدارس ایران در ابتدا دبیرستان‌های دخترانه را هدف قرار داد اما طی دو هفته گذشته تعدادی از دبیرستان‌های پسرانه، دبستان‌های دخترانه و پسرانه و خوابگاه‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها نیز هدف این حملات قرار گرفتند.

بی‌کفایتی جمهوری اسلامی در شناسایی و اعلام نام آمران و عاملان حملات سبب شده بخش گسترده‌ای از افکار عمومی دست داشت بخشی از نظام در این حملات را باور دارند.

هرچند هنوز مشخص نیست آمران و عاملان حملات سازمانیافته بیولوژیک که دانش‌آموزان و دانشجویان را هدف قرار داده چه گروه، دولت یا افرادی هستند اما همچنان مردم شواهدی مانند گسیل نیروهای سرکوبگر به مدارس و سرکوب دانش‌آموزان و خانواده‌ها و توصیه مسئولان به دروغ و پنهانکاری را برای دست داشتن جمهوری اسلامی در حملات شیمیایی کافی می‌دانند.

نجم‌های صنفی فرهنگیان کشور روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند (۷ مارس) تجمعاتی را در اعتراض به مسمومیت‌های سریالی در شهرهای ایران برگزار کردند که در چند شهر مأموران حکومتی با حمله به تجمع‌کنندگان شماری از آنها را بازداشت کردند.

دانشجویان دانشگاه «تربیت مدرس» تهران نیز با انتشار بیانیه‌ای به «حملات شیمیایی به دانش‌آموزان» اعتراض کردند و نوشتند: «همانی که در خیابان به گلوله می‌بندد و در زندان تجاوز و شکنجه و اعدام می‌کند پشت این حمله‌های تروریستی به دانش‌آموزان است.»

دانشجویان دانشگاه «تربیت مدرس» تهران با انتشار بیانیه‌ای به «حملات شیمیایی به دانش‌آموزان» اعتراض کردند و نوشتند: «همانی که در خیابان به گلوله می‌بندد و در زندان تجاوز و شکنجه و اعدام می‌کند پشت این حمله‌های تروریستی به دانش‌آموزان است.»

دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی نیز بیانیه‌ای صادر کرده و نوشته‌اند: «روش نخبه‌ای انداختن تقصیرات به گردن هرکسی جز خودتان را کنار بگذارید و با چشم باز به وضعیتی که امروز گرفتار آن هستیم نگاهی بیندازید. متأسفانه جایگاه مدیریت در کشور ما آنچنان بی‌دلیل تقدیس شده و از مردم فاصله گرفته است که حتی نمی‌توانیم خودمان را جزئی از این سرشته داران امور تصور کنیم.»

ستاد حقوق بشر قوه قضاییه در بیانیه‌ای با انکار گستردگی مسمومیت دانش‌آموزان، مدعی شده که ۵۲ مدرسه و ۲۵۰ کلاس هدف حملات شیمیایی قرار گرفته است. محمدحسن آصفری عضو کمیته حقیقت‌یاب مجلس شورای اسلامی اما هفته گذشته اعلام کرد که تا ۱۵ اسفند بیش از پنج هزار دانش‌آموز در ۲۵ استان و حدود ۳۳۰ مدرسه هدف حملات شیمیایی تروریستی قرار گرفته‌اند.

نتایج نظرسنجی «مؤسسه پژوهش و پیش بینی تجربی»: چه کسی ایرانیان را نمایندگی می کند؟



● نظرسنجی این مؤسسه برای رسیدن به پاسخ اینکه «چه کسی ایرانیان را نمایندگی می کند»، سه گروه از افراد سیاسی و مدنی و رسانه ای را به پرسش گذاشته است.

● باید تأکید کرد که اعداد و ارقام دروغ نمی گویند و نظرسنجی های علمی و دستکاری نشده در جهان مدرن چه در شرایط عادی و چه در اوضاع غیرعادی یکی از مبانی پژوهش ها و پیش بینی های تجربی هستند.

● این نظرسنجی به روشنی نشان می دهد که مردم ایران به دنبال مدیریت و برقراری شرایط جدید برای کشور خود هستند و گذشته از اینکه نوستالژی پهلوی یک گرایش ماندگار در میان مردم به نظر می رسد، آنها به دنبال چهره های تاثیرگذاری نیز هستند که ارزش هایی مانند آزادی، میهن دوستی، رفاه و آبادانی، حقوق بشر و عدالت را نمایندگی کنند.

● آیت الله علی خامنه ای با شش دهم درصد، یعنی تقریباً ۴۹۵ هزار نفر، حتا دیگر رهبر اکثریت حامیان جمهوری اسلامی در ایران نیز نیست!

«مؤسسه پژوهش و پیش بینی تجربی» طی نظرسنجی دیگری که در بهمن ماه برگزار کرده، به بررسی وضعیت سیاسی در ایران و نگرش های موجود در شرایط کنونی پرداخته است. این مؤسسه در مهر/آبان و در اوج انقلاب ملی ایران نخستین نظرسنجی خود را در ارتباط با نافرمانی مدنی انجام داده بود و اکنون مقایسه برخی روندهای مشترک در دو نظرسنجی با توجه به شرایط ایران می تواند برای پیش بینی های تجربی سودمند باشد.

این مؤسسه که نظرسنجی ها را با هدف بررسی پژوهشی جهت تشخیص روندهای قابل پیش بینی سیاسی و اجتماعی بر اساس تجارب عینی انجام می دهد، در همین ارتباط می نویسد: «ما در دومین پژوهش کمی و تجربی خود

Influencers with over 20 presences on social media and in Persian media abroad. These individuals make their living from income generated within the opposition industry.



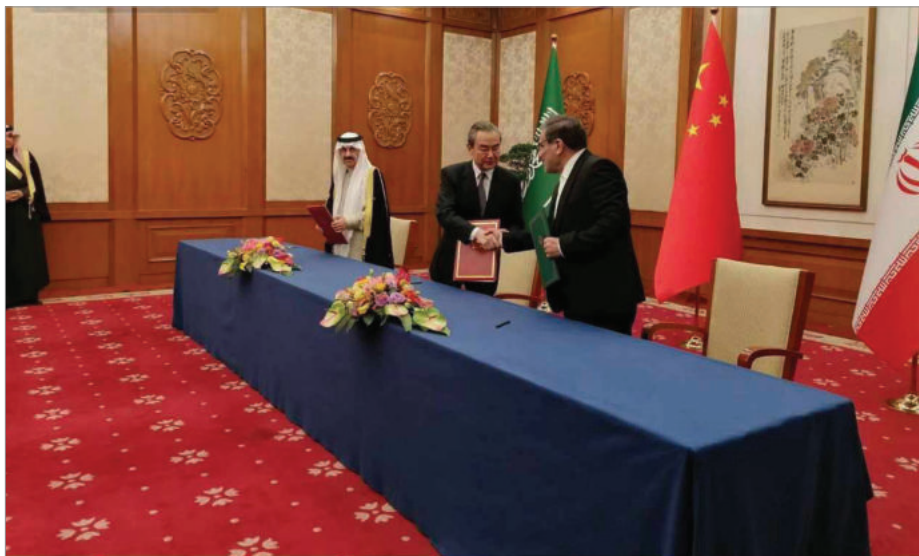
کرده اند. چهره هایی نظیر ورزشکاران رده بالا، فعالان مدنی و هنرمندان و افراد رسانه ای که به عنوان اپوزیسیون نیز عمدتاً در شبکه های اجتماعی و رسانه ها و به صورت آنلاین ظاهر فعالیت می کنند، مورد پرسش قرار گرفته اند.

در گزارش این نظرسنجی توضیح داده شده است که مخاطبان این نظرسنجی مردم ایران بوده اند و در مدتی که پرسش ها در دسترس قرار داشتند، ۹ هزار تن از آن

که در بهمن ماه ۱۴۰۱ انجام شد، نگرش های سیاسی در ایران را مورد بررسی قرار دادیم. پرسش محوری ما برای این مطالعه این بود: چه کسی ایرانیان را نمایندگی می کند؟

نظرسنجی این مؤسسه برای رسیدن به پاسخ این پرسش، سه گروه از افراد سیاسی و مدنی و رسانه ای را به پرسش گذاشته است. بیشتر پاسخ دهندگان تمایل خود را نسبت به شاهزاده رضا پهلوی و پادشاهی مشروطه در ایران بیان

توافق جمهوری اسلامی و عربستان پس از هفت سال برای «از سر گرفتن روابط» با میانجیگری جمهوری خلق چین



علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و مساعد بن محمد العیسان مشاور امنیت ملی عربستان سعودی توافق برقراری مجدد روابط دیپلماتیک را امضاء کردند

را در کشورهای یکدیگر بازگشایی کنند. علی شمخانی پس از امضای بیانیه مشترک سه‌جانبه میان جمهوری اسلامی، عربستان سعودی و چین گفت که پنج دور مذاکره اولیه انجام شده با عربستان سعودی که به میزبانی عراق و عمان انجام شد در دستیابی به توافق نهایی، موثر بود.

وی اضافه کرد: «گفتگوهای انجام شده میان دو کشور صریح، شفاف، همه‌جانبه و سازنده بود. رفع سوء تفاهم‌ها و نگاه رو به آینده در روابط تهران- ریاض، قطعاً توسعه ثبات و امنیت منطقه‌ای و افزایش همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس و جهان اسلام را برای مدیریت چالش‌های موجود به‌دنبال خواهد داشت.»

روابط جمهوری اسلامی و عربستان پس از حمله بسیجی‌ها به سفارت این کشور در تهران در ۱۲ دی ۱۳۹۴ هنگامی که حسن روحانی ریاست دولت یازدهم را بر عهده داشت قطع شد. مهاجمین سفارت عربستان را به آتش کشیدند. قابل توجه اینکه شماری از حمله‌کنندگان به سفارت عربستان در سال‌های بعد پست و مقام حکومتی گرفتند. یکی از آنها حسن کردمیهن است. آخوندی که رئیس بخش فرهنگی فدراسیون جودو شد.

کرده‌اند. نتایج این نظرسنجی نشانگر کاهش شدید طرفداران مقامات جمهوری اسلامی از آبان ۱۴۰۱ تا کنون است.

«مؤسسه پژوهش و بینش تجربی» در همین ارتباط به این نکته اشاره کرده که با توجه به بررسی نتایج نظرسنجی، شاهزاده رضا پهلوی در بین سایر چهره‌های اپوزیسیون از یک وکالت ضمنی از سوی شهروندان ایران برخوردار است که می‌تواند به فعالیت‌ها و اقدامات وی در عرصه بین‌المللی چون بازتاب و پوشش رسانه‌ای اعتراضات ایرانیان، کمک‌های حقوقی، حمایت‌های جهانی و سازماندهی اعتصابات و تحریم علیه جمهوری اسلامی مشروعیت ببخشد.

طرفین توافق کردند ظرف حداکثر دو ماه، روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفته و سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌ها را در کشورهای یکدیگر بازگشایی کنند.

علی شمخانی پس از امضای بیانیه مشترک سه‌جانبه میان جمهوری اسلامی، عربستان سعودی و چین گفت که پنج دور مذاکره اولیه انجام شده با عربستان سعودی که به میزبانی عراق و عمان انجام شد در دستیابی به توافق نهایی، موثر بود.

ساعاتی پس از آنکه وبسایت امنیتی «نور نیوز» اعلام کرد علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در یک کشور خارجی مشغول مذاکرات مهمی است اعلام شد که تهران و ریاض برای از سر گرفتن روابط سیاسی توافق کردند.

روز جمعه ۱۹ اسفند اعلام شد که شمخانی از چهار روز پیش به یکن سفر کرده تا با میانجیگری وانگ یی عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست جمهوری خلق چین (وزیر خارجه پیشین چین) توافق از سر گرفتن روابط سیاسی با عربستان سعودی را امضا کنند.

طرفین توافق کردند ظرف حداکثر دو ماه، روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفته و سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌ها

و پشتیبان تداوم جامعه سکولار پیش از انقلاب ۱۳۵۷ هستند. به همین دلیل نیز هست که بیش از دو سوم پاسخ‌دهندگان شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان چهره شاخص اپوزیسیون نماینده و مرجع سیاسی تمایلات خود می‌دانند. اما ۱۶/۷ درصد نیز کسی را به عنوان نماینده از سوی خود انتخاب نکرده‌اند. همچنین مریم رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در کنار آیت‌الله علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در مجموع تنها از سوی ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان انتخاب شده است. ۰/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان از افرادی مانند میرحسین موسوی، مهدی کروبی و مصطفی تاجزاده حمایت

بازدید کرده و پس از بررسی و استفاده از روش «گلولة برقی» ۲۶۳۹ نظرسنجی به معیار بررسی قرار گرفت. ضریب اطمینان این نظرسنجی ۹۵ درصد و میزان خطا ۲ درصد بوده است.

یکی از نتایج این نظرسنجی این است که اعتراضاتی که از اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ پس از قتل حکومتی مهسا امینی آغاز شده، با هدف پایان دادن به نظام جمهوری اسلامی و تغییر رژیم است. در عین حال حضور ستاره‌های فوتبال مانند علی کریمی و علی دایی و هنرمندانی چون شاهین نجفی بیانگر نفوذ و قدرت و جایگاه ورزشکاران و هنرمندان در این حوزه است. مسیح علینژاد در میان چهره‌های رسانه‌ای بیشتر مورد توجه است و پس از او پوریا زراعتی و فرداد فرحزاد قرار دارند.

به گزارش «مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» بررسی پاسخ‌ها نسبت به چهره‌های سیاسی و مدنی و رسانه‌ای نشان می‌دهد که مخاطبان به دنبال مدل و الگوهایی هستند که به آنها باور داشته و فکر می‌کنند که با آنها ارزش‌های مشترکی دارند. با اینهمه نوستالژی پهلوی و میل به بازگشت آنها بیش از همه در این نظرسنجی بازتاب دارد. بطوری که ۷۹/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان از شاهزاده رضا پهلوی حمایت می‌کنند. این نتیجه همزمان نشان می‌دهد که مردم ایران نه تنها به دنبال تغییر در رهبری جامعه بلکه خواهان تحول ریشه‌ای و پایان رژیم جمهوری اسلامی هستند. اینهمه در حالیست که آیت‌الله علی خامنه‌ای با شش دهم درصد، یعنی تقریباً ۴۹۵ هزار نفر، حتا دیگر رهبر اکثریت حامیان جمهوری اسلامی در ایران نیز نیست!

این نظرسنجی به روشنی نشان می‌دهد که مردم ایران به دنبال مدیریت و برقراری شرایط جدید برای کشور خود هستند و گذشته از اینکه نوستالژی پهلوی یک گرایش ماندگار در میان مردم به نظر می‌رسد، آنها به چهره‌های تأثیرگذاری نیز توجه نشان می‌دهند که ارزش‌هایی مانند آزادی، میهن‌دوستی، رفاه و آبادانی، حقوق بشر و عدالت را نمایندگی کنند.

این تمایلات و خواسته‌ها در تناقض کامل با نظام جمهوری اسلامی قرار دارد که یک حکومت مذهبی و فرقه‌ای و متکی بر «ولایت مطلقه فقیه» است. تنوع فرهنگی و زیست ایرانیان بیش از چهار دهه است که با چنین ساختاری تحت فشار شدید قرار گرفته و نسل‌های جوان از اینهمه محدودیت و ممنوعیت که با روح زمان همخوانی ندارد، عاصی شده‌اند. قتل حکومتی مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ به آتشی که هر بار از جمله از دی ۹۶ به اینسو زیر خاکستر پنهان شد، دامن زد و آن را شعله‌ور کرد. شهروندان در سراسر ایران به خیابان‌ها آمدند و اعتراضاتی را رقم زدند که خود پس از مدتی آن را در شعارهای خود انقلاب نامیدند.

در این میان، باید تأکید کرد که اعداد و ارقام دروغ می‌گویند و نظرسنجی‌های علمی و دستکاری نشده چه در شرایط عادی و چه در اوضاع غیرعادی یکی از مبانی پژوهش‌ها و پیش‌بینی‌های تجربی هستند. در حالی که بر اساس نظرسنجی بهمن‌ماه نیز مشخص می‌شود که مردم به سوی تشکیل یک حکومت سکولار و جدایی دین از حکومت می‌روند اما اراده‌ی جمهوری اسلامی برای بقا همچنان پابرجاست و همین جامعه را در وضعیت پیچیده‌ای قرار داده است.

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» در گزارش خود با تأکید بر اینکه نتایج نظرسنجی بیانگر آرزو و روزشماری مردم برای تغییر شرایط و رسیدن به آزادی با تغییر رژیم است، می‌نویسد که در این نظرسنجی بیش از ۶۰ درصد از شهروندان ایران از نظام پادشاهی در ایران حمایت کرده‌اند؛ ۱۷/۵ درصد خواهان جمهوری دموکراتیک بوده‌اند و ۱۴/۵ درصد از شرکت‌کنندگان هنوز در اینباره تصمیمی نگرفته‌اند. این نتیجه بیانگر این نکته است که بسیاری از شهروندان ایران خواهان



علی شمشانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی و مساعد بن محمد العیسان مشاور امنیت ملی عربستان سعودی توافق برقراری مجدد روابط دیپلماتیک را امضا کردند

چرا توافق امنیتی جمهوری اسلامی و سعودی‌ها دوام نخواهد آورد؟

هرچند که مقامات و رسانه‌های حکومتی مطرح می‌کنند که توافق ایران و عربستان «ضربه کاری به آمریکا و رژیم صهیونیستی» است و حتا معتقدند که «منجر به شکست سیاست‌های ائتلاف افکنانه صهیونیست‌ها» شد و همچنین آن را به نفع منطقه و «جهان اسلام» می‌خوانند اما در خود ایران بسیاری بر این باورند که این توافق دوام نخواهد آورد زیرا مجموعه دلایلی که هفت سال پیش باعث قطع روابط تهران و ریاض شد نه تنها همچنان پابرجاست بلکه در بعضی حوزه‌ها تشدید نیز شده است. این واقعیت جدا از این است که عربستان سعودی عادی ساختن رابطه با بازیگر مهمی مانند اسرائیل در منطقه را فدای رابطه با حکومتی که با بحران مشروعیت در داخل و انزوای بین‌المللی در خارج روبروست، نمی‌کند.

در همین ارتباط است که جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی با اشاره به این توافق در توییتی نوشت «آشتی و گشایش در امور خارجه و روابط بین‌الملل امری پسندیده و قابل تقدیر است، اما گشایش در امور داخلی و آشتی با مردم بسیار پسندیده‌تر و قابل تقدیرتر است». وی با توجه به همین بحران مشروعیت و نارضایتی‌های عمومی مردم است که افزوده «اگر در داخل گشایشی صورت نگیرد، آشتی در خارج از مرزهای ایران اهمیت و تأثیر آنچنانی بر امید مردم نخواهد داشت!»

حمید ابوطالبی معاون سیاسی ریاست جمهوری در دولت حسن روحانی نیز به صراحت گفته است مهمتر از توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک، «حفظ» آن است. وی تأکید کرده «موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین تهران و ریاض سال ۱۳۸۰ امضا شد و مورد رضایت طرفین بود؛ ولی افراط‌گرایان و تندروان و شعارمحوران اجازه اجرای آن را ندادند.»

وی هشدار داده «اگر اینبار هم فقط به امضا و بازگشایی سفارتخانه‌ها بسنده شود، به زودی شاهد بحرانی شدن دوباره روابط فیمابین خواهیم بود.»

روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی از آغاز پُر از چالش و بحران‌های امنیتی بوده است بطوری که «توازن قوا» میان آنها را دهه‌هاست به نفع ریاض بهم زده است. اما از آنجا که رژیم ایران ظرفیت برقراری تعادل را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی ندارد، همواره به سراغ گزینه‌های نظامی و ضدامنیتی و خرابکاری رفته است که حمله به سفارتخانه‌های کشورها از نظر اجرایی آسان‌ترین آنها و البته با پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر است! ضمن اینکه حمایت تسلیحاتی از حوثی‌ها علیه عربستان سعودی و حملات ایذایی علیه زیرساخت‌های عربستان و شرکای این کشور و صادرات مواد مخدر از طریق حزب‌الله به عربستان مسائلی نیستند که با امضای توافق و گرفتن عکس یادگاری حل شوند.

این سخنگو همچنین تأکید کرد که «برای امنیت اسرائیل هیچ حامی بزرگتری از رئیس جمهور بایدن وجود ندارد». در همین ارتباط مقام ارشد اسرائیلی نیز می‌گوید: «نگران این نیستیم که توافق جدید عربستان سعودی و ایران مانع تلاش‌ها برای دستیابی به پیشرفتی شود که می‌تواند به عادی ساختن روابط اسرائیل و عربستان سعودی منجر شود.»

وی تأکید می‌کند: «آنچه اهمیت دارد این است که پشت صحنه چه اتفاقی می‌افتد و نه توافقات دیپلماتیک روی صحنه! این مقام گفت: «مواضع آمریکا و اسرائیل مهمتر از توافق بین عربستان سعودی و ایران است. موضع غرب در قبال ایران شروع به تغییر کرده اما هنوز به اندازه کافی تغییر نکرده است.» مخالفان دولت نتانیاهو اما او را مقصر این توافق می‌دانند. به گزارش «تایمز اسرائیل» نفتالی بنت نخست وزیر سابق اسرائیل معتقد است توافق عربستان و رژیم ایران «شکست تلاش‌های اسرائیل برای ایجاد ائتلاف ضد تهران» است. وی نتانیاهو را مقصر معرفی کرده و می‌گوید که وی با تمرکز بر اصلاحات قضایی، تهدیدات رژیم ایران را نادیده گرفته است. یائیر لاپید نخست وزیر پیشین اسرائیل نیز توافق جمهوری اسلامی و عربستان را یک «تحول خطرناک» دانسته و گفته است که این توافق اسرائیل را از دیوار دفاعی منطقه‌ای خود علیه تهدیدات جمهوری اسلامی محروم می‌کند. لاپید در توییت نوشت: «توافق بین عربستان سعودی و ایران منعکس کننده شکست کامل و خطرناک سیاست خارجی دولت اسرائیل است.»

بنی گانتز وزیر دفاع سابق اسرائیل نیز معتقد است نتانیاهو امنیت اسرائیل و شهروندانش را رها کرده است. از سوی دیگر، کارین ژان پیر سخنگوی کاخ سفید در واکنش به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک عربستان سعودی و رژیم ایران، موضع دولت آمریکا را چنین اعلام کرده است: «ما از گزارش‌ها آگاه هستیم و از هرگونه تلاش برای کمک به پایان دادن جنگ در یمن و کاهش تنش در منطقه خاورمیانه استقبال می‌کنیم.»

وی با اشاره به سفر بایدن به عربستان در ماه ژوئیه گفت: «تنش‌زدایی و دیپلماسی، همراه با بازدارندگی از ارکان کلیدی سیاست پرزیدنت بایدن است و یکی از دلایلی است که او به منطقه سفر کرد.»

این مقام آمریکایی در عین حال در رابطه با برجام گفت: «سیاست ما تغییری نکرده است و تمرکز ما در حال حاضر بر روی برجام نیست و این توافق در دستور کار قرار ندارد.» روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی می‌نویسد به ویژه برای نتانیاهو این اخبار آسیب‌زننده بود زیرا به مدت چندین سال، دو هدف اصلی سیاست خارجی او منزوی کردن رژیم ایران و عادی ساختن روابط با عربستان بوده است.

● یک مقام ارشد اسرائیل به آکسیوس می‌گوید «نگران این نیستیم که توافق جدید عربستان سعودی و ایران مانع تلاش‌ها برای عادی ساختن روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی شود».

● نفتالی بنت نخست وزیر سابق اسرائیل معتقد است توافق عربستان و رژیم ایران «شکست تلاش‌های اسرائیل برای ایجاد ائتلاف ضد تهران» است. وی نتانیاهو را مقصر می‌داند و می‌گوید که با تمرکز بر اصلاحات قضایی، تهدیدات رژیم ایران را نادیده گرفته است.

● بنی گانتز وزیر دفاع سابق اسرائیل نیز معتقد است نتانیاهو امنیت اسرائیل و شهروندانش را رها کرده است.

● روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی می‌نویسد به ویژه برای نتانیاهو این اخبار آسیب‌زننده بوده زیرا به مدت چندین سال، دو هدف اصلی سیاست خارجی او منزوی کردن رژیم ایران و عادی ساختن روابط با عربستان بوده است.

● جلال محمودزاده نماینده مهاباد در مجلس شورای اسلامی: «اگر در داخل گشایشی صورت نگیرد، آشتی در خارج از مرزهای ایران اهمیت و تأثیر آنچنانی بر امید مردم نخواهد داشت!»

● حمید ابوطالبی معاون سیاسی ریاست جمهوری در دولت حسن روحانی: «مهمتر از توافق برای برقراری روابط دیپلماتیک «حفظ» آن است... موافقتنامه همکاری‌های امنیتی بین تهران و ریاض سال ۱۳۸۰ امضا شد و مورد رضایت طرفین بود؛ ولی افراط‌گرایان و تندروان و شعارمحوران اجازه اجرای آن را ندادند.»

بسیاری تحلیلگران معتقدند میانجیگری جمهوری خلق چین برای از سر گرفتن روابط سیاسی میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی پیام هشدار به ایالات متحده درباره نقش چین در خاورمیانه است. همزمان در اسرائیل اختلاف بین دولت و اپوزیسیون در مورد این توافق عمیق شده است.

یک مقام ارشد اسرائیل می‌گوید توافق بین ریاض و تهران برای از سر گرفتن روابط دیپلماتیک نتیجه «ضعف» آمریکا، غرب و دولت پیشین اسرائیل در قبال تهران است.

در همین ارتباط «آکسیوس» به نقل از این مقام اسرائیلی می‌نویسد: «ضعف آمریکا و اسرائیل باعث شد سعودی‌ها به دنبال راه‌های جدید باشند.»

مقامات فعلی دولت بنیامین نتانیاهو این توافق را ناشی از ضعف دولت‌های قبلی اسرائیل می‌دانند.

سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در پاسخ به پرسشی درباره اظهارات این مقام اسرائیلی به آکسیوس گفت: «ما متعهد به همکاری نزدیک با اسرائیل برای بررسی مشترک تهدیدات و فرصت‌های پیش روی اسرائیل و منطقه خاورمیانه، از جمله مقابله با تهدیدات رژیم ایران هستیم.»



دی ماه ۱۳۹۴ پس از اعدام شیخ مُر توسط عربستان در چند شهر ایران پاسداران اسلحه به دست به خونخواهی وی با اسلحه رژه رفتند

توافق جمهوری اسلامی و عربستان در تضاد با منافع باندهایی در سپاه پاسداران و گروه‌های نیابتی است

تشویق حوثی‌ها به تنش‌زدایی را دارند یا نه، مسئله‌ای کاملاً متفاوتی است.»

اگرچه مشخص نیست حوثی‌ها تا چه اندازه از تهران اطاعت‌پذیری دارند اما این واقعیت که اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» به اندازه قاسم سلیمانی در بین شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در منطقه نفوذ ندارد، قابل انکار نیست.

اینهمه در حالیست که اگرچه به نظر می‌رسد منافع جمهوری اسلامی در حال حاضر ایجاب کرده است که برای کاهش فشارهای بین‌المللی با سعودی‌ها توافق کند اما منافع جریان قدرتمند نظامی-اقتصادی در ایران وابسته به تنش‌های منطقه‌ای است. فراتر از اینها علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی معتقد است موشک‌ها و قدرت نظامی منطقه‌ای

پیوسته است. این درحالیست که مقامات ارشد جمهوری اسلامی بارها بحرین و سایر کشورهایی را که اقدام به بهبود روابط با اسرائیل کرده‌اند حتا تهدید به اقدام نظامی کرد. هنوز جرئیات زیادی از توافق امنیتی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی مشخص نیست اما به نظر می‌رسد دست‌کم در تهران تصمیم گرفته شده برای کاهش فشارهای بین‌المللی در روابط با همسایگان تجدید نظر شود حتا اگر مقطعی باشد. مقامات حکومت از توافق بین تهران و ریاض به عنوان «زلزله سیاسی» یاد می‌کنند. برخی رسانه‌های داخلی حتا از این فراتر رفته و ادعا کردند این توافق دروازه ورود جمهوری اسلامی به نظم جدید جهانی است!

شبکه الجزیره مدعی شده این توافق جمهوری اسلامی را از انزوا خارج می‌کند اما نباید تصور کرد که تنش‌زدایی ریاض-

● بعد از اعلام رسمی توافق امنیتی میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی گزارش شده مقامات رژیم به دنبال از سر گرفتن روابط با بحرین و حل و فصل اختلافات مرزی با کویت هستند.

● شبکه الجزیره گزارش داده این توافق جمهوری اسلامی را از انزوا خارج می‌کند اما در عین حال نباید تصور کرد که تنش‌زدایی ریاض-تهران به پایان سریع درگیری در یمن منجر خواهد شد.

● گوردون گری سفیر سابق آمریکا در تونس می‌گوید: «تهران نمی‌تواند به تنهایی حوثی‌ها را به سمتی سوق دهد که نگرانی‌های امنیتی عربستان در مورد اقدامات آنها برطرف شود.»

● وینا علی‌خان محقق یمن در «گروه بین‌المللی بحران» می‌گوید: «ایران ممکن است بتواند حوثی‌ها را به تشدید تحرکات‌شان تشویق کند اما اینکه آیا آنها توانایی تشویق حوثی‌ها به تنش‌زدایی را دارند یا نه، مسئله‌ای کاملاً متفاوتی است.»

● مقامات تهران انگیزه کافی برای قربانی کردن شبه‌نظامیان منطقه برای دستیابی به منافع جمهوری اسلامی را دارند اما باید دید شبه‌نظامیان وابسته وقتی ببینند بازیچه حکومت قرار گرفته‌اند چه واکنشی نشان خواهند داد.



علی‌خامنه‌ای در ۱۰ سال گذشته اصلی‌ترین نقش را در تشویق حامیان جمهوری اسلامی به «عربستان‌ستیزی» داشته است

[شبه‌نظامیان] مسائل ناموسی انقلاب است. در سال‌های اخیر شراکت جمهوری اسلامی با گروه‌های شبه‌نظامی به مراتب از روابط حکومت با بسیاری از دولت‌ها بهتر بود. البته مقامات تهران انگیزه کافی برای قربانی کردن شبه‌نظامیان برای دستیابی به منافع جمهوری اسلامی را دارند اما باید دید شبه‌نظامیان وابسته وقتی ببینند بازیچه قرار می‌گیرند چه واکنشی نشان خواهند داد.

باندهای نزدیک به جمهوری اسلامی در تشکیلات حزب‌الله لبنان از توافق با عربستان استقبال کرده‌اند اما هنوز رهبران خیلی از گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حوثی‌ها واکنش رسمی به این توافق نشان نداده‌اند.

برخی تحلیلگران معتقدند شاید بهبود روابط جمهوری اسلامی و عربستان تغییراتی را در پی داشته باشد اما مشکل اصلی رژیم ایران که بحران اقتصادی و فروپاشی اجتماعی و عدم مشروعیت در بین مردم است حل نخواهد کرد.

تهران به پایان سریع درگیری در یمن، با توجه به سایر عوامل مهم، منجر خواهد شد.

گوردون گری سفیر سابق آمریکا در تونس می‌گوید: «تهران نمی‌تواند به تنهایی حوثی‌ها را به سمتی سوق دهد که نگرانی‌های امنیتی عربستان در مورد اقدامات آنها برطرف شود. احیای روابط دیپلماتیک می‌تواند به عربستان سعودی کمک کند تا خود را از جنگ در یمن بیرون بیاورد، اما حوثی‌ها برنامه‌های خود را دارند.»

پایگاه خبری «آکسیوس» در گزارشی می‌نویسد وضعیت حوثی‌های یمن بزرگ‌ترین آزمون توافق تهران و ریاض خواهد بود. بسیاری معتقدند سعودی‌ها زیر بار امضای توافقی که در آن تهران ملزم به توقف ارسال تسلیحات برای حوثی‌ها نشده باشد نمی‌رود. وینا علی‌خان محقق یمن در «گروه بین‌المللی بحران» می‌گوید: «ایران ممکن است بتواند حوثی‌ها را به تشدید تحرکات‌شان تشویق کند اما اینکه آیا آنها توانایی

خبرگزاری رسمی کویت گزارش داده است که جمهوری اسلامی و کویت در حال گفتگو درباره تعیین حدود مرزهای دریایی خود هستند.

طرفین توافق کرده‌اند این کار «به شیوه‌ای مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل» انجام خواهد شد. نشست کمیته حقوقی مشترک دو کشور دوشنبه ۲۲ اسفند در تهران برگزار شده است. ریاست هیئت کویتی را منصور عیاد العتیبی قائم مقام وزارت خارجه کویت و ریاست طرف جمهوری اسلامی را رضا نجفی معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه بر عهده داشتند. همین منبع گزارش داد که العتیبی در جریان سفر خود به ایران با علی‌باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد «راه‌های تقویت و توسعه روابط» گفتگو کرده‌اند.

آخرین نشست مقامات جمهوری اسلامی و کویت برای تعیین حدود مرزی مربوط به سال ۲۰۱۲ بود اما به دلیل اختلافات زیاد بین طرفین دنبال نشد.

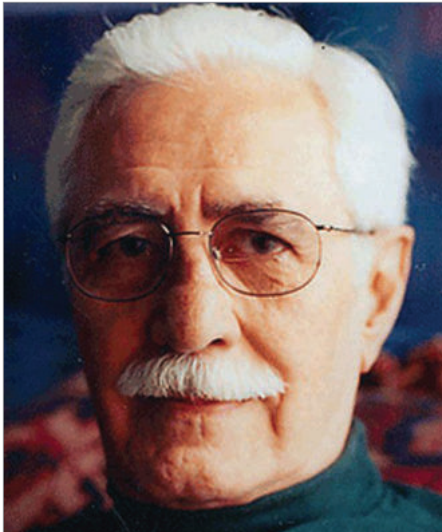
این تحولات سه روز پس از توافق امنیتی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی در پکن برای از سر گرفتن روابط دیپلماتیک خود طی دو ماه آینده صورت می‌گیرد.

همچنین منابع روسی گزارش دادند که مقامات جمهوری اسلامی مذاکراتی را با بحرین برای از سر گرفتن روابط دوجانبه آغاز کرده‌اند. بحرین یکی از اعضای «پیمان ابراهیم» است و از دو سال پیش به روند عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با اسرائیل

وردار و ورمالی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مرداد ۱۳۸۰ - شماره ۸۶۸)

بازنشر



ایرج پزشک‌زاد

سال حبس محکوم می‌کند و در عوض برای حجت‌الاسلام دری نجف آبادی با وجود دلائل و امارات و شهادت‌های متعدد دایر بر مشارکتش در قتل‌های زنجیره‌ای، چون در محضر قاضی به خاک مرحوم امام راحل قسم خورده که جرمی نکرده، قرار منع تعقیب صادر می‌کند. پس...

پس حرفی نیست که آقای میلانی کار عاقلانه‌ای کرده که دور شکایت را خط کشیده است. اما، شکوه او از اینکه آقای دکتر عهم اگر می‌خواسته کار خودش را بکند، دیگر چرا با او تماس گرفته، حکایت از عدم آشنائی‌اش به وسواس سران جمهوری اسلامی در حفظ حقوق افراد، دارد. آنها براساس اعتقادات مذهبی و ملاحظات اخلاقی اصرار دارند که هر نوع استفاده‌ای ولو مختصر، از حقوق دیگران با مراجعه به صاحب حق باشد. این ملاحظات است که آقای دکتر عهم را وا داشته با نویسنده تماس بگیرد. حالا اگر نویسنده اجازه نداده، مسأله خانه دیگری است. بعضیها از این تنگ‌نظری‌ها دارند. مسأله خانه دکتر محمودی هم از همین قرار بود: اوایل انقلاب یکی از آیات عظام صاحب مقام رفیع در حکومت اسلامی، ازتهران با دکتر محمودی در کالیفرنیا تماس گرفت با تقاضائی به این مضمون که:

حقیر که اصلاً ساکن قم هستم فعلاً بنا بر وظائف محوله در جمهوری اسلامی، در تهران در خانه‌ای که می‌گویند متعلق به شما بوده مقیم هستم. برای اینکه خدای بخواند منم از خانه غصبی نبوده باشد، اجازه و رضایت خود جنابعالی لازم است. اگر دو کلمه دال بر رضایت به بنده مرقوم یفرمائید که نماز باطل نباشد، خیلی ممنون می‌شوم و سرغماز دعائات می‌کنم.

آقای دکتر عهم هم به منظور کسب اجازه و رضایت نویسنده برای ترجمه کتابش تماس گرفته‌اند. حالا اگر نویسنده هم مثل دکتر محمودی ناخن خشکی کرده و اجازه نداده، امر دیگری است. آقای دکتر عهم چه می‌کردند؟ کارشان را تعطیل می‌گذاشتند که نویسنده اجازه نداده است؟ ایشان به شیوه همان آیت‌الله مرجع تقلیدشان عمل کرده‌اند که الان بیست و یک سال است در آن خانه دکتر محمودی مقیم است.

به هر حال باید قبول کرد که ضرر و زیان آقای میلانی از عدم صدور اجازه، در مقابل ضرر و زیان دکتر محمودی که روز جزا و سرپل صراط باید حساب بیست و یک سال نماز باطل شده آن آیت‌الله را پس بدهد، چیزی نیست...

البته این اجازه ندادن با همه ضررهای مادی و معنوی‌اش یک منفعت هم دارد و آن اینست که اگر آقای میلانی

نظر اخلاق و انسانیت جواب تجاوز به حق یک هموطن را چه می‌دهند؟ آنچه بخصوص بر نویسنده گران آمده بود، این بود که مترجم قبلاً با او تماس گرفته و می‌دانسته که خود نویسنده مشغول ترجمه است. و لغزش‌هایی در متن انگلیسی بوده که در متن فارسی اصلاح کرده است. متحیر بود که آقای دکتر عهم اگر چنین برنامه‌ای داشته‌اند که به هر قیمت ترجمه خود را منتشر کنند، چرا با او تماس گرفته‌اند!

بنده، برای اینکه آقای میلانی، به دنبال این فعل و انفعال کارگر فکری و کارفرمای ایشان، آنچنان سرخورده نشود که قلم تحقیق را برای همیشه بشکند، به عنوان اهل قلمی که دو تا پیراهن بیشتر از او پاره کرده و از این سرد و گرمها بسیار چشیده، می‌خواهم چند نکته را به خاطر رنجیده‌اش یادآوری کنم:

اولا آقای میلانی کار بسیار درست و عاقلانه‌ای کرده که کار را به شکایت و دادگاه نکشانده است. در حالی که حق داشته است. بله به رغم انکار این حق از طرف مترجم و ناشر، نویسنده از نظر قانونی می‌توانسته شکایت کند.

آقای میلانی می‌داند و آقای دکتر عهم و ناشر هم نمی‌توانند ندانند، که کپی رایت، حامی و حافظ جنبه مادی حق نویسنده، به کنار، فقط تغییر عنوان کتاب به «ابوالهول ایرانی» – که به یک کار تحقیقی تاریخی موضع و موقعی در حد یک کار سیاسی جانبدار و یک طرفه، و به هر حال متفاوت با آنچه نویسنده خواسته می‌دهد، در واقع تحریف و مسخ نوشته اوست. و این جرم است، در هرجائی و هر کشوری، تا جابلسا و جابلقا، چه ملزم به قانون کپی رایت باشد و چه نباشد، بحکم تجاوز به حقوق معنوی و اخلاقی نویسنده – که حقوقی مورد قبول عام جامعه بین‌المللی است – قابل مجازات است. (محفوظ بودن این حقوق در مقررات اروپائی از خیلی پیش بجای خود، از سال ۱۹۹۰، Moral Rights وارد قوانین امریکا هم شده است)

اما، با همه اینها، عرض کردم که آقای میلانی کار عاقلانه‌ای کرده که موضوع را به دادگاه نکشانده است. اگر خدای خواسته چنین اشتباهی می‌کرد، نمی‌دانم الان چه حال و روزگاری داشت. چرا؟ عرض می‌کنم. آقای دکتر عهم فقط مترجم نیستند. ایشان استاد علوم سیاسی دانشگاه اسلامی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و به این مناسبت طرف توجه مقامات موثر جمهوری اسلامی هستند که تعرض به ایشان را تاب نمی‌آورند. این را بنده می‌دانم چون چوبش یک بار به تنم خورده است که اگر فرصتی بشود عرض خواهم کرد. اگر از بخت بد، به دادگاه شکایتی کرده بود، ظرف چند روز ده پانزده شکایت به همان دادگاه می‌رسید: از بنیاد مستضعفان، از سپاه پاسداران، از دانشگاه امام جعفر صادق، از دانشگاه مسلم بن عقیل، از بنیاد ۱۵ خرداد، که از نویسنده به جرم اهانت به مقدسات امت شهیدپرور شاکی بودند. البته غیر از شکایت بهتان و افترا از جانب شیخ صادق خلخالی و هادی غفاری و ورثه حاج مهدی عراقی، که در کتاب معمای هویدا از آنها یاد شده است. دادگاه هم چه دادگاهی است؟ دادگاهی است به ریاست یکی از امثال قاضی سعید مرتضوی، که خیلی راحت اکبر گنجی را به ده سال حبس و تبعید محکوم می‌کند. و کمی بعد او را مستحق فقط شش ماه حبس می‌داند و سه ماه بعد به شش سال حبس محکوم می‌کند. دانشجویی را که با پیراهن خونی یک قربانی تظاهرات در عکس دیده شده ابتدا به اعدام و بعد با اغماض به ۱۵

یادش بخیر آقای شهرستانی، قاضی جزائی و همکار روزگاران قدیم مادر دادگستری، که معتقد بود الفاظ غارت، یغما، چپاول، چاپیدن، که اصل عربی و ترکی دارند، هیچکدام جامعیت و خصوصیت لفظ فارسی «وردار و ورمالی» را ندارند. می‌گفت تفاوت ظریف «وردار و ورمال» با مثلاً غارتگر، اینست که غارتگر اگر تصادفاً به صاحب مال به غارت رفته بر بخورد، سرش را پائین می‌اندازد و زودتر خودش را سر پیچ کوچه یا وسط جمعیت گم و گور می‌کند. حالیکه «وردار و ورمال» در چنین وضعی، زل زل توی چشم صاحب مال «ورداشته و ورمالیده» نگاه می‌کند و اگر صاحب مال باز خواستی بکند، می‌گوید از اول مال خودم بود. حتی گاه مقداری هم منت ابواب جمع او می‌کند که مثلاً این خانه کلنگی شما تا حالا کلی خرج عمله و بنا و لوله‌کش روی دست ما گذاشته یا، با این ماشین قراضه شما صبح تا شب اسیر گاراژ دار و تعمیرکار و مکانیک شده‌ایم. زن و بچه‌تان را از پرت شدن ته دره نجات دادید زن و بچه ما را گرفتار کردید!

در سفر اخیر، با ملاحظه فراوانی کتابهای صادراتی‌ام در گوشه و کنار امریکا و کانادا، خیلی یاد او کردم. مترصد فرصتی بودم که در مظلومیت کتابهایم در دست وردار و ورمالهای جمهوری اسلامی روضه‌ای بخوانم. اما وقتی به ماجرای کتاب دکتر عباس میلانی – «معمای هویدا» – برخورد، دیدم این نوعی دیگر از مظلومیت کتاب است که داغش تازه‌تر است. در نتیجه فکر کردم شرح وردار و ورمالی کتابهایم را برای بعد بگذارم و فعلاً به اجحافی که به این نویسنده محقق روا داشته‌اند بپردازم.

ابتدا باید در دو کلمه مورد او را یادآوری کنم. آقای عباس میلانی وقتی می‌خواهد کتاب خود را که از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده منتشر کند، خبر می‌شود که کتابش در تهران با عنوان «ابوالهول ایرانی» به ترجمه آقای دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، مترجم معروف، منتشر شده است. (قبلاً عرض کنم که در اروپا رسم است که اسامی مرکب اشخاص معروف را با حروف اول ذکر می‌کنند. مثلاً از والری ژیسکارست رئیس جمهوری اسبق فرانسه، بصورت «وژا» نام می‌برند. ما نیز چون از آقای دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی باید مکرر نام ببریم، از ایشان بصورت «دکتر عهم» یاد می‌کنیم.)

آقای میلانی بعد از اطلاع از واقعه، نامه اعتراضی به یکی از جراید تهران می‌نویسد و این عمل خلاف اخلاق را تقبیح می‌کند. ولی ناشر و مترجم جواب می‌دهند که اولاً چون ایران ملزم به قانون کپی رایت نیست، نویسنده حق اعتراض ندارد. ثانیاً ترجمه دکتر عهم به این دلیل که ظرف دو هفته به چاپ سوم رسیده، ترجمه برتری است. ثالثاً نویسنده باید خوشحال باشد که از کارش دو ترجمه به دست مردم می‌رسد. و در نهایت، آقای دکتر عهم در مصاحبه‌ای با یک مجله چاپ تهران، اظهار کرده‌اند که ایشان «کارگر فکری» هستند و در این باب باید از کارفرماشان، یعنی ناشر، بازخواست شود. ولی نه کارگر و نه کارفرما نگفته‌اند عذاب روحی را که کاری نمی‌شود کرد. اما این درآمد نا حق سه چاپ در دو هفته را به شما پس می‌دهیم.

بنده، در امریکا یک مصاحبه رادیویی دکتر میلانی را شنیدم. از عمل خلاف اخلاق ناشر و مترجم گله‌مند بود. نمی‌شد به او حق نداد. به فرض اینکه یکپهزار و یکصد و پنجاه ماده قانون هم در حقانیت تجاوز به مال دیگری وجود داشته باشد، از

«هر شخص با انصافی تصدیق خواهد کرد که مطالب مندرج در صفحات ۱۷ تا ۲۰ مقاله آقای پزشک‌زاد در جمهوری اسلامی قابل انتشار نمی‌باشد»

بسیار خوب، صفحه‌های ۱۷ تا ۲۰ قابل انتشار نبوده است. اما، نمی‌فرمایند که چطور صفحه بعدی، یعنی صفحه ۲۱ قابل انتشار شده و تصادفاً به آخر صفحه ۱۶ الحاق گردیده است! حالا این مونتاژ و نتیجه‌گیری «خداپسندانه» بجای خود، نفرموده‌اند که چرا از قول من به مردم ناسزا گفته‌اند؟ در «نقل» مقاله بنده، به یک جایی می‌رسیم که ضمن صحبت از نخست وزیر، حسنعلی منصور، آورده‌اند: «نخست وزیر با وقاحت هر چه تمامتر دروغ می‌گفت» - که روح بنده از چنین عبارتی و چنین ناسازی بی‌اطلاع بود و باید بگویم که با وجود اعتراض مکرر، اقدامی برای حذف اسم من از کتاب نکرده‌اند.

تمام نتیجه‌گیری بخش دوم را حذف فرموده بودند. کاش قضیه به همین جا ختم می‌شد. نه! ماجرای درماندگی دولت و مجلس بیست و یکم را با حذف چند صفحه، به صفحه آخر مقاله و پیام ملی آقای خمینی (عظمت ایران از بین رفت...) چسبانده و بعد از این مونتاژ، نتیجه‌گیری هم - البته از قول بنده - به این شرح کردند:

«پیامد فوری این رویدادها قتل حسنعلی منصور در ۶ بهمن ۱۳۴۳ و سوءقصد نافرجام به جان شاه در کاخ مرمر در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ بود و پیامد دراز مدت آن انقلاب توفنده‌ای بود که رژیم پهلوی را درهم کوبید»

در نتیجه، با این حذف و جابجایی و مونتاژ، مقاله بنده به صورت رساله‌ای درآمد بود در تحقیر و تحقیف رژیم سابق، مایه ذلت و محنت ایران و تجلیل و تعظیم رژیم جدید، احیا کننده شوکت و عظمت ایران، آن هم در متن کتاب درسی

→ اجازه داده بود، آقای دکتر عهم فقط به تغییر عنوان کتاب از «معمای هویدا» به «ابوالهول ایرانی» اکتفا نمی‌کردند و چه بسا نکاتی از زندگی ابن ملجم و خولی اصبیحی را هم وارد شرح حال هویدا می‌کردند که بیشتر باب طبع بزرگانی باشد که او را بی‌محاکمه کشتند.

حالا، برای اینکه عواقب صدور اجازه را به آقای میلانی گوشزد کرده باشم، حکایت اجازه خودم را با آقای دکتر عهم، به اختصار یادآوری می‌کنم.

بنده در سری کتابهای تاریخی با عنوان «مروری در...» که برای استفاده جوانان تألیف کرده بودم، تألیفی هم داشتم با عنوان «مروری در وقایع ۱۵ خرداد ۴۲» که یک بررسی بیطرفانه علل و عواقب این واقعه بود. شش هفت سال پیش، به خواهمش مجله علم و جامعه چاپ واشنگتن، خلاصه بخشی از این کتاب را به صورت مقاله‌ای تنظیم کردم که همان موقع در آن مجله و متعاقباً در مجموعه‌ای از مقالاتم تحت عنوان «مصدق باز مصلوب» چاپ شد.

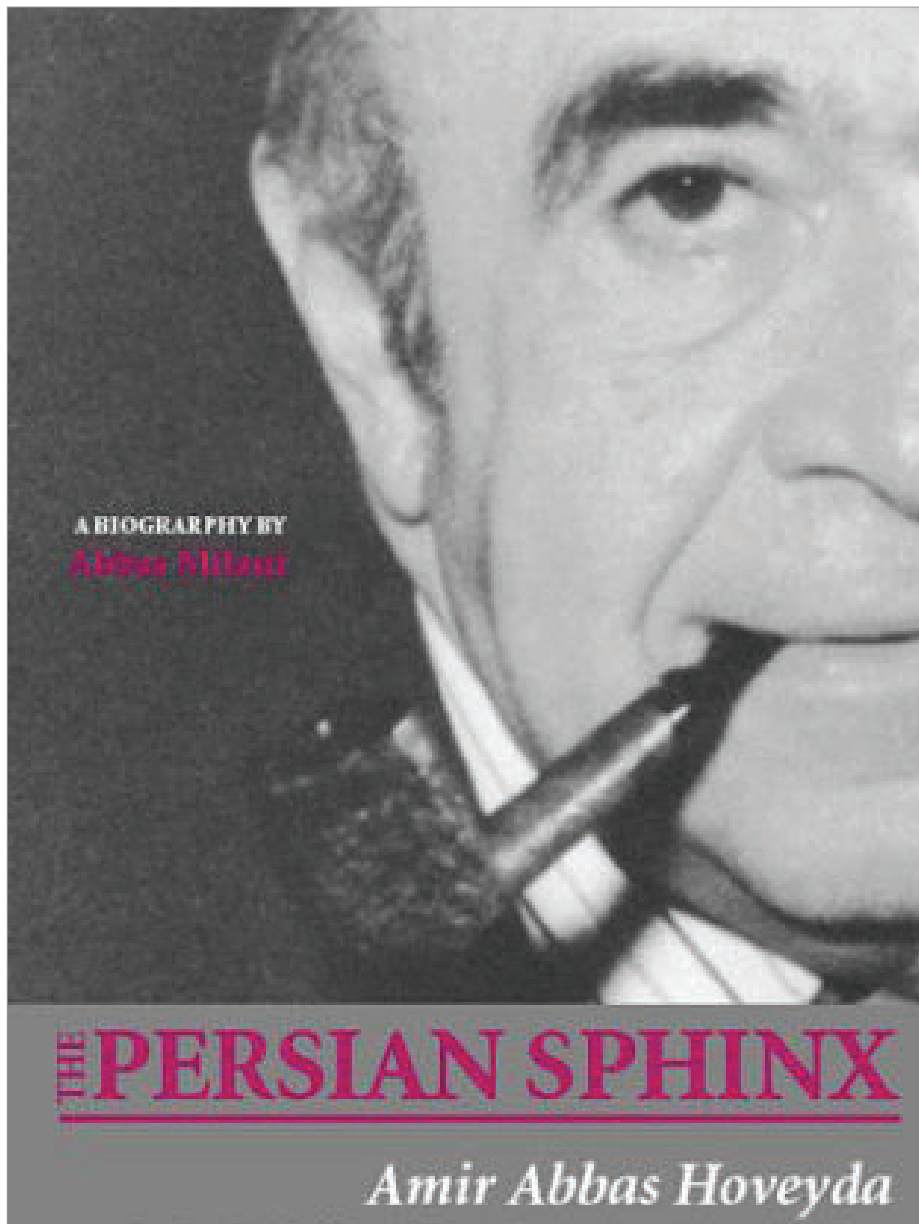
آقای دکتر عهم که نسخه‌ای از این نشریه را به دست آورده بودند، از تهران به من تلفن زدند و اجازه گرفتند که مقاله مرا در تألیفی نقل کنند. چندی بعد کتابی را که زیر عنوان «سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی» منتشر کرده بودند، از تهران برای بنده فرستادند. دیدم که در این کتاب بخشی را تحت عنوان «کاپیتولاسیون دوم» ظاهراً به نقل مقاله بنده اختصاص داده و در پانویس آخرین صفحه با عزت و احترام تمام متذکر شده بودند که این بخش نتیجه تحقیق فلانی است که «اکنون با اجازه ایشان در این کتاب نقل می‌گردد»

اما وقتی این بخش را خواندم دودی غلیظ‌تر از دودی که احتمالاً بعد از شنیدن خبر انتشار ابوالهول ایرانی از سر آقای میلانی بلند شده، از سر بنده بلند شد. چرا؟ عرض می‌کنم.

مقاله بنده از دو بخش تشکیل می‌شد. بخش اول حکایت فشار دولت آمریکا بود به دولت ایران برای اعطای مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک کنوانسیون وین به نظامیان آمریکایی در ایران، و مقاومت اولیه دولتهای علم و منصور و تمکین آنها در نهایت، و جریان تصویب قانون آن در پارلمان. و بخش دوم که نتیجه‌گیری از بخش اول بود، شرح تهمیدات آیت‌الله خمینی در بهره برداری از این ضعف دولت برای کوبیدن نظام حاکم بود. لب کلام این بود که آیت‌الله خمینی با هدف استقرار حکومت دینی در جستجوی شعاری بود که همه قشرهای جامعه را به مخالفت با نظام حاکم به حرکت در آورد. از هنگام سر بلند کردن به مناسبت لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱، با شعارهای مذهبی‌اش هیچگاه نتوانسته بود - حتی روز ۱۵ خرداد ۴۲ - جمعیتی بیش از چهار پنج هزار نفر را به حرکت در آورد. ولی پس از اطلاع از تصویب قانون مصونیت نظامیان آمریکایی که آنرا کاپیتولاسیون تازه‌ای دانست، یک فریاد ملی همه‌گیری را سر داد: «عظمت ایران از بین رفت. استقلال ما از دست رفت، عزت ما پایکوب شد. مگر ما مستعمره هستیم؟...» که هر چند بلافاصله از ایران تبعید شد، این شعار او با طنین ملی و دلسوزی برای استقلال و عزت و حرمت ایران، در ته ذهن خلیها باقی ماند و پانزده سال بعد روزی که آیت‌الله از نو با شعار آزادی و استقلال به میدان آمد، از این ذخیره ذهنی مردم برای کشاندن آنها به دنبال خود استفاده کرد.

بخصوص اینکه دولت از انتشار کتاب «ولایت فقیه»، مانیفست سیاسی او، به سختی جلوگیری کرده و مانع شده بود که نظریه حکومت فقهی به موقع شناخته شود.

خلاصه اینکه من طوفان، باد و بوران، کمی دید، لغزندگی جاده را شرح داده بودم که بگویم حادثه چرا و چگونه اتفاق افتاد. اما آقای دکتر عهم، در این «نقل» بخش اول را که حکایت ضعف دولتهای علم و منصور بود، در کتاب خود آورده ولی



آقای میلانی علاوه بر اعتراض به نادرستیهای ترجمه، به دستکاریهای آقای دکتر عهم در متن نیز گله کرده‌اند. فی‌المثل از اینکه سگ شاه را دامبارکی معرفی کرده‌اند، حالیکه در متن انگلیسی صحبتی از ملیت این سگ نبوده است. یا در جای دیگری، لهجه هویدا را به ابتکار شخصی، «مخلوطی»

«سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی»!

چون به عنوان ممنوع القلم و ممنوع‌الوجود راهی به جراید داخلی نداشتم، اعتراضی در جراید خارج نوشتم آقای دکتر عهم هم ضمن جواب تندی که در مجله علم و جامعه واشنگتن به بنده دادند، مرقوم فرمودند:



آغاز رسمی آگیری سد چمشیر با وجود هشدارهای جدی کارشناسان محیط زیست و میراث فهرنگی

● موضوع آگیری سد چمشیر از ماه گذشته توسط برخی فعالان محیط زیست اطلاع داده شده بود. آنها گفتند که این آگیری به دلیل موج مخالفت فعالان محیط زیست و میراث فرهنگی به صورت «مخفیانه» آغاز شده است.

● در سال ۱۳۹۶ با ارزیابی‌های اولیه باستان‌شناسان در محدوده آگیری سد چمشیر، ۱۲۰ محوطه باستانی و استقرارگاه‌های موقت زیادی متعلق به عشایر شناسایی شد.

● به گفته کارشناسان، محوطه سد روی گسل قرار دارد و حتا به دلیل وجود سازنده‌های نمکی، آهکی و از جنس گچ، آب ذخیره شده در مخزن تحت تاثیر این میزان مواد طبیعی قرار خواهد گرفت که خود موضوع پیچیده‌ای خواهد شد.

آگیری سد چمشیر در نزدیکی گچساران در حالی آغاز شده که مدت‌هاست کارشناسان محیط زیست و میراث فرهنگی درباره مواردی چون تغییر اکوسیستم، وجود چاه‌های نفت در محدوده مخزن سد، وجود محوطه تاریخی و کشف اشیای باستانی در محوطه این سد هشدار داده بودند.

سال‌هاست سدسازی جمهوری اسلامی هزینه‌های اقلیمی و محیط زیستی و اقتصادی زیادی به بار آورده است اما همچنان عطش به پروژه‌های پولساز سدسازی بر مسیر رودخانه‌های ایران، بدون نگاه کارشناسی، ادامه دارد. سد چمشیر در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر دوگنبدان مرکز شهرستان گچساران استان کهگیلویه و بویر احمد یکی از تازه‌ترین مواردی است که با وجود هشدارها پیش رفت و اکنون آگیری آن آغاز شده است.

محمدرضا فاضل معاون اجرایی طرح سد و نیروگاه چمشیر گچساران امروز دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ از آغاز آگیری سد چمشیر خبر داد و گفت که مرحله نخست آگیری با حجم ۳۵۰ میلیون متر مکعب با موفقیت انجام شد.

به گفته محمدرضا فاضل سد و نیروگاه چمشیر بزرگترین طرح برق و آبی در کشور است که با هدف ذخیره ۳/۲ میلیارد متر مکعب آب و بهبود کیفیت و کنترل سیلاب‌ها بر روی رودخانه زهره ساخته شد. او افزوده که این سد با هدف تولید ۴۸۰ گیگاوات ساعت انرژی برق در سال احداث شده و آورده متوسط دراز مدت رودخانه زهره بیش از یک هزار و ۷۰۰ میلیون متر مکعب است.

معاون اجرایی طرح سد و نیروگاه چمشیر گچساران مدعی شده که هدف از ساخت سد چمشیر ذخیره

داد و چاهای بعدی معمای هویدا، به نفع آقایان مصادره خواهدشد. در این باب سرنوشت بنده باید مایه عبرت بشود.

پارسال، ضمن حمله‌های شدید بازجو حسین شریعتمداری، مدیر کیهان تهران، به وجود ناچیز بنده، همه کم و بیش دانستند که یکی از گناهان عمده‌ام که ناموس بازجویان را جریحه‌دار کرده، این بود که جسارت کرده و بخودم اجازه داده بودم به کتاب تألیف آقای دکتر عهم اعتراض کنم. یکی از شش شماره حمله کیهان تهران به بنده، به این جسارت اختصاص داشت.

بعداز فصل مشیعی ناسزاگوئی به بنده که چطور جرأت کرده‌ام به نقل نوشته‌ام در یکی از کتب درسی دانشگاهی اعتراض کنم، نوشته بود:

«این کتاب که در شمار انتشارات دانشگاه امام صادق ع چاپ شده بود، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی نام داشت و مؤلف آن دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی بود. ایرج پزشک‌زاد چاپ این کتاب را بپایانه قرار داده و اعتراضیه‌ای را در جراید ضد انقلابی خارج از کشور چاپ کرد. قسمتی از این اعتراض را که در کیهان سلطنت طلب چاپ لندن درج شده می‌خوانیم...» که کیهان تهران، با چاپ عمده اعتراض بنده، جای تردیدی نمی گذاشت که گناهام نفس اعتراض به یک استاد علوم سیاسی دانشگاه امام جعفر صادق علیه‌السلام بوده است. و کاری به وارد بودن یا نبودن آن نداشته‌اند.

ضمناً، آقای میلانی باید توجه کند که رفتار آقای دکتر عهم با او بالنسبه ملایمتر از رفتارشان باین بنده بوده است. وقتی به اعتراض او جواب می‌دهند که من کارگر فکری هستم و بروید یقه کارفرمای مرا بگیرید، این بخودی خود، تا حدی اعتراف به خطاست. اگر زیاد بوی آشتی نمی‌دهد، لااقل حالت طلبکاری هم ندارد. در حالیکه در جواب شلاقی که به بنده دادند، نه تنها اثری و خبری از ناراحتی وجدان و عذر کارگری نبود، که مقداری هم منت گردنم گذاشته و نوشته بودند که مقاله فلانی را «به سابقه دوستی چهل ساله» نقل کرده‌ام. که پیدا بود از قصور من در عرض تشکر، رنجیده‌اند. گر چه، آدم چه می‌داند؟ شاید عقل من نرسیده و ایشان در عالم دوستی خواسته‌اند با این «نقل مرقع» مرا هم در حوزه ولایت فقیه به عزتی برسانند.

باری، بعد از این دل‌داری به نویسنده آسیب دیده، می‌خواهم جسارتاً تذکری هم به آقای دکتر عهم بدهم. و آن، اینست که اگر توانسته‌اند، برای رفع مسئولیت عذرکارگر فکری را در برابر آقای میلانی مقیم آن طرف دنیا، بدون ضایعه مادی عنوان کنند، به بی خطر بودن آن در همه جا امیدوار نباشند. دستور کارفرما، حتی درکارهای ساختمانی، از کارگر، در برابر خسارت وارده به دیگران، رفع مسئولیت نمی‌کند. علی‌الخصوص که آقای دکتر عهم در امور تعلیم و تربیتی هم، کارفرما دارند. از آن می‌ترسم که – به شیوه مرسوم در جمهوری اسلامی که شرحی در باره فواید حجاب زنها، از قول دهخدا به لغت نامه او افزودند – ایشان هم به سفارش کارفرماشان، آیت الله رئیس دانشگاه امام صادق ع، فی‌المثل، ترجمه تازه و غیر متحضنی از کتاب «روح القوانين» برای تدریس در کلاس علوم سیاسی عرضه کنند که در آن فصلی در باره برتری نظام ولایت مطلقه فقیه بر تمام رژیمهای سیاسی به قلم مونتهسکیو، آمده باشد. و، در مقابل بازخواست احتمالی، به عذرکارگری متعذر بشوند. که در این صورت، هیچ بعید نمی‌دانم که دانشجویان – که مزایای ولایت فقیه را در خیابان، در کلاس درس، در خوابگاه و در سلولهای اوین، شناخته‌اند – در اولین فرصت، و حتی قبل از فرو ریختن ساختمان، دستمزد استاد کارگر را، با نزول دیر کرد، کف دستش بگذارند.

تیرماه ۱۳۸۰

➔ از عربی و فارسی» تشخیص داده و در ترجمه آورده‌اند. این هم خیال می‌کنم نتیجه دوری دراز مدت نویسنده از محیط ادبی کشور است. ما، در ایران يك مكتب اختصاصی ترجمه داشتیم، که هر چند رو به تعطیل است، ولی هنوز پیروانی دارد. خصوصیت مكتب مزبور اینست که مترجم بین نویسنده و خواننده بی طرف نمی‌ماند. پیشرو این مكتب که از مترجمین معروف و پرکار بود، اظهار وجود مترجم را برای تصحیح کجرویهای نویسنده لازم می‌دانست و مترجمین وفادار به متن – مثل قاضی و توکل و به‌آذین – را «مترجمین متحصن» می‌نامید. می‌گفت اینها در حصن و پناه نویسنده، خواننده را گمراه می‌کنند. حالی که مترجم «غیر متحصن» با سبک سنگین کردن موضوع، شخصیت خودش را بروز می‌دهد. ما، در آن روزگاران، بین خودمان این قبیل ترجمه را ترجمه «ازمیری» لقب داده بودیم. وجه تسمیه هم این بود که يك وقتی رئیس جمهوری ترکیه، شاید جلال بایار، به سفر رسمی به ایران آمده بود. چون غیر از ترکی هیچ زبان دیگری نمی‌دانست، سرمیز شام داریوش کویال را به عنوان مترجم در فاصله دو صندلی محمد رضا شاه و رئیس جمهوری نشاندد. داریوش کویال، که هر جا هست امیدوارم به سلامت باشد، از همکاران ما در وزارت خارجه و جوانی بذله گو و به نهایت دوست داشتنی بود. وقتی مهمانان از سر میز شام بلند شدند و رئیس جمهوری با یکی از وزرایش مشغول صحبت شد، شاه با استفاده از فرصت، آهسته ولی با لحن تعرض به کویال گفت: – اواخر شام، موقع دسر رئیس جمهوری مدتی حرف زد که شما نفهمیدم چرا ترجمه نکردید؟! کویال جواب داد:

– برای اینکه مزخرف می‌گفت، قربان.

– مزخرف می‌گفت؟

– بله، قربان از خربزه گراگ اصفهان که داشت می‌خورد، تعریف می‌کرد. ولی می‌گفت خربزه‌های ازمیر ما از این شیرین‌تر و خوشبوتر است. ده، مزخرف می‌گوید، قربان! من خربزه ازمیر را می‌شناسم، مادرم اهل ازمیر است. اینها آنجا يك چیزی مثل کدو حلوائی می‌خورند که خیال می‌کنند خربزه است. آن وقت این آقا می‌گوید آن کدوهای ازمیری از خربزه گراگ بهتر است!

باری، آخرین اثری که از بانی و پیشرو مكتب «غیر متحصن» به یادمانده عباراتی از ترجمه‌اش از يك رمان تاریخی الکساندرو دوما است:

«دوک دوموهرنسی با چهره گرفته مدتی در اتاق قدم زد آنگاه در برابر پیشکار خود ایستاد و گفت:

– آلفونس، از شما می‌خواهم که بی درنگ به فونتن بلو حرکت کنید. وقتی کنتس دوبارم را تنها یافتید بگوئید: دوک دوموهرنسی از دور و از قلب میدان جنگ بر دستهای شما بوسه می‌زند و می‌گوید آنچه شنیده‌اید ساخته و پرداخته دشمنان است و نباید مورد توجه کنتس قرار گیرد. فرمود، سعدیا گوش مکن بر سخن اعدایت!»

حالا رمان جای خود، شنیده‌ام یکی از بزرگان مكتب «غیر متحصن»، سی چهل سال پیش، در ترجمه کتاب روح القوانين مونتهسکیو، آنجائی که نویسنده در شرح انواع حکومتها می‌نویسد: «سه نوع حکومت وجود دارد: جمهوری – سلطنتی – استبدادی»، بنا به مصلحت وقت یا اعتقاد خود، آنها را به دو نوع «سلطنتی – استبدادی» ترجمه کرده است.

پس، جزئیاتی مثل تعیین لهجه هویدا، در مقابل ابتکارات مكتب ترجمه غیر متحصن چیزی نیست. از این گذشته می‌خواهم دوستانه به آقای میلانی نصیحت کنم که زیاد پایی دکتر عهم نشود. چون و چرا در باره تألیفات ایشان ممکن است به غیرت حزب‌الله بر بخورد. و در این صورت آقای میلانی همین باریکه راه به داخل کشور را هم از دست خواهد



زودتر نیروگاه، ماجرای سد چمشیر را به مجلس شورای اسلامی هم کشاند. جمال محمدولی سامانی مسئول مطالعات آب در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره ابهامات این طرح سدسازی و نیروگاهی گفته بود که «به استعلامی که از ما شده بود از مجلس شورای اسلامی و اصل نود پاسخ دادیم که دو مورد برآیمان سوال است. یکی این که دوره آماری مورد استفاده منتهی به ۱۴۰۰ یا ۱۴۰۱ نیست و متعلق به ۱۲ سال قبل است. در آن گزارشی که دریافت کردیم یکی از نواقصش این است چون شرایط ۱۲ سال پیش، از نظر میزان بارش و شرایط خشکسالی، شرایط بهتری نسبت به ۱۰ یا ۱۲ سال فعلی است که در آن بسر می‌بریم. مطالعات هیدرولوژی باید بروز بشود. دوم این که بحث گسلی که بر اساس مطالعات زمین‌شناسی تا حدی آمده است و معلوم نیست که این گسل تا مخزن ادامه پیدا می‌کند یا نه.»

منتقدان بهره‌برداری از سد چمشیر آن را با سد گتوند در استان خوزستان مقایسه می‌کنند که یکی پروژه‌های فاجعه‌آمیز جمهوری اسلامی بود. سد گتوند یکی از بزرگ‌ترین سدهای ایران بر روی رودخانه کارون در جنوب غربی ایران است. این سد، در فاصله ۳۸۰ کیلومتری از سرچشمه‌های حوضه آبریز کارون، در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال شهرستان شوشتر و در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی شهر گتوند در استان خوزستان قرار دارد.

این سد در نزدیکی یکی از بزرگ‌ترین معادن نمک منطقه با صدها میلیون تن ذخیره نمکی احداث شد و نادیده گرفته شدن چنین موضوع مهمی از سوی مسئولان سبب شد گنبد‌ها و رگه‌های نمکی پس از آبیگری سد به زیر آب رفته و منجر به افزایش شوری آب در پایین‌دست این سد و بروز مشکلاتی جدی برای کشاورزانی که زمین‌هایشان از آب این رودخانه تغذیه می‌کرد شد.

همچنین به زیر آب رفتن مساحت بزرگی از زمین‌های مرغوب و حاصلخیز دشت عقیلی و برخی از آثار باستانی و تخریب صدها اصله درخت از دیگر حاشیه‌هایی است که گتوند به عنوان رسوایی سدسازی جمهوری اسلامی بود.

اکنون بسیاری از کارشناسان معتقدند سد چمشیر نیز مانند سد گتوند هزینه‌های غیرقابل جبران زیست محیطی و اقلیمی و همچنین تخریب زیست‌بوم عشایری و آثار و محوطه‌های باستانی را در پی خواهد داشت.

آبیگری شده است.»

در سال ۱۳۹۶ با ارزیابی‌های اولیه باستان‌شناسان در محدوده آبیگری سد چمشیر، ۱۲۰ محوطه باستانی شناسایی شد. کاوشگران همچنین، استقرارگاه‌های موقت زیادی متعلق به عشایر را شناسایی کرده‌اند.

عقیل عقیلی باستان‌شناس در اینباره گفته بود که نتیجه تلاش همکاران باستان‌شناس در رابطه با محوطه‌هایی که در بخش قبل و بعد از سد وجود داشتند، نشان می‌داد که زندگی از چیزی حدود ۷ هزار یا ۸ هزار سال قبل از میلاد مسیح در مجاورت رود عظیم زهره در جریان بوده و تا دوران هخامنشی و دوران پهلوی و حتا حال حاضر هم جریان داشت.

او افزوده بود که «متأسفانه در صورت آبیگری سد چمشیر این منطقه زیبا با زندگی عشایری و تمام حیات و تاریخی که در آنجا وجود دارد، زیر آب خواهند رفت. تشخیص داده شده که این محوطه روی گسل قرار دارد و حتا به دلیل وجود سازنده‌های نمکی، آهکی و از جنس گچ، آب ذخیره شده در مخزن تحت تأثیر این میزان مواد طبیعی قرار خواهد گرفت و خود موضوع پیچیده‌ای خواهد شد.»

به گفته عقیل عقیلی «نه تنها حیات در مخزن سد از بین خواهد رفت بلکه آثار تاریخی بسیاری هم در این منطقه وجود دارد که آنها هم به دلیل عدم بررسی کامل به زیر آب می‌روند و در عمق ۱۰ الی ۲۰ متر از آب مدفون می‌شوند. این اتفاق منجر می‌شود که ما فرهنگ‌های متعدد به همراه آثار تاریخی و موزه‌ای فراوانی را در این منطقه از دست بدهیم.» او افزوده که «دمای هوا در این منطقه از اواسط فروردین ماه شروع به بالا رفتن می‌کند و در پایان تابستان به اوج خود می‌رسد و با ذخیره شدن آب در پشت سد عملاً حجم زیادی از آب در فصول گرم تبخیر خواهد شد. این منطقه، مهم‌ترین مکان برای عشایر است که می‌خواهند فصل سرد را در آن بگذرانند و برای شروع فصل گرم به سرحداث خنک‌تر کوچ کنند. می‌شود با نمایش همین روند زندگی عشایری درآمد برای عشایر عزیز و زحمتکش و کل مملکت، از طریق وارد کردن گروه‌های گردشگر خارجی حاصل کرد و از این منطقه و حیاتی که در آن وجود دارد به صورت حرفه‌ای‌تری درآمدزایی کرد.»

مخالفت کارشناسان محیط زیست و میراث فرهنگی با آبیگری این سد در کنار اصرار دولت بر راه‌اندازی هرچه

سیلاب‌ها و استفاده از آب ذخیره شده برای توسعه و بهبود فعالیت‌های کشاورزی در استان‌های بوشهر و خوزستان است. عملیات اجرای این طرح با اخذ مجوزهای لازم از جمله مجوز زیست محیطی از سال ۹۱ شروع شد و هم‌اکنون دارای پیشرفت فیزیکی ۹۵ درصد است.

محمدرضا فاضل گفته که با وارد شدن مرحله جدید آبیگری طرح و ذخیره سازی مناسب آب، این نوید را به کشاورزان پایین‌دست به ویژه کشاورزان دشت‌های زیدون و هندیجان می‌توان داد که در تابستان و پاییز سد چمشیر آبی مناسب را از لحاظ کیفیت و کمی برای آنها تنظیم خواهد شد.

معاون اجرایی طرح سد و نیروگاه چمشیر گچساران گفت: تأمین آب آشامیدنی و صنعتی، بهره‌مند شدن ۸۵ هزار هکتار زمین‌های کشاورزی استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و بوشهر، تولید ۴۸ گیگا وات برق آبی، ایجاد زیرساخت مناسب برای تولید صنعت آبزیان و صنایع وابسته، ایجاد بستر مناسب جهت توسعه گردشگری منطقه، کنترل سیلاب‌ها و استفاده بهینه از آب و جلوگیری از بروز خسارات سیلاب، اشتغال زایی، کنترل شوری آب رودخانه زهره و احیاء اراضی پایین دست از مهمترین اهداف این طرح اقتصادی می‌باشد.

محمدرضا فاضل در حالی این طرح را «اقتصادی» خوانده و گفته «مجزوها» برای ساخت این سد دریافت شده که مدت‌هاست کارشناسان محیط زیست و باستان‌شناسان نسبت به ساخت این سد هشدار داده و اعلام کرده‌اند که آبیگری این سد می‌تواند محوطه گسترده‌ای از دوره ساسانی را برای همیشه غرق کند.

البته موضوع آبیگری سد چرمشیر نیز از ماه گذشته توسط برخی فعالان محیط زیست اطلاع داده شده بود. آنها اعلام کرده بودند آبیگری این سد به دلیل موج مخالفت فعالان محیط زیست و میراث فرهنگی به صورت «مخفیانه» آغاز شده است.

محمد درویش فعال محیط زیست درباره آبیگری مخفیانه این سد گفته بود که «معمولاً مراسم آبیگری سدها با بوق و کرنای فراوان برگزار می‌شود و عالی‌ترین مقامات را دعوت می‌کنند، به خصوص اینکه این سد پنجمین سد بزرگ ایران است ولی می‌بینیم که کاملاً مخفیانه آبیگری را شروع کردند، مخزن سد چمشیر را پر کرده و حالا تصاویرش را منتشر کردند.»

علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران نیز در آذرماه ۱۴۰۱ گفته بود: «[در مورد] آنچه نصب شده ما نظر نداریم. قبلاً اعلام کردیم اجازه گتوند دوم را نمی‌دهیم. مواضع‌مان همین است تا راستی‌آزمایی انجام شود... نتایج کارهای میدانی مشخص شود اعلام موضع می‌کنیم. هیچ‌گونه آبیگری فعلاً انجام نمی‌شود.»

این در حالیست که سازمان حفاظت محیط زیست در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی نوشت: «به دلیل مطرح شدن تردیدهایی در خصوص وجود منابع شور در مخزن و دریاچه سد و احتمال شوری آب مؤید نگرانی‌ها و ابهامات جدی است. تا انجام و تکمیل مطالعات موجود، نظر سازمان عدم آبیگری این سد می‌باشد.»

تصاویر منتشر شده از این سد و مقایسه آن با چند سال قبل کاملاً گویای آغاز آبیگری در نیمه زمستان بود. سوم اسفند ماه نیز خبرگزاری مهر اعلام کرد «در حالی که ابهامات زیادی پیرامون سازنده‌های سد، وضعیت پسا آبیگری، وجود محوطه تاریخی و حتی چاه‌های نفت در سایت و مخزن سد چم شیر گچساران توسط کارشناسان و فعالان زیست محیطی مطرح بود، تصاویر منتشر شده نشان می‌دهد این سد در بارش‌های اخیر و در عین تکذیب‌های مکرر متولیان،

افزایش شمار کودکان بازمانده از تحصیل در ایران؛ فقر مهمترین علت است



به گفته معصومه نجفی پازوکی «۲۰ دلیل برای عدم حضور دانش‌آموزان در مدارس مشخص شده که فوت کودک، تحصیل در منطقه دیگر، ابتلا به بیماری صعب العلاج یا فقر خانواده از این جمله است. به عنوان مثال ۹۶ نفر ازدواج کرده‌اند که نمی‌توانند به مدرسه بروند، ولی ما می‌توانیم نزد آنها رفته و بسته آموزشی ارائه کنیم. البته سن دانش‌آموزان ازدواج کرده بالای ۱۲ سال است.»

آمار ارائه شده از سوی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش صرفاً برای کودکان تا ۱۱ سال است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اما با محاسبه تمام رده‌های سنی تا آموزش متوسطه دوم، تعداد ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از تحصیل بازمانده‌اند. مجموع کودکان بازمانده از تحصیل و ترک تحصیل کرده نشان می‌دهد حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار کودک و نوجوان در سراسر کشور از حق تحصیل محروم مانده‌اند!

علیرضا عبدی رئیس سازمان نهضت سوادآموزی نیز امرداد امسال با هشدار نسبت به تبعات افزایش تعداد جمعیت بازمانده از تحصیل گفته بود که «امروز آسیبی که از گروه بازماندگان از تحصیل متحمل می‌شویم ۹ برابر جمعیت جامانده از تحصیل است. گروه بازمانده از تحصیل جمعیت کمی دارد، اما آسیب‌های خیلی جدی برای جامعه به وجود آورده‌اند.»

از سوی دیگر در کنار کودکانی که پس از شیوع بیماری کرونا و اختلال در وضعیت معیشتی خانواده از تحصیل دور مانده‌اند، باید کودکان مهاجر افغانستانی را هم در نظر داشت که پس از استقرار طالبان در آن کشور از تابستان ۲۰۲۱، تعدادشان در ایران بیشتر شده و تحت فشارهای چندجانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کرونا، شرایط پیچیده‌تری دارند.

همچنین کودکانی که به هر دلیل فرصت تجربه کافی برای حضور در محیط‌های آموزشی ندارند، به دلیل اینکه پیش از رشد عقلی و آموزش‌های لازم وارد «بازار کار» می‌شوند، در کمین انواع آسیب‌های اجتماعی و جرائم از اعتیاد و سرقت و حتی قتل و البته مشکلات روحی و روانی قرار دارند.

اینکه نیازمند رفتن به مدرسه هستند، اما به دلایل مختلفی در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی مشغول به تحصیل نیستند. افزایش فقر، بیکاری و گرانی ازمهمترین دلایل افزایش شمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل است و بسیاری از آنها برای کمک به تأمین هزینه‌های زندگی مجبور به ترک مدرسه و پایان دادن به ادامه تحصیل شده‌اند. از سوی دیگر شیوع کرونا و عدم دسترسی دانش‌آموزان تنگدست به ابزارهای آموزش آنلاین، مانند موبایل و تبلت و اینترنت، سبب موجی دیگر از ترک تحصیل در ایران شد.

از سوی دیگر در مناطق کم‌برخوردار کشور مانند سیستان و بلوچستان و کهگلویه و بویر احمد عدم دسترسی دانش‌آموزان ساکن روستاها به مدرسه، و همچنین کمبود فضای آموزشی برخی دانش‌آموزان را از تحصیل محروم می‌کند. سرانه فضاهای آموزشی کشور نیز در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ از ۵/۱۷ مترمربع به ۵/۲۲ مترمربع رسیده است. سرانه فضای آموزشی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در همین بازه زمانی سهم بیشتری بین مقاطع تحصیلی داشته‌اند. در همین سال تحصیلی گذشته سهم مقاطع تحصیلی ابتدایی از این سرانه ۵۷/۲، متوسطه اول ۱۸/۸ و متوسطه دوم ۲۴/۰ درصد بوده است.

این موضوع زمانی بحران موجود در زمینه فضای آموزشی را پررنگ می‌کند که در طرح «مولدسازی» که جمهوری اسلامی در حال اجرای آنست قرار است چند هزار مدرسه نیز فروخته شود. بر اساس این طرح دولت بخشی از اموال عمومی را به مزایده گذاشته و می‌فروشد تا کسری بودجه نظام جبران شود. در فهرست ناقص منتشر شده از املاکی که قرار است به فروش برسد چند هزار مدرسه نیز وجود دارد! معصومه نجفی پازوکی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش به تازگی در یک نشست خبری اعلام کرده بود که «ابتدای سال تحصیلی جاری آمار متولدین شش تا ۱۱ سال از سوی سازمان ثبت احوال اعلام شد و سامانه سیدا نیز تعداد دانش‌آموزان ثبت‌نام شده در مدارس را اعلام کرد و آمارها حاکی از آن بود که ۲۰۴ هزار و ۳۱۲ نفر بازمانده از تحصیل هستند.»

● تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ معادل ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ کودک و نوجوان بوده و بیش از ۲۷۹ هزار دانش‌آموز ترک تحصیل کرده‌اند.

● افزایش فقر، بیکاری و گرانی ازمهمترین دلایل افزایش شمار دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل است و بسیاری از آنها برای کمک به تأمین هزینه‌های زندگی مجبور به ترک مدرسه و پایان دادن به ادامه تحصیل شده‌اند.

● در مناطق محروم کشور مانند سیستان و بلوچستان و کهگلویه و بویر احمد عدم دسترسی دانش‌آموزان ساکن روستاها به مدرسه، و همچنین کمبود فضای آموزشی برخی دانش‌آموزان را از تحصیل محروم می‌کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی از ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ دانش‌آموز بازمانده از تحصیل و ۲۷۹ هزار دانش‌آموز ترک تحصیل کرده در ایران خبر داده است. این گزارش هولناک نشان می‌دهد طی ۶ سال تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور بیشتر از ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده که اصلی‌ترین دلیل آن «فقر» است.

تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با ارائه آماری از دانش‌آموزان اعلام کرده که تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ معادل ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ کودک و نوجوان بوده و بیش از ۲۷۹ هزار دانش‌آموز ترک تحصیل کرده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد طی ۶ سال تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور بیشتر از ۱۷ درصد افزایش پیدا کرده‌اند. پنج استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان بیشترین فراوانی نسبی بازماندگان از تحصیل را دارند.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده که «علیرغم سیاست‌گذاری مکرر در قبل و بعد از انقلاب در خصوص پوشش کامل تحصیلی و جذب همه کودکان بازمانده از تحصیل، این اهداف تحقق نیافته و تعداد ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ کودک لازم‌التعلیم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از تحصیل بازمانده‌اند و تعداد ۲۷۹ هزار و ۱۹ دانش‌آموز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ ترک تحصیل کرده‌اند.»

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده که از سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ تا سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ تنها ۱۷۸ هزار و ۲۳۸ دانش‌آموز به چرخه تحصیل برگشته‌اند که این آمار کمتر از ۵ درصد کل دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در این بازه زمانی است.

وبسایت «خبرآنلاین» با انتشار آمار کودکان بازمانده از تحصیل نوشته که گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد «دست بسیاری از کودکان و نوجوانان به حق تحصیل نمی‌رسد.»

سالانه گزارش‌های مختلفی از ترک تحصیل دانش‌آموزان و بازماندگان از تحصیل منتشر می‌شود که به دلایلی چون فقر، اعتیاد و طلاق والدین، بدسرپرستی یا نداشتن سرپرست مؤثر، ازدواج زودهنگام، مشکلات جسمی، فقر فرهنگی، مهاجرت و... امکان آغاز یا ادامه تحصیل را از دست می‌دهند.

بر اساس تعاریف، کودکان بازمانده از تحصیل کودکانی هستند که به دلیل تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسیتی، فقر فرهنگی و سایر محدودیت‌ها و محرومیت‌ها از تحصیل بازمانده‌اند؛ کودکانی با گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال که با وجود

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به دنبال «رقصندگان اکباتان»



نعمتی، علیرضا کفایی و مهدی حسینی چهار جوان ساکن اکباتان را به قتل این بسیجی متهم کرد. اینهمه در حالیست که همچنان ساکنان شهرک اکباتان اعتراضات را با شعارهای شبانه و اقداماتی چون رقص دختران جوان در روز جهانی زن پیش می‌برند.

اکنون در حالی نهادهای امنیتی به دنبال شناسایی پنج دختری که به «رقصندگان اکباتان» معروف شده‌اند هستند که بیش از سه ماه است دانش‌آموزان به ویژه دختران دبیرستانی هدف حملات سازمانیافته شیمیایی قرار گرفته‌اند و هنوز خبری از شناسایی آمران و عاملان این حملات نیست!

وزارت اطلاعات روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۱ بالاخره درباره مسمومیت دانش‌آموزان بیانیه‌ای منتشر کرد که در مجموع نشان می‌دهد یا هنوز سرنخی در دست ندارند و یا به دلیل وابستگی این حملات به خود حکومت نمی‌توانند سرنخی اعلام کنند!

خبرگزاری هرانا در گزارشی اعلام کرده که از ابتدای آذرماه ۱۴۰۱ دست‌کم ۲۹۰ مورد حمله به مدارس گزارش شده که حداقل ۷۰۶۸ دانش‌آموز در ۹۹ شهر از ۲۸ استان کشور را تحت تاثیر قرار داده است. این گزارش تأکید کرده که تعداد دانش‌آموزان شناسایی شده تنها مربوط به ۱۰۳ مدرسه‌ای است که آماری در این رابطه اعلام کرده‌اند.

عدم پاسخگویی مقامات امنیتی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی درباره حملات سازمانیافته در مدارس دو احتمال را در افکار عمومی ایجاد کرده است: یا این حملات توسط بخشی از دستگاه حکومت انجام می‌شود و مانند قتل‌های زنجیره‌ای جمع و جور کردن آن برای حکومت دشوار است. یا حملات آنقدر حساب‌شده و سازمانیافته است که نهادهای امنیتی و انتظامی را سردرگم و آشفته کرده و نتوانسته‌اند هنوز ردی از عوامل آن پیدا کنند.

«Calm down» (آرام باش) از «رما» خواننده اهل نیجریه و «سلنا گومز» خواننده آمریکایی اجرا کردند. این ویدئو با استقبال گسترده کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران و جهان روبرو و هزاران بار به اشتراک گذاشته شده است.

اکنون بر اساس گزارش‌های منتشر شده در ایران، نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی با کنترل دوربین‌های شهرک اکباتان به دنبال یافتن و بازداشت این پنج دختر جوان هستند. اکانت توئیتری «شهرک اکباتان» که خبرهای مربوط به این شهرک را منعکس می‌کند نیمه شب پنجشنبه ۱۸ اسفندماه از تلاش نیروهای امنیتی برای شناسایی این دختران خبر داد. در این توثیق آمده که «امروز اومده بودن دنبال فیلم دوربین‌های بلوک ۱۳ برای شناسایی این دختری که فقط رقصیدن و هیچ کار سیاسی نکرده بودن دیده شده که داشتن دوربین هارو چک میکردن و نگهدارو سوال و جواب میکردن از طرفی پیچ شخصی که این اثر قشنگو بجا گذاشته بود دی اکثرو شده».

این اکانت در ادامه نوشته «هرجوری که شده به این دخترا برسونین که مواظب خودشون باشن و اینم بیگم که بلایی سر این دخترای مظلوم‌بیان جوابشو خواهند دید. هنوز انتقام دختری که شیمیایی کردن مونده بگیریم تو چهارشنبه سوری کاری نکنین که بلایی از چهارشنبه سوری سال ۸۸ بدتر سرتون بیاریم».

شهرک اکباتان از جمله مناطقی در تهران است که ساکنان آن در جریان خیزش انقلابی نقش فعالی در اعتراضات علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند. در جریان اعتراضات چهارم آبان امسال آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و در پی آن میلاد آرمون، حسین

● ویدئوی رقص پنج دختر جوان در روز هفدهم اسفندماه، برابر با هشتم مارس و همزمان با روز جهانی زن، منتشر شد. این دختران بدون حجاب اسلامی و در محوطه بلوک ۱۳ شهرک اکباتان تهران رقص گروهی زیبایی را با آهنگ «Calm down» (آرام باش) از «رما» خواننده اهل نیجریه و «سلنا گومز» خواننده آمریکایی اجرا کردند. ● اکانت توئیتری «شهرک اکباتان» که خبرهای مربوط به این شهرک را منعکس می‌کند نیمه شب پنجشنبه ۱۸ اسفندماه از تلاش نیروهای امنیتی برای شناسایی این دختران خبر داد.

● نهادهای امنیتی در حالی به دنبال شناسایی «رقصندگان اکباتان» هستند که بیش از سه ماه است دانش‌آموزان به ویژه دختران دبیرستانی هدف حملات سازمانیافته شیمیایی قرار گرفته‌اند و هنوز خبری از شناسایی آمران و عاملان این حملات نیست!

● وزارت اطلاعات روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۱ بالاخره درباره مسمومیت دانش‌آموزان بیانیه‌ای منتشر کرد که در مجموع نشان می‌دهد یا هنوز سرنخی در دست ندارند و یا به دلیل وابستگی این حملات به خود حکومت نمی‌توانند سرنخی اعلام کنند!

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی در حالی که کشور با بحران مسمومیت‌های شیمیایی در سطح ملی روبروست به دنبال یافتن هویت و بازداشت پنج دختر جوان هستند که ویدئویی از رقص آنها در شهرک اکباتان تهران در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

ویدئوی رقص پنج دختر جوان در روز هفدهم اسفندماه، برابر با هشتم مارس و همزمان با روز جهانی زن، منتشر شد. این دختران بدون حجاب اسلامی و در محوطه بلوک ۱۳ شهرک اکباتان تهران رقص گروهی زیبایی را با آهنگ

هشدارها نسبت به کمبود بحرانی دارو و تجهیزات پزشکی در ایران در سال آینده



● کارشناسان و متخصصان حوزه دارو و سلامت معتقدند مبلغ بودجه اگر دو برابر هم شود، پاسخگو نخواهد بود و سال آینده با یک فاجعه در حوزه دارو مواجه خواهیم شد.

● موج اخیر کمبود دارو در کشور پس از آغاز به کار دولت سیزدهم در نیمه سال ۱۴۰۰ و حذف ارز ترجیحی برای واردات مواد اولیه آغاز شد.

● در چنین وضعیتی که کمبود دارو بطور مستقیم جان و سلامت شهروندان را تهدید می‌کند وزیر بهداشت جمهوری اسلامی به دنبال راهکارهایی برای «تعامل» این وزارتخانه با حوزه علمیه است!

رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با اشاره به کمبود ارز در کشور هشدار داده که سال آینده در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی مشکل جدی خواهیم داشت.

حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی هشدار داده که سال آینده در حوزه تجهیزات پزشکی مشکل جدی خواهیم داشت و امروز این مسئله را اعلام می‌کنیم که در سال آینده نگویند چرا نگفتید. اگر ارز مورد نیاز تأمین نشود به چالش بر می‌خوریم.

رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش قیمت روزافزون دارو و کمبود دوره‌های اقلام مختلف دارویی گفته که «در تمام جلسات بدون استثناء مشکلات حوزه سلامت به رئیس جمهوری منتقل شده است و دستوراتی هم از سوی وی داده می‌شود، اما چالش‌ها همچنان وجود دارند و نتوانسته‌ایم در مفهوم سلامت به نتیجه‌ای مشخص با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برسیم.»

حسینعلی شهریاری افزوده که «۹۷ درصد داروی مصرفی کشور تولید داخل است، اما سالانه ارز بسیاری برای مواد اولیه هزینه می‌شود و شاید حدود ۷۰ درصد مواد اولیه از چین و هندوستان وارد می‌شود. این مواد بر اساس ارز در اختیار تأمین می‌شود، البته مواد اولیه ای که چین به اروپا می‌دهد به دلیل دریافت پول بیشتر، مرغوب‌تر است.»

رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه «مسئله دارو بسیار حساس است و نمی‌توان با آن بازی کرد» گفت: «متأسفانه با سازمان برنامه و بودجه به یک زبان مشترک نرسیده‌ایم و در سال آینده قطعا در بحث دارو با چالش جدی روبرو خواهیم بود، ارز مورد نیاز تأمین دارو امسال به صورت کامل تخصیص نیافت در حالی که باید مشکلات را پذیرفت.»

انتقادهای بودجه اختصاصی برای دارو با انتقادهای گسترده‌ای روبرو بوده است. حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو نیز از بودجه تعیین‌شده برای دارو انتقاد کرده است: «بودجه ۶۹ هزار میلیارد تومانی برای دارو منجر به کمبود در

یافته اما شما به من بگویید کجاست؟ ما الان عملاً یورو نداریم. یا حداقل اگر یورو در منابع کشور وجود دارد، تخصیصش به شرکت‌های دارویی با وقفه انجام می‌شود. بیش از ۴ هفته است که این اتفاق افتاده است. اگر عملیات تأمین ارز ۴ هفته عقب بیفتد، اثرات ناگواری بر تأمین محصول ساخته‌شده‌ای که بیمار می‌خواهد استفاده کند، خواهد داشت.»

این فعال صنفی معتقد است که با این بودجه، سال آینده در بهترین حالت ۴ تا ۵ ماه می‌توانیم وضعیت را تحمل کنیم. بعدش باید کاسه چه کنم در دست بگیریم.

به گفته مجتبی بوربور «همه دست‌اندرکاران حوزه سلامت به خصوص حوزه دارو نگران وضعیت موجود هستند. مسئولان سازمان غذا و دارو، ذی‌نفعان و تولیدکنندگان دارو در شرایط نبود بودجه، با محدودیت‌های منابع ارزی و با این همه نوسان دارند می‌جنگند برای این که داروهای مردم سر وقت به آنها برسد. واقعیت این است که وضعیت می‌توانست خیلی بدتر از این باشد. من چند وقت پیش اعلام کرده بودم که اگر درست کار نکنیم، به کمبود ۱۰۰۰ قلم دارو هم می‌رسیم. اما الان اعتراف می‌کنم که سازمان غذا و دارو در دو سه ماه اخیر بهتر از چیزی که فکر می‌کردم، عمل کرده است.»

کارشناسان و فعالان صنفی در حالی نیست به تولید و تأمین داروی مورد نیاز کشور در سال آینده هشدار می‌دهند که امسال نیز کمبود اقلام مختلف دارو در شهرهای مختلف بحران‌ساز شد.

موج اخیر کمبود دارو در کشور پس از آغاز به کار دولت سیزدهم در نیمه سال ۱۴۰۰ و حذف ارز ترجیحی برای واردات مواد اولیه آغاز شد. طی سال ۱۴۰۰ داروهای وارداتی ۶ تا برابر داروهای تولید داخل هم با توجه به میزان ارز تأمین مواد اولیه ۳۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشتند. مدیر کل امور دارویی سازمان غذا و دارو نیز آذرماه ۱۴۰۰ پیش‌بینی کمبود دست‌کم ۴۰۰ تا ۵۰۰ قلم دارو را در صورت عدم تأمین ارز دولتی کرده بود.

چند ماه بعد و در آبان‌ماه ۱۴۰۱ اما کمبود دارو به داروهای معمولی چون شربت آنتی‌بیوتیک و آمپول ویتامین ث رسید. همزمان علی فاطمی نایب رییس انجمن داروسازان نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا»، از نایاب شدن برخی داروهای ساده به ویژه داروهای کودکان در داروخانه‌ها خبر داد. او گفت: «شربت دیفن‌هیدرامین، شربت استامینوفن و بروفن برای تب بچه‌ها و شیف استامینوفن برای کودکانی و نوزادان که باید استامینوفن را به صورت شیف استفاده کنند در داروخانه‌ها به اندازه کافی پیدا نمی‌شود.»

در چنین وضعیتی که کمبود دارو بطور مستقیم جان و سلامت شهروندان را تهدید می‌کند وزیر بهداشت جمهوری اسلامی به دنبال راهکارهایی برای «تعامل» این وزارتخانه با حوزه علمیه است!

بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی اواخر بهمن‌ماه از آمادگی وزارت بهداشت برای «تعامل» با حوزه‌های علمیه و «جامعه المصطفی» در تدوین «پیوست فرهنگی سلامت» خبر داد و گفت: «کار فرهنگی می‌تواند افراد مجاهد، خدوم و ایثارگری تربیت کند که برای خدمت در مناطق کمتر برخوردار داوطلب شوند و تحقق عدالت در سلامت و دسترسی عادلانه به خدمات با کیفیت بهداشتی و درمانی را سرعت ببخشند!»

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی افزوده بود که «باید به اجرای پیوست‌های فرهنگی توجه جدی شود و ما آمادگی همکاری با حوزه‌های علمیه و جامعه المصطفی را برای ترویج فرهنگ قرآنی و دینی در کشور و حوزه پزشکی داریم و دولت برای اجرای پیوستهای فرهنگی نیز تشویق‌های ویژه‌ای قرار داده است.»

حوزه دارو خواهد شد و باید پرسید چرا این اتفاق افتاده، در حالی که تورم در حال افزایش است.»

پیشتر نیز مسعود پزشکیان عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی نسبت به بدتر شدن وضعیت دارویی کشور در سال آینده هشدار داده و گفته بود که «واقعیت این است که با برداشتن ارز دارو، ما دچار مشکلات زیادی خواهیم شد و سال آینده وضع بدتر خواهد شد. آنچه به عنوان مابه‌التفاوت ارز دارو در بودجه دیده شده، از محل هدفمندی یارانه‌ها است که هیچ ربطی ندارد.»

به گفته مسعود پزشکیان «با این وضعیت، در سال آینده با مشکل کمبود دارو و تجهیزات مواجه خواهیم شد. بیمارستان‌ها هم پولی برای جایگزینی نخواهند داشت. آنچه دولت برای یارانه دارو و تجهیزات اختصاص داده، ۶۹ همت است. در حالی که حداقل باید ۱۶۰ همت به عنوان مابه‌التفاوت ۳ میلیارد دلار ارز دارو و تجهیزات، می‌دادند تا بتوان شرایط را در سال آینده کنترل کرد.»

همانطور که مسعود پزشکیان اشاره کرده دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۲ کل کشور، بودجه دارو را ۶۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است. موضوعی که انتقاد و نگرانی کارشناسان حوزه سلامت و تولید دارو واردات دارو را به دنبال داشته است.

کارشناسان و متخصصان حوزه دارو و سلامت معتقدند این مبلغ اگر دو برابر هم شود، پاسخگو نخواهد بود و سال آینده با یک فاجعه در حوزه دارو مواجه خواهیم شد؛ از تشدید قیمت انواع دارو گرفته تا ورشکسته شدن تولیدکنندگان و مشکلات واردات دارو.

مجتبی بوربور نائب رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو در گفتگو با «همشهری» توضیح داده که «وقتی ذخایر استراتژیک ما در حوزه مواد اولیه، اقلام بسته‌بندی و داروهای ساخته‌شده وارداتی امسال کاهش پیدا کرده، و نیز با توجه به این که بودجه در نظر گرفته‌شده فقط ۳۰ تا ۳۵ درصد نیاز کشور را جوابگو است، سال آینده بطور می‌توانیم کمبودهای دارویی نداشته باشیم؟»

او افزوده که «قیمت کاغذ و اقلام بسته‌بندی منتج از کاغذ در ماه جاری تقریباً ۲ برابر شده و پیش‌بینی می‌شود که بعد از عید تا ۳ برابر هم افزایش قیمت داشته باشد. این فقط مثال کاغذ است و از قیمت سایر اقلام بسته‌بندی صرف نظر می‌کنم. در زمینه اقلام وارداتی هم الان تخصیص ارز به شدت کم شده است.»

نایب رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو درباره کمبود ارز گفته که «ارز یورویی در سیستم بانکی اصلاً موجود نیست. البته اعلام می‌کنند که در سامانه نیما مثلاً این قدر ارز تخصیص

تعیین رقم حداقل دستمزد در گما؛ کارگران نگران معیشت سال آینده



● رقم سبد معیشت در حالی حدود ۱۸ میلیون تومان تعیین شده که برآورد اقتصاددانان برای هزینه معیشت معمولی یک خانوار در تهران حداقل ۳۲ میلیون تومان و برای خانواده ساکن دیگر نقاط ایران بطور میانگین ۲۰ میلیون تومان است.

● اختلاف میان درآمدها و هزینه‌های زندگی برای اقشار کارگری و بازنشسته و شماری از کارمندان دولت به حدی عمیق شده که درآمدهای این خانوارها فقط برای هزینه زندگی یک هفته تا ۱۰ روز در ماه کفایت می‌کند.

● تورم ایران در محدوده ۵۰ درصدی قرار دارد و این به معنای اینست که هر رقمی امروز برای دستمزد تعیین شود، در ماه‌های آینده به دلیل تورم، ارزش واقعی‌اش را از دست خواهد داد و فاصله میان هزینه و درآمد خانوارهای کارگری و بازنشسته بیشتر خواهد شد.

در حالی که شورای عالی کار فقط یک هفته برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال آینده فرصت دارد، تا کنون جلسات این شورا به نتیجه نرسیده است. جامعه کارگری ایران چندان به خروجی این جلسات امیدوار نیست و معتقد است در نهایت رقم حداقل دستمزد کارگران خیلی کمتر از هزینه سبد معیشت تعیین خواهد شد.

کمیته دستمزد در شورای عالی کار در حال برگزاری جلساتی برای تعیین رقم حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲ است. در شرایطی که دولت امسال برای دومین سال پیاپی با نقض قوانین تعیین رقم حداقل دستمزد، میزان افزایش حداقل دستمزدها را در لایحه بودجه گنجانده بود اما همچنان با فشار نمایندگان کارگری امسال نیز مانند سال گذشته قرار است رقم حداقل دستمزد در شورای عالی کار و در کمیته‌ای متشکل از نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت تعیین شود.

نمایندگان کارگری رقم سبد معیشت در سال جاری برای یک خانوار ۳/۳ نفره ۱۷ میلیون و ۸۴۸ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام کردند. معمولاً هر ساله با محاسبه سبد معیشت، رقم حداقل دستمزد بر مبنای آن تعیین می‌شود و البته طی سالهای گذشته فاصله معناداری میان رقم محاسبه شده برای سبد معیشت و رقم دستمزد وجود داشته است. برای نمونه در سال گذشته رقم سبد معیشت حدود ۵/۹ میلیون تومان تعیین شد اما رقم دستمزد کارگران با فرض دریافت همه مزایای شغلی از جمله حق مسکن و حق اولاد به ۶ میلیون تومان هم نمی‌رسید.

فرامرزی توفیقی رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شورای اسلامی کار گفته که بنا بر داده‌های رسمی مرکز آمار بهمن ماه ۱۴۰۱، هزینه سبد غذایی خانوارهای کارگری ۳/۳ نفره به ۶ میلیون و ۵۲۲ هزار تومان رسیده است، یعنی «حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ کارگران به اضافه تمام ملحقات فقط دویست تا

سیصد هزار تومان بیشتر از هزینه سبد خوراکی‌ها در بهمن ماه» بوده است.

رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شورای اسلامی کار افزود که به این ترتیب «کل حداقل دستمزد ماهانه» کارگران فقط هزینه «خوراکی‌ها، آن هم خوراکی‌های ساده و حداقلی» می‌شود. توفیقی با اشاره به محاسبه رقم سبد معیشت خانوارهای کارگری گفته که در این محاسبه هزینه سبد خوراکی‌ها ارزیابی شده و سایر هزینه‌های معیشتی نظیر تورم بخش مسکن، سلامت و پوشاک ارزیابی نشده است که اگر این هزینه‌ها را هم براساس داده‌های بهمن ۱۴۰۱ مرکز آمار ایران مورد ارزیابی قرار دهیم، سبد معیشت خانوار کارگری ۱۷ میلیون و ۸۴۳ هزار تومان خواهد شد.

به گفته رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شورای اسلامی کار، هزینه سبد معیشت خانوار کارگری در اسفند ماه سال ۱۴۰۰ و هنگام شروع مذاکرات مزدی کارگران سال ۱۴۰۱ معادل ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان بود اما هزینه سبد معیشت کارگران طی یک سال ۸ میلیون و ۸۶۸ هزار تومان افزایش یافته و اکنون به بیش از ۱۷ میلیون و ۸۴۰ هزار تومان افزایش یافته است.

امسال نیز رقم سبد معیشت در حالی حدود ۱۸ میلیون تومان تعیین شده که برآورد اقتصاددانان برای رقم سبد معیشت یک خانوار در تهران حداقل ۳۲ میلیون تومان و برای خانواده ساکن دیگر نقاط ایران به طور میانگین ۲۰ میلیون تومان است. از سوی دیگر تورم ایران در محدوده ۵۰ درصدی قرار دارد و این به معنای اینست که هر رقمی امروز برای دستمزد تعیین شود، در ماه‌های آینده به دلیل تورم، ارزش واقعی‌اش را از دست خواهد داد و فاصله میان هزینه و درآمد خانوارهای کارگری و بازنشسته بیشتر خواهد شد.

برای نمونه مسکن بعنوان یک کالای ضروری که به گفته کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی سهمی بیشتر از ۶۰ درصد در سبد هزینه خانوار دارد، تورمی بزرگ‌تر از ۴۰ درصد را از سر گذرانده، هزینه بهداشت و درمان ۵۴ درصد بیشتر و حمل و نقل ۵۰ درصد گران شده است.

صورت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیروز با اشاره به تعیین تکلیف میزان حقوق و دستمزد کارگران برای سال آینده گفت: به همه استان‌ها هم اعلام شده تا با برپایی جلسه‌ای با نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان نظرات خود را به کارگروه ملی ارسال کنند

اصغر آهنی‌ها نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار با بیان اینکه وقتی افزایش حقوق‌ها اتفاق می‌افتد، آثار آن را در تورم مشاهده می‌شود، گفته که «در شورای عالی کار به دنبال این هستیم که یک عدد و رقم منطقی برای حقوق در نظر گرفته شود.»

نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار افزوده است: «واقعیت این است که با تورم‌های ایجاد شده، شرایط سختی را در بخش کارگری داریم» اما تعیین افزایش حقوق ۲۰ درصدی از سوی دولت برای کارمندان، می‌تواند بر تعیین حداقل دستمزد کارگران نیز تأثیرگذار باشد.

گزارش رسانه‌های داخلی حکایت از آن دارد که امسال مراحل تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۲ به دلیل اختلاف جامعه کارگری و کارفرمایی روی حداقل هزینه سبد معیشت خانوار کارگری تاکنون به سرانجام نرسیده و جلسات قبلی کمیته دستمزد شورای عالی کار برای تعیین این شاخص مهم بی نتیجه بوده است.

حمید نجف کارشناس حوزه کار درباره روند تعیین رقم حداقل دستمزد و عدم تناسب آن با نرخ تورم گفته که «فقط چند روز تا پایان سال باقی مانده و نمایندگان کارگران و کارفرمایان هنوز برای تعیین هزینه معیشت خانوار به توافق نرسیده‌اند. بدیهی است هر چه به انتهای سال نزدیک می‌شویم، ضریب خطای تصمیماتی که درباره دستمزد خواهیم گرفت، بالاتر خواهد رفت، لذا باید دستمزد را از مسایل حاشیه‌ای خارج کنیم.»

به گفته این کارشناس حوزه کار «جامعه کارگری نگران دستمزد سال آینده است و نباید با کار نمایی‌های در آخرین ساعات سال به فکر تصویب دستمزد بیفتیم، بلکه باید دغدغه ۱۲ میلیون کارگر ایرانی را که با حساسیت جلسات مزد را دنبال می‌کنند، درک کنیم.»

حمید نجف با انتقاد از شیوه تعیین دستمزد طی چند روز پایانی سال گفته که «۱۱ ماه سال را نادیده می‌گیریم و از برگزاری جلسات شورای عالی کار و طرح چنین مباحثی در آنجا خودداری می‌کنیم بعد به یکباره دو هفته مانده به عید به جای مشخص شدن تکلیف دستمزد به دنبال مسایل حاشیه‌ای دستمزد و مزد منطقه‌ای می‌رویم. نجف تأکید کرد: بررسی مزد منطقه‌ای کار دو هفته آخر سال نیست. یکسال وقت داشتیم به این مباحث بپردازیم و با این کار به نظر می‌رسد دستمزد تحت الشعاع قرار خواهد گرفت و به حاشیه خواهد رفت و نگرانی جامعه کارگری را به دنبال خواهد داشت.»

اختلاف میان درآمدها و هزینه‌های زندگی برای اقشار کارگری و بازنشسته و شماری از کارمندان دولت به حدی عمیق شده که درآمدهای این خانوارها فقط برای هزینه زندگی یک هفته تا ۱۰ روز در ماه کفایت می‌کند. این روند سبب انتقاد برخی کارشناسان «خودی» در جمهوری اسلامی شده؛ از جمله فرشاد مومنی اقتصاددان در نشست اخیر موسسه دین و اقتصاد با انتقاد از برنامه‌های اقتصادی دولت که منجر به بالارفتن نرخ تورم و کاهش قدرت خرید جامعه کارگری شده است، گفت: «حداقل دستمزد نیروی کار ما که در ابتدای فروردین ۱۴۰۱ حدود ۲۵۳ دلار بود بعد از ۱۱ ماه به ۱۲۲ دلار رسید. این فقر و فلاکت را تا کجا می‌خواهید ادامه دهید؟»

فقر گسترده در جامعه و زندگی مشقت‌بار میلیون‌ها خانواده در ایران به یکی از عوامل مهم اعتراضات علیه حکومت تبدیل شده است. در همین رابطه حسین راغفر اقتصاددان اصلاح‌طلب گفته که «دیر یا زود مسئولین عالی رتبه کشور باید تصمیم بگیرند که این نظام همان‌دیر یا زود صدای مردم به اشکال مختلف در خواهد آمد.»

حسین راغفر افزوده که «گاز مجانی، برق مجانی، سنگ آهن مجانی که اموال این مردم هست، به عده‌ای می‌دهند و آنها فولاد تولید شده را صادر می‌کنند و پولش را به مملکت بر نمی‌گردانند و اگر برگردانند می‌گویند که هر جور دلمان بخواهد خرج می‌کنیم. به همین دلیل است که اشکال مختلف شورش را شاهدیم. خودکشی نوعی شورش است. اعتیاد نوعی شورش است. مهاجرت نوعی شورش است.»

پیر نوروز

(تاریخ نشر در کیهان لندن: فروردین ۱۳۸۲ - شماره ۹۴۷)

بازنشر

آمد بهار خرم و آورد خرمی
وز فر نوبهار شد آراسته زمی

نوروز اگرچه روز نو سال است روز کهنه قرنهایست. پیری فرتوت است که سالی یک بار جامه جوانی می پوشاند تا به شکرانه آن که روزگاری چنین دراز به سر برده و با اینهمه دمسردی زمانه تاب آورده است، چند روزی شادی کند. از اینجاست که شکوه پیران و نشاط جوانان در اوست...

پیر نوروز یادها در سردارد. از آن کرانه زمان می آید، از آنجا که نشانش پیدا نیست. در این راه دراز رنجهای دیده و تلخیهای چشیده است. اما هنوز شاد و امیدوار است. جامه های رنگ رنگ پوشیده است. اما از آن همه، یک رنگ بیشتر آشکار نیست و آن رنگ ایران است.

درباره خلق و خوی ایرانی سخن بسیار گفته اند. هر ملتی عیبهایی دارد. در حق ایرانیان می گویند که قومی خوپذیرند. هر روز به مقتضای زمانه به رنگی در می آیند، با زمانه می ستیزند بلکه می سازند. رسم و آئین هر بیکانه ای

گاهی فرستاده اهریمن دلیری می کرد و پیش می تاخت تا فر را بریاید، اما خود را با پهلوان روبرو می یافت و غریو دلیرانه او به گوشش می رسید. اهریمن گامی واپس می نهاد. پهلوان دلیر و سهمگین بود. گاهی پهلوان پیش می خرامید و می اندیشید که دیگر فر از آن اوست. آنگاه اهریمن شیخون می آورد و نعره او در دشت می پیچید. پهلوان درنگ می کرد و اهریمن سهمگین بود.

در این پیکار روزگارها گذشت و داستان این زد و خورد افسانه شد و بر زبانها روان گشت. اما هنوز نبرد دوام داشت. پهلوان سالخورده شد، فرتوت شد، نیروی تنش سستی گرفت، اما دل و جانش جوان ماند. هنوز اهریمن از نهیب او بیمناک است. هنوز پهلوان دلیر و سهمگین است. این همان پهلوان است که هر سال جامه رنگ نوروز می پوشد و به یاد روزگار جوانی شادی می کند.

اگر بر ما ایرانیان این روزگار عیبی باید گرفت، این است که تاریخ خود را درست نمی شناسیم و درباره آنچه بر ما گذشته است، هرچه را که دیگران گفته اند و می گویند



یک دختر کرد در تدارک نوروز در پالنگان ایران

طوطی وار تکرار می کنیم.

اروپاییان از قول یونانیان، می گویند که ایران پس از حمله اسکندر یکسره آداب یونانی گرفت. و از جمله نشانه های این امر آن که مورخی بیکانه نوشته است که در دربار اشکانی نمایشهایی به زبان یونانی می دادند. این درست مانند آن است که بگوئیم ایرانیان امروزه یکباره ملیت خود را فراموش کرده اند، زیرا که در بعضی مهمانخانه ها مطربان و آوازخوانهای فرنگی به زبانهای ایتالیایی و اسپانیایی مطربی می کنند.

کمتر ملتی را در جهان می توان یافت که عمری چنین دراز به سر آورده و با حوادثی چنین بزرگ روبرو شده و تغییراتی چنین عظیم در زندگیش روی داده باشد و پیوسته، در همه حال، خود را به یاد آورده باشد و دمی از گذشته و حال و آینده خویش غافل نشود.

مسلمان شدن ایرانیان به ظاهر پیوند ایشان را با گذشته دراز و پرافتخارشان برید. همه چیز در این کشور دیگرگون شد و به رنگ دین و آیین نو درآمد، هرچه نشانه و یادگار گذشته بود در آتش سوخت و بر باد رفت. اما یاد روزگار پیشین مانند سمندر از میان خاکستر برخاست و در هوای

را می پذیرند و شیوه دیرین خود را زود فراموش می کنند. بعضی از نویسندگان این صفت را هنری دانسته و راز بقای ایران را در آن جستند. من نمی دانم که این صفت عیب است یا هنر است. اما در قبول این نسبت تردید و تأملی دارم. از روزی که پدران ما به این سرزمین آمدند و نام خانواده و نژاد خود را به آن دادند، گویی سرنوشتی تلخ برای ایشان مقرر شده بود. تقدیر چنان بود که این قوم، نگهبان فروغ ایزدی یعنی دانش و فرهنگ باشد، میان جهان روشنی که فرهنگ و تمدن در آن پرورش می یافت و عالم تیرگی که در آن کین و ستیز می رویید، سدی شود و نیروی یزدان را از گزند اهریمن نگهدارد.

پدران ما از همان آغاز کار، وظیفه ستیغ خود را دریافتند. زردشت از میان گروه برخاست و مأموریت قوم ایرانی را درست و روشن معین کرد؛ فرمود که باید به یاری یزدان با اهریمن بجنگند تا آنگاه که آن دشمن بدکنش از پا درآید. ایرانی بار گران این امانت را به دوش کشید. پیکاری بزرگ بود. فرکیان، فرمزدا آفرید، آن فر نیرومند ناگرفتنی را به او سپرده بودند، فری که اهریمن می کوشید تا بر آن دست بیابد.

دکتر پرویز ناتل خانلری

ایران پرواز کرد.

بیش از آنچه ایرانیان رنگ بیکانه گرفتند، بیکانگان ایرانی شدند: جامه ایرانی پوشیدند، آیین ایرانی پذیرفتند، جشنهای ایران را برپا داشتند و پیش خدای ایران زانوی ادب بر زمین زدند. از بزرگانی مانند فردوسی بگذریم که گویی رستاخیز روان ایران در یک تن بود. دیگران که به ظاهر جوش و جنبشی نشان نمی دادند، همه در دل، زیر خاکستر بی اعتنائی اخگری از عشق ایران داشتند. نظامی مسلمان که ایرانیان باستان را آتش پرست و آیین شان را ناپسند می داند و آنجا که داستان عدالت هرمز ساسانی را می سراید، بی اختیار حسرت و درد خود را نسبت به تاریخ گذشته ایران بیان می کند و می گوید:

جهان ز آتش پرستی شد چنان گرم
که بادا زین مسلمانی ترا شرم!

حافظ که عارف است و می کوشد که نسبت به کشمکشها و کین توزیها بی طرف و بی اعتنا باشد و از روی تجاهل می گوید:

ما قصه سکندر و دارا نخوانده ایم
از ما به جز حکایت مهر و وفا می رس

باز نمی تواند تأثیر داستانهای باستانی را از خاطره بزداید، هنوز کین سیاوش را فراموش نکرده است و به هر مناسبتی از آن یاد می آورد و می گوید:

شاه ترکان سخن مدعیان می شنود
شرمی از مظلمه خون سیاوشش باد

کدام ملت دیگر را می شناسیم که به گذشته خود، به تاریخ باستان خود، به آیین و آداب گذشته خود بیش از این پای بند و وفادار باشد؟ این جشن نوروز که دو سه هزار سال است با همه آداب و رسوم در این سرزمین باقی و برقرار است مگر نشانی از ثبات و پایداری ایرانیان در نگهداشتن آیین ملی خود نیست؟

نوروز یکی از نشانه های ملیت ماست. نوروز یکی از روزهای تجلی روح ایرانی است، نوروز بهران این دعوی است که ایران، با همه سالخوردگی، هنوز جوان و نیرومند است. در این روز باید دعا کنیم. همان دعا که سه هزار سال پیش از این زردشت کرد:

منش بد شکست بیابد.

منش نیک پیروز شود.

دروغ شکست بیابد.

راستی بر آن پیروز شود.

خرداد و مرداد بر هر دو چیره شوند.

گرسنگی و تشنگی.

اهریمن بدکنش ناتوان شود.

و رو به گریز نهد.

و نوروز بر همه ایرانیان

فرخنده و خرم باشد.



رضا مقصدی



رباعی‌های بهاری

از پونه، پیام آشنا می‌آید
عطر علف از عاطفه‌ها می‌آید
خیزد و به روی عاشقان گل‌ریزد
ای منتظران! بهار ما می‌آید

باز آمدن تو، باز دیدن دارد
سرسبزی لبریز تو، چیدن دارد
با این همه درد کهنه، نوروز! هنوز
آواز تو از دلم، شنیدن دارد

من چون چمنم تو بادِ فروردینی
من، داغ هزار لاله، تو نسربینی
آزاده‌تر از سرودِ سروستانم
گر با من و آرزوی من، بنشین

دیدار بنفشه‌زار را باور کن
بیداری جویبار را باور کن
بر شانه‌ی شادمان گلبرگ و درخت
گسترده‌ی بهار را باور کن

این بار، چو این بهار می‌باید زیست
سرشار و شکوفه‌بار، می‌باید زیست
امروز که رنگ شادیت سرخ‌تر است
شاداب‌تر از انار، می‌باید زیست

برخیز و بیفشان و بباران، ما را
سبز است ترانه‌ی بهاران، ما را
ای شعله‌ی هر شکفته، ای آتش عشق
برخیز و برانگیز و بسوران، ما را

اینجایم و ریشه‌های جانم آنجاست
زیبایی باغ ارغوانم آنجاست
دیربست درین قفس نفّس می‌شکنم
گر خاک شود تنم، روانم آنجاست

در خانه، صدای پای گندم سبزست
در سینه، سروده‌های گندم سبزست
شادا ز پس زردترین حادثه‌ها
شعرِ من و ماجرای گندم سبزست

اینک که تو با منی و من با گلِ سرخ
همواره در آتش است با ما گلِ سرخ
در شعرِ معطرش رها باید گشت
شادا من و شادا تو و شادا گلِ سرخ



محمد رضا شفیعی کدکنی



در روزهای آخر اسفند
کوچ بنفشه‌های مهاجر
زیباست
در نیم روز روشن اسفند
وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد
در اطلس شمیم بهاران
با خاک و ریشه
میهن سیارشان
در جعبه‌های کوچک چوبی
در گوشه‌ی خیابان می‌آورند
جوی هزار زمزمه در من

می‌جوشد

ای کاش

ای کاش آدمی وطنش را

مثل بنفشه‌ها

در جعبه‌های خاک

یک روز می‌توانست

همراه خویش برود هر کجا که خواست

در روشنائی باران

در آفتاب پاک



لعبت والا



گل، همان گل

سبزه، ساغر، سیب، سنبل...

آسمان نوبهاران هم همان،

با همان رنگین کمان

عطر نرگس، لاله، یاس زرد

رقص گلبرگ شکوفه

با نسیم دوره‌گرد،

نغمه‌های مرغ خوشخوان،

بزم گنجشگان بازیگوش

روی شاخ و برگ سرخ ارغوان،

پیک شادی، مزده نوروز باور

آرزوی سال بهتر،

مهر بی پایان یاران

از همه سوی جهان،

بیش از اینها هم هنوز...

باز بنیم روز تو، پیروز نیست

شور و حال خانه چون دیروز نیست

باید از نو خانه را آراست

از غبار اهرمن پیراست

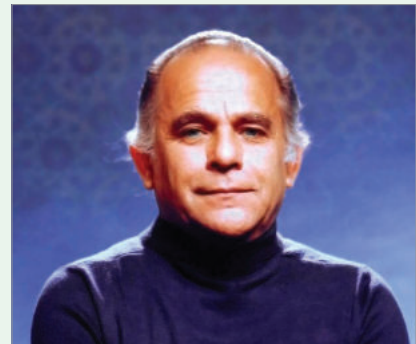
تا رسد نوروز پیروزی ز راه

بگذرد کابوس این روز سیاه

لندن - نوروز ۱۳۸۳



فریدون مشیری



بوی گل نرگس؟

نه،

که بوی خوش عید است!

شو پنجره بگشا، که نسیم است و نوید است.

رو خار غم از دل بکن، ای دوست،

که نوروز هنگام درخشیدن گلهای امید است.

بر لاله از برف برون آمده بنگر،

چون روی تو، کز بوسه من سرخ و سپید است.

با نقل و نیبدم نبود کار، که امروز

روی تو مرا عید و لبث نقل و نیبدم است.

گر با دل خونین، لب خندان پیسنیدی

با من بزنی این جام، که ایام، سعید است!

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک

شاخه‌های شسته باران خورده، پاک

آسمان آبی و ابر سپید-برگهای سبز بید

عطر نرگس، رقص باد

نغمه و بانگ پرستوهای شاد

خلوت گرم کبوترهای مست

نرم نرمک میرسد اینک بهار

خوش بحال روزگار ...

خوش بحال چشمه‌ها و دشتها

خوش بحال دانه‌ها و سبزه‌ها

خوش بحال غنچه‌های نیمه باز

خوش بحال دختر میخک که میخندد به ناز

خوش بحال جان لبریز از شراب

خوش بحال آفتاب ...

ای دل من، گرچه در این روزگار

جامه‌ی رنگین‌فی‌پوشی به کام

باده‌ی رنگین‌فی‌نوشی ز جام

نقل و سبزه در میان سفره نیست

جامت از آن می‌که می‌باید تهی است

ای دریغ از «تو» اگر چون گل نرقصی با نسیم

ای دریغ از «من» اگر مستم نسازد آفتاب

ای دریغ از «ما» اگر کامی نگیریم از بهار ...

گر نکوبی شیشه غم را به سنگ

هفت رنگش میشود هفتاد رنگ



گلشیفته فراهانی و برنار هنری لوی در کجا ملاقات کردند و چه گفتند؟



● «هارپرز بازار» یک نشریه قدیمی و نخستین مجله مد زنان یا «فشن» ایالات متحده آمریکا است که در حال حاضر به چندین زبان در ۳۷ کشور جهان منتشر می‌شود. این نشریه چندی پیش گفتگویی خودمانی با گلشیفته فراهانی و برنار هنری لوی طی صرف شام داشت.

● کیهان لندن دو متن یک وبسایت فرانسوی را که چندی پیش به نقل از «هارپرز بازار» خبر این دیدار و گفتگو را منتشر کرد، ترجمه کرده و برای اطلاع در اختیار خوانندگان می‌گذارد. روز ۲۸ فوریه ۲۰۲۳ (۹ اسفند ۱۴۰۱) یک وبسایت فرانسوی دو مطلب نسبتاً کوتاه به نقل از «هارپرز بازار» منتشر کرد که خیلی زود مورد توجه مخاطبان ایرانی قرار گرفت.

«هارپرز بازار» یک نشریه قدیمی و نخستین مجله مد زنان یا «فشن» ایالات متحده آمریکا است که در حال حاضر به چندین زبان در ۳۷ کشور جهان منتشر می‌شود. نخستین شماره این مجله بیش از ۱۵۰ سال پیش در نوامبر ۱۸۶۷ در نیویورک و به عنوان نشریه هفتگی منتشر شد. مخاطبان این مجله مد عمدتاً قشرهای متوسط به بالا و زنانی هستند که به ادعای این مجله به دنبال «بهترین‌ها و شیک‌ترین‌ها برای خرید» هستند. و اما آنچه به نقل از این مجله در وبسایت فرانسوی منتشر شده، مربوط به دیدار و گفتگوی خودمانی گلشیفته فراهانی بازیگر سینمای ایران و جهان و برنار هنری لوی نویسنده و چهره رسانه‌ای فرانسه طی صرف شام است.

کیهان لندن دو متن این وبسایت فرانسوی به نقل از «هارپرز بازار» را برای آگاهی خوانندگان منتشر می‌کند. در یک مطلب با عنوان «موضع فرانسه در قبال ایران: گلشیفته فراهانی و برنار هنری لوی نظر می‌دهند» چنین آمده است:

«برنار هنری لوی نویسنده، فیلسوف و فیلمساز و گلشیفته فراهانی بازیگر در این مصاحبه مشترک با «هارپرز بازار» درباره موضع فرانسه در قبال ایران صحبت می‌کنند.

هارپرز بازار: نظر شما درباره موضع فرانسه در قبال ایران چیست؟

پ. ه. لوی: دولت فرانسه یکی از آنهاست که بیشترین تلاش را می‌کند. آنچه در نوامبر گذشته [۲۰۲۲] در پاریس رخ داد یک رویداد بزرگ است (منظور دیدار امانوئل ماکرون با پند تن از مخالفان رژیم از جمله مسیح علی‌نژاد است). رئیس‌جمهور در دیدار با مسیح علی‌نژاد این جمله از فرانسوا لاروشفوکو را خطاب به لویی شانزدهم بیان کرد که «این یک شورش نیست، یک انقلاب است! او اولین کسی بود که کلمه انقلاب را به کار برد.»

گ. فراهانی: به نظر من نیز فرانسه کشوریست که بیشتر از همه از آن می‌شنویم. امانوئل ماکرون شجاعت زیادی به خرج

می‌دهد. من از سوی فرانسه به عنوان فرزندخواندگی پذیرفته شده‌ام. وقتی به تبعید رفتم، این کشور بود که آغوش خود را به روی من باز کرد در حالی که بسیاری به من پشت کرده و به من مانند یک گناهکار نگاه کردند. من امروز بطور دائم مقاومت می‌کنم و هیچکس نمی‌تواند مانع این مقاومت شود. **هارپرز بازار:** برنار هنری لوی، شما در سال ۲۰۰۹ فراخوانی در حمایت از کارگردان زندانی جعفر پناهی در تهران دادید. شما اعلام کردید که او گواه زنده‌ایست بر اینکه شعله در ایران مَرده و روح انقلاب دموکراتیک در آنجا همچنان جریان خواهد یافت. وی در حال حاضر در حال گذراندن حکم شش سال زندان است [زمان دقیق این دیدار و مصاحبه هارپرز بازار که روز ۹ اسفند در وبسایت فرانسوی منتشر شده مشخص نیست ولی جعفر پناهی پس از هفت ماه حبس روز ۱۴ بهمن ۱۴۰۱ با وثیقه آزاد شد]. آیا به نظر شما ممکن است این شعله روزی خاموش شود؟

پ. ه. لوی: شعله هرگز خاموش نشد؛ این معجزه بشریت است. در دوران تاریکی، هنگامی که همه فکر می‌کنند نیروهای سرکوب و برده‌داری پیروز شده‌اند، اما شعله همچنان آنجا زنده است. زمانی که من علیه توتالیتاریسم شوروی مبارزه می‌کردم، با افرادی برخورد داشتم که فکر می‌کردند شوروی تا ابد برنده شده و اروپا برای همیشه به دو بخش تقسیم شده است. ****

در دومین گفتگو که در همین وبسایت فرانسوی و در همان روز به نقل از «هارپرز بازار» با عنوان «گلشیفته فراهانی و برنار هنری لوی: هنر در مبارزه» منتشر شده، چنین می‌خوانیم: «وقتی بادهای خشم می‌وزند، صداهایی هستند که بر روی شکاف‌ها پل می‌زنند. صدای گلشیفته فراهانی و برنار هنری لوی با فاصله گرفتن از افقی خوشبینانه و پر از امید، وقایع جهان را بررسی می‌کنند. اولی که مجبور به تبعید شده، فعالانه اخبار مبارزاتی را که در کشورش ایران جریان داشته دنبال می‌کند؛ و دومی بیش از پنجاه سال است از آرمان مردم تحت ستم دفاع کرده و این روزها از اوکراین دفاع می‌کند. «هارپرز بازار» با آنها در یک همنشینی شام گفتگو کرده است.

هارپرز بازار: این نخستین دیدار شماست. چه تصویری از یکدیگر دارید؟

گ. فراهانی: به نظرم هیچ چیز مانع هنری لوی نیست. او نمی‌ترسد؛ احساس مسئولیت‌اش ممتاز است. او آگاه و با دانش و عظمت است. آشنایی با شما برای من باعث افتخار است.

پ. ه. لوی: من هم از این آشنایی مفتخرم. تصویری که من از شما، گلشیفته، دارم، تصویر بازیگری است که تحت تأثیر رویدادهای تاریخ قرار گرفته. من شما را در شبکه‌های

اجتماعی دنبال می‌کنم و احساس می‌کنم تحت تأثیر سیاست و سرنوشت مردم کشورتان هستید و خود را موظف می‌دانید برای خدمت به آنها تلاش کنید. کاری که شما انجام می‌دهید بسیار مهم است! شما به یکی از مهم‌ترین صداهای مقاومت در ایران تبدیل شده‌اید. این اصلاً کم‌اهمیت نیست. این چیزی نیست که آدم یک روز صبح همینطوری تصمیم بگیرد...

گ. فراهانی: درست است. البته سعی کردم در برابر این احساس مقاومت کنم اما کار دیگری جز انجام این تعهد نمی‌توانم؛ انتخاب دیگری ندارم.

پ. ه. لوی: اول اینکه، شما چاره‌ای ندارید. دوم، دیگر نمی‌توانی آنرا از وجودت پاک کنی و سوم اینکه، تا وقتی این دوران انقلابی ادامه دارد، تمام نیرویت بلعیده می‌شود. شما باید بر این موضوع آگاهی داشته باشید. بیست سال پیش، من در افغانستان در دفتر حامد کرزی، رئیس‌جمهور وقت آن کشور، بودم که او خبر قتل یک روزنامه‌نگار یهودی آمریکایی را که برای وال استریت ژورنال کار می‌کرد دریافت کرد. نام او دانیل پرل بود و توسط القاعده در پاکستان سر بریده شده بود. من این خبر را مثل یک شوک فیزیکی دریافت کردم. با ناشرم تماس گرفتم تا به او بگویم که قرارداد کتاب در دست انتشارم را لغو می‌کنم تا در مورد قتل این ژورنالیست تحقیق کنم. و این کار را کردم. یک سال بین پاکستان و فرانسه رفت و آمد کردم. احساس می‌کردم به من نیاز هست. تمام انرژی من با این کار بلعیده شد. **گ. فراهانی:** از شنیدن این سخنان خوشحالم. این احساس من نیست که تصمیمات مرا به من دیکته می‌کند، بلکه تمامی وجودم است.

پ. ه. لوی: درست می‌گویید، این یک رابطه نفسانی است. **گ. فراهانی:** من به زبان سیاسی تسلط ندارم، اما چیزها را حس می‌کنم و احساس می‌کنم با مردم ایران همبسته هستم. ما نمی‌توانیم مستقیم به حکومت اسلامی حمله کنیم، اما می‌توانیم موانعی بر سر راه آن قرار دهیم. قدرت مانند یک شیر به خواب رفته است. اگر هنرمندان نتوانند آن را بیدار کنند، حداقل می‌توانند خوابش را بهم بزنند.

پ. ه. لوی: برهم زدن خواب شیرها، خواب گوسفندان و خواب تاریخ... نیچه می‌گوید حکومت‌ها هیولاهای سردی هستند که فکر می‌کنند می‌توانند قفس‌ها را بدون مزاحمت برای حیوانات بزرگتر کنند. درگیر شدن [با آنها] بسیار خطرناک است. ما ممکن است اشتباه کنیم اما فکر می‌کنم ما چاره‌ای نداریم. وقتی مانند خودتان درگیر یک فرآیند انقلابی هستید، هر روز با انتخاب‌های اخلاقی روبرو می‌شوید. و وقتی مردم به شما گوش می‌دهند، مسئولیت‌تان فوق‌العاده بیشتر خواهد بود و باید اعصاب پولادین داشت...»



باقر نمازی پاییز ۱۴۰۱ با میانجیگری عمان آزاد شد اما سیامک نمازی، عماد شرقی تاجر و مراد طاهباز ایرانی- آمریکایی‌هایی هستند که هنوز گروگان‌اند

آمریکا توافق برای تبادل زندانیان را «دروغ بی‌رحمانه» خواند؛ گروگانگیری «راه غیرهسته‌ای» جمهوری اسلامی برای باج گرفتن

می‌افتند، هدفی جز باج و امتیاز گرفتن ندارد. البته از داخل حکومت توصیه می‌کنند نسبت به این تبادلات، «استانداردهای سختگیرانه» در نظر گرفته شود تا قضیه جیسون رضاییان خبرنگار ایرانی- آمریکایی که بعد از آزادی از جمهوری اسلامی شکایت کرد و در نهایت جمهوری اسلامی به پرداخت ۱۵۰ میلیون دلار غرامت به او و خانواده‌اش محکوم شد، تکرار نشود. مبلغ کلانی که از پول‌های بلوکه شده ایران تأمین شده است. باقر نمازی زندانی دوتابعیتی اواسط مهرماه ۱۴۰۱ پس از شش سال و نیم آزاد شد. برخی رسانه‌های حکومتی در ایران آزادی باقر نمازی را نتیجه توافق ایران و آمریکا بر سر آزاد ساختن «هفت میلیارد دلار» از دارایی‌های مسدود شده ایران در کره جنوبی اعلام کردند.

همزمان با این رویدادها کریستین امانپور خبرنگار شبکه سی‌ان‌ان با سیامک نمازی در زندان گفتگوی زنده داشت. امکانی که فراهم شدن آن برای سایر خبرنگاران و زندانیان تقریباً غیرممکن است. در این مصاحبه سیامک نمازی از جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا خواسته است تا صدایشان را بشنود و آنها را به خانه بازگرداند.

گفتنی است که در واکنش به این مصاحبه، بانو یاسمین پهلوی در یک استوری اینستاگرامی خطاب به امانپور نوشت: «با توجه به اینکه شما قادر بودید مقامات جمهوری اسلامی را قانع کنید ترتیب گفتگوی زنده از زندان را با یکی از زندانیان‌شان بدهند، می‌توانید لطفاً از نفوذ خود در جنایتکاران استفاده کرده و ببینید چه بر سر #توماج آورده‌اند؟»

در این میان، برخی تحلیلگران معتقدند دروغ‌بافی‌های وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد توافق با آمریکا برای تبادل زندانیان پیام آمادگی تهران به واشنگتن برای «معاملات پشت پرده» و نظیر همان ماجراهایی است که در دولت باراک اوباما اتفاق افتاد. دست‌کم تجربه به مقامات جمهوری اسلامی آموخته روی این قضیه اصرار کنند چون استفاده از این اهرم تا کنون در مقابل دولت‌های غربی اثربخش بوده است چنانکه نازنین زاغری نیز در ازای پرداخت ۴۰۰ میلیون پوند آزاد شد. بعضی دیگر اما این سخنان را خرسازی می‌دانند. با این هدف که نظام نشان دهد همچنان در بین دولت‌های غربی ابزار معامله دارد و به مخالفان خود نیز چنین القاء کند که پشت پرده در حال زد و بند با آمریکاست.

شماری دیگر از ناظران این حرف‌ها را اهرمی برای تسلط بیشتر بر بازارهای ارزی و کنترل آن می‌دانند. برخی تحلیلگران اقتصادی معتقدند حتماً ادعای تداوم مذاکره با آمریکا می‌تواند در نوسانات نرخ ارز تأثیرگذار باشد.

بیشتر خانواده‌های سیامک نمازی، عماد شرقی و مراد طاهباز خواهد شد. «بی‌رحمانه» نامیدن این دروغ‌ها از سوی ند پرایس وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد توافق با ایالات متحده بر سر تبادل زندانیان را «دروغ بی‌رحمانه» خوانده است.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت کاخ سفید می‌گوید: «متأسفانه مقامات ایرانی در داستان‌بافی تردید نمی‌کنند و این جدیدترین ادعا موجب عذاب روحی بیشتر خانواده‌های سیامک نمازی، عماد شرقی و مراد طاهباز خواهد شد».

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۱ اسفند بار دیگر بر ادعای امیرعبداللهیان تأکید کرد و گفت، از ماه مارس سال گذشته در مورد تبادل زندانیان به «توافق مکتوب» رسیدیم و نماینده معرفی شده رسمی آمریکا نیز آن را امضا کرده است اما به بهانه‌های مختلف تا کنون از سوی دولت آمریکا اجرا نشده است!

کنعانی حتماً عنوان کرد که «از نظر جمهوری اسلامی تبادل زندانیان موضوعی کاملاً انسانی است و نباید دستمایه بازی‌های سیاسی قرار گیرد.» با اینهمه برخی رسانه‌های حکومتی اشاره کرده‌اند که مسئله مربوط به تبادل زندانیان آمریکایی- ایرانی در ازای آزاد ساختن بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران است. به این ترتیب، ادعای وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد اینکه آزادی زندانیان مسئله «انسانی» است زیر سؤال می‌رود.

روزنامه «فرهیختگان» چاپ تهران وابسته به تیم رسانه‌ای علی‌اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای می‌نویسد: «حسین امیرعبداللهیان در اظهاراتی که از آن قطعی شدن توافق با آمریکا بر سر مبادله منابع مالی ایران و برخی زندانی‌ها برداشت می‌شد خرساز شد. اظهار نظری که به سرعت قطعی بودن آن توسط طرف آمریکایی با ادبیات بدی تکذیب شد.»

فرهیختگان با این توضیح افزود: «این چندمین بار است که جناب وزیر خارجه گمانه‌هایی را طرح می‌کند که حداقل در رسانه قطعیت ندارد و سبب کاهش اعتبار وزارت خارجه ایران می‌شود.» البته امیرعبداللهیان به این صراحت که روزنامه فرهیختگان لو داد در مورد انگیزه‌های جمهوری اسلامی از مطرح کردن دائمی «تبادل زندانیان» صحبت نکرده بود بلکه هدف اصلی رژیم از اصرار روی این تبادل را آشکارا بیان کرد.

برخلاف ادعاهای وزارت خارجه جمهوری اسلامی مبنی بر تبادل زندانیان با انگیزه‌های انسانی روزنامه «فرهیختگان» به اصل ماجرا اشاره می‌کند: «آزادسازی پول‌های بلوکه ایران از راه غیرهسته‌ای.» با این توضیحات یکبار دیگر مشخص می‌شود که گروگانگیری‌های حکومت با شهروندان خارجی و دوتابعیتی که با اتهامات واهی دستگیر شده و به زندان

دولت آمریکا اجرا نشده است!

روزنامه «فرهیختگان» وابسته به تیم رسانه‌ای علی‌اکبر ولایتی می‌نویسد تکذیب اظهارات امیرعبداللهیان در مورد «قطعی شدن توافق با آمریکا بر سر مبادله منابع مالی ایران و برخی زندانی‌ها» توسط طرف آمریکایی با ادبیات بدی برای چندمین بار تکذیب شده که سبب کاهش اعتبار وزارت خارجه ایران می‌شود.

برخی تحلیلگران معتقدند دروغ‌بافی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد توافق با آمریکا برای تبادل زندانیان پیام آمادگی تهران به واشنگتن برای «معاملات پشت پرده» و نظیر همان ماجراهایی است که در دولت باراک اوباما اتفاق افتاد. بعضی دیگر آن را خرسازی می‌دانند. با این هدف که نظام نشان دهد همچنان در بین دولت‌های غربی ابزار معامله دارد و همچنین به مخالفان خود القاء کند که پشت پرده در حال زد و بند با آمریکاست.

ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه با خبرنگاری آسوشیتدپرس ادعای حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مورد توافق با ایالات متحده بر سر تبادل زندانیان را «دروغ» خوانده است.

پرایس توضیح داد، این یک «دروغ بی‌رحمانه» دیگر از سوی مقامات جمهوری اسلامی است زیرا فقط درد و رنج خانواده زندانیان را تشدید می‌کند. وی تأکید کرد «برای آزادی سه آمریکایی که به ناحق در ایران زندانی هستند بی‌وقفه تلاش می‌کنیم. تا زمانی که این افراد به آغوش خانواده‌هایشان بازنگردند، دست از تلاش برنخواهیم داشت.»

در همین ارتباط جان کربی سخنگوی شورای امنیت کاخ سفید نیز گفت: «متأسفانه مقامات ایرانی در داستان‌بافی تردید نمی‌کنند و این جدیدترین ادعا موجب عذاب روحی

دست جمهوری اسلامی بر گلوی صنعت گردشگری؛ از پلمب اقامتگاه‌ها تا ممنوعیت اتوبوس‌های دربست



● در نخستین پلمب سریالی مراکز گردشگری، شورای امر به معروف و نهی از منکر شهرستان کاشان با دستور دادستان این شهر هتل‌سرای عامری‌ها را به دلیل عدم رعایت حجاب توسط گردشگران پلمب کرد.

● عزت‌الله ضرغامی توضیحاتی داده که نشان می‌دهد همزمانی تعطیلات نوروز با ماه رمضان از دلایل موثر در افزایش سختگیری بر مراکز و اقامتگاه‌های گردشگری است.

● بنیانگذار کمپ کویری متین‌آباد: برای نوروز، پنج هزار مسافر از پیش رزرو کرده بودند. با این حکم و پلمب، ما با شوک اقتصادی مواجه شدیم و باید تمام مبالغ را به مسافران برگردانیم!

در ادامه محدودیت‌های اجتماعی از سوی جمهوری اسلامی تنها چند روز مانده به نوروز و آغاز فصل گردشگری در ایران چندین مرکز اقامتی پلمب و شرکت‌های مسافربری جاده‌ای نیز از کرایه دادن اتوبوس دربست منع شده‌اند.

در روزهای گذشته در اقدامی سازمانیافته از سوی حکومت چند مرکز مهم اقامت توریستی پلمب شدند. هتل‌سرای عامری‌ها در کاشان، مرکز طبیعت‌گردی یزد، نخلستان چاه عروس ابوزیدآباد کاشان، کاروانسرای دیر گچین در قم، قلعه تاریخی نارین میبد، و اکوکمپ گردشگری متین‌آباد در کویر نظنز از جمله مکان‌های گردشگری پلمب شده هستند.

در نخستین پلمب سریالی مراکز گردشگری، شورای امر به معروف و نهی از منکر شهرستان کاشان با دستور دادستان این شهر هتل‌سرای عامری‌ها را به دلیل عدم رعایت حجاب توسط گردشگران پلمب کرد. کمی بعد اکوکمپ متین‌آباد که یکی از شناخته‌شده‌ترین مراکز گردشگری کشور شمرده می‌شود نیز به دلیل رعایت نشدن حجاب پلمب شد و این روند تا کنون ادامه داشته است. «عدم رعایت شئونات اسلامی و عدم رعایت حجاب اسلامی» علت پلمب اقامتگاه‌ها و مراکز گردشگری عنوان می‌شود.

در روزهای گذشته همچنین مجتمع تجاری الماس کریم‌خان در تقاطع خیابان کریم‌خان و خیابان حافظ تهران هم به دلیل انتشار یک ویدئوی تبلیغاتی با حضور یک خانم بدون حجاب، توسط اماکن بخش طلا و جواهر پلمب شد.

عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی پانزدهم اسفندماه با اشاره به اهمیت عفاف و حجاب در جامعه از مدیران پایگاه‌های میراث ملی و جهانی و موزه‌دارها درخواست کرد در نوروز درباره رعایت حجاب برنامه‌ریزی داشته باشند.

عزت‌الله ضرغامی اما توضیحاتی داده که نشان می‌دهد همزمانی تعطیلات نوروز با ماه رمضان نیز از دیگر دلایل موثر در افزایش سختگیری بر مراکز و اقامتگاه‌های گردشگری است. او گفته که «تقارن نوروز با ماه مبارک رمضان باعث می‌شود تا اهمیت این موضوع بیشتر شود. درخواست من از مدیران پایگاه‌ها و موزه‌ها این است که در نوروز در رابطه با رعایت حجاب برنامه‌ریزی داشته باشند. ما تجربه برگزاری نمایشگاه بین‌المللی گردشگری را در ماه گذشته داریم و با ارائه راهکارهای مختلف این موضوع به‌خوبی مدیریت شد. در همین رابطه با توجه به شروع ماه مبارک رمضان نیز باید با تدوین برنامه‌های مناسب نظارت بر رعایت شئونات

اسلامی به‌خوبی مدیریت شود.»

علی اصغر شالبافیان معاون گردشگری کشور نیز درباره پلمپ برخی از مراکز گردشگری توضیح داده که «ارزش نهادن به هنجارهای فرهنگی همواره مهم بوده و در این زمینه وزارت میراث فرهنگی و فعالان گردشگری هم در این حوزه پیشگام بوده‌اند.»

علی اصغر شالبافیان افزوده که «اولویت اسکان افراد در مراکز اقامتی رسمی مجاز است و نظارت و توجه ما نیز روی همین مراکز بوده، مراکز گردشگری مشروط به عدم تظاهر [به روزه‌خواری] و رعایت حرمت ماه رمضان تمهیداتی اندیشیده و فضاهایی را برای مسافران خارج از دید اتخاذ کرده‌اند.»

احمد آخوندی مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد نیز روز سه‌شنبه ۲۳ اسفندماه درباره پلمپ پارک طبیعت‌گردی یزد گفت که در پی برگزاری برنامه‌ای «خارج از شئونات اسلامی» در این پارک طبیعت‌گردی، خود اداره‌کل میراث فرهنگی و گردشگری یزد پیگیری کرد و با اخذ حکم از دادستان شهر یزد و با همکاری اداره اماکن عمومی نیروی انتظامی به پلمپ این مجموعه گردشگری اقدام کرد.

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد دیگر مراکز گردشگری را نیز به پلمپ تهدید کرد و افزود: «واحدهای گردشگری باید با انجام برنامه در راستای شئونات اسلامی نسبت به برگزاری مراسم‌ها اقدام کنند، چراکه این اداره‌کل قاطعانه با هرگونه برنامه خارج از عرف و شئونات اسلامی و بدون اخذ مجوز برخورد خواهد کرد.»

احمد آخوندی گفته که «همه باید بدانند برنامه‌هایی که قصد دارند برگزار کنند، باید در راستای فرهنگ عمومی دارالعباده یزد و متناسب با زیست عقیقانه» باشد.

بر اساس بخشنامه‌ای که از طرف اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران به مدیران شرکت‌های حمل و نقل مسافربری مستقر در پایانه غرب ارسال شده، از

۲۰ اسفند ۱۴۰۱ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۲ ارائه سرویس دربستی، تمام قراردادهای دربستی منعقد و صورت وضعیت‌های دربستی صادره بدون هماهنگی و اخذ تاییدیه قبلی، وجاهت قانونی ندارد و با متخلفان برخورد خواهد شد.

این بخشنامه به این معناست که بسیاری از تورهای داخلی که با سرویس اتوبوس‌های دربست انجام می‌شود، در نوروز ۱۴۰۲ دچار مشکل جدی خواهند شد.

جمهوری اسلامی در حالی برنامه‌ریزی سازمانیافته‌ای برای محدود ساختن سفرهای گروهی نوروزی انجام داده که صنعت گردشگری ایران که اساسا از مشکلات ساختاری رنج می‌برد طی سه سال گذشته نیز به دلیل کرونا زیان گسترده‌ای را متحمل شده است. اکنون نیز پلمپ مراکز گردشگری و کنترل و سختگیری‌های بی‌مورد نه تنها روی کاهش مسافر بلکه بر اشتغال نیروی کار در این مراکز تأثیر منفی می‌گذارد.

در همین رابطه هادی اشرف واقفی یکی از کارآفرینان صنعت گردشگری ایران و بنیانگذار کمپ کویری متین‌آباد بر این نکته تأکید کرد که «برای نوروز پنج هزار مسافر از پیش رزرو شده بودند. با این حکم و پلمب ما با شوک اقتصادی مواجه شدیم و باید تمام مبالغ را به مسافران بازگردانیم. این در حالیکه در چند سال گذشته به دلیل شیوع کرونا، مراکز گردشگری زبان‌های زیادی را تحمل کرده‌اند.»

هادی اشرف واقفی در ادامه با اشاره به پلمپ ناگهانی این کمپ گفته که «صبح شنبه به محل کمپ مراجعه کردند و ضمن دستور برای تخلیه مسافران حاضر در کمپ اعلام کردند که کمپ متین‌آباد به دلیل رعایت نکردن حجاب از سوی گردشگران پلمب است!»

هادی اشرف واقفی درباره اینکه آیا قبل از این اتفاق به مجموعه هشدار داده شده بود، گفت: «همیشه بر رعایت حجاب تأکید شده است. ما هم در دیوارهای مجموعه بر رعایت حجاب به مسافران تأکید کرده‌ایم، ولی نمی‌توانیم شخصا در این خصوص ورود کنیم.»



رکود بی سابقه در بازار پوشاک ایران؛ مردم پولی برای خرید لباس عید ندارند

● امسال رکود در بازار پوشاک شدیدتر از سالهای گذشته است و حتی اگر شهروندانی در بازار و جلوی فروشگاهها دیده می شوند فقط برای تماشا و نظاره است و به ندرت خریدی صورت می گیرد.

● عضو هیئت مدیره اتحادیه نساجی و پوشاک ایران: افزایش قیمت ۴۰ درصدی پوشاک در بازار نسبت به سال گذشته، برای تولیدکنندگان و فروشندگان به نوعی زیان محسوب می شود و میزان خرید پوشاک توسط مردم به شدت کاهش داشته است.

در آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ خورشیدی بازار پوشاک ایران با رکودی بی سابقه روبروست و فعالان بازار می گویند افزایش قیمت ۴۰ درصدی پوشاک در بازار نسبت به سال گذشته برای تولیدکنندگان و فروشندگان زیان به بار آورده است.

خرید «لباس عید» در میان ایرانیان و حوزه فرهنگ ایرانی رسمی بسیار قدیمی است. همواره در آستانه نوروز دست کم یک دست لباس کامل زیر و رو و کفش برای همه اعضای خانواده خریداری می شد و حتی برخی باور داشته و دارند نپوشیدن لباس نو در شب عید بدشگون است. در سالهای گذشته اما گرانی ها و کاهش قدرت خرید مردم سبب شده که لباس عید از سبد مصرفی بسیاری از خانوارها حذف شود و یا در نهایت به خرید یک تکه لباس برای کودکان که ذوق و شوق عید را دارند اکتفا شود.

گزارشهای میدانی نشان می دهد امسال رکود در بازار پوشاک شدیدتر از سالهای گذشته است و حتی اگر شهروندانی در بازار و جلوی فروشگاهها دیده می شوند فقط برای تماشا و نظاره است و به ندرت خریدی صورت می گیرد. مجید افتخاری عضو هیئت مدیره اتحادیه نساجی و پوشاک ایران با اشاره به اینکه «در بازار پوشاک شب عید شاهد رکود فروش هستیم»، گفته که افزایش قیمت ۴۰ درصدی پوشاک در بازار نسبت به سال گذشته، برای تولیدکنندگان و فروشندگان به نوعی زیان محسوب می شود و میزان خرید پوشاک توسط مردم به شدت کاهش داشته است.

این فعال صنفی معتقد است که تأمین مواد اولیه برای تولیدکنندگان پوشاک ایرانی بسیار سخت و دشوار شده است بطوری که تا قبل از تشکیل تالار معاملات ارزی مواد اولیه با نرخ نیمایی به دست تولیدکنندگان می رسید ولی با تشکیل این تالار، در شرایط کنونی مواد اولیه و مورد نیاز تولیدکنندگان پوشاک ایرانی با نرخ آزاد به دست آنها می رسد که باید این شرایط را تغییر داد.

مجید افتخاری با بیان اینکه شرایط اقتصادی مردم نسبت به سالهای گذشته سخت تر شده است گفته که با توجه به اینکه خرید اقلام خوراکی در اولویت اقتصادی بسیاری

از مردم است باید به این موضوع مهم اشاره کرد که خرید پوشاک برای بسیاری از اقشارهای مختلف مردم جامعه چندان اهمیت ندارد.

عضو هیئت مدیره اتحادیه نساجی و پوشاک ایران توضیح داده که اخذ مالیاتهای سنگین به همراه مشکلات متعددی بیمه و هزینه های افسارگسیخته حقوق کارگران، کارمندان و تأمین انرژی بسیاری از تولیدکنندگان پوشاک در ایران را با مشکلات متعددی مواجه کرده است به طوری که شاهد تعطیلی بخش بزرگی از واحدهای تولیدی پوشاک در نقاط مختلف کشور بوده ایم. حسین آقا کوچکی رئیس اتحادیه صنف پیراهن دوزان و پیراهن فروشان تهران هم با بیان اینکه کسادی کامل از اوایل اسفند سال جاری بر بازار پوشاک به صورت محسوس حاکم بوده گفته که «متأسفانه شرایط نامطلوب اقتصادی مردم را به سوی تأمین کالاهای اساسی و خوراکی برای عید نوروز سوق داده است و به نوعی جای پوشاک در سبد معیشتی نوروزی خالی است».

حسین آقا کوچکی عدم فروش را زبانی چند جانبه ارزیابی کرده و گفته که «با توجه به تغییر مد و رنگ لباس با شروع هر سال باید به این نکته مهم اشاره کرد که تولیدکنندگان پوشاک اگر نتوانند محصولات تولیدی خود را در همان سال به فروش برسانند، در سال آینده دیگر توانایی فروش محصولات خود را به دلیل تغییر در مد و رنگ لباس نخواهند داشت».

به گفته این فعال صنفی قاچاق پوشاک با وجود ممنوعیت همچنان به کشور در برخی از مبادی و حتی از طریق کولبری انجام می شود که برای مقابله با آن باید راهکارهای اساسی را در نظر گرفت. از طرف دیگر ایجاد فضای سالم رقابتی بین تولیدکننده و واردکننده پوشاک چند سالی است که به عنوان یک شعار مطرح شده است ولی در عمل شاهد وقوع آن نیستیم. واردات پوشاک به کشور به دلیل سود هنگفتی که برای واردکننده دارد موجب شده تا پرنرگتر از سالهای گذشته حتی به صورت قاچاق رونق بگیرد.

مهدی لسان طوسی رئیس اتحادیه پوشاک مشهد درباره وضعیت بازار پوشاک در آخرین روزهای سال به وسایت «بازار» گفته که «آخرین گزارشها از سطح بازار حکایت کسادی وعدم رونق بازار دارد و فروشندگان پوشاک اظهار نگرانی می کنند، چراکه زمان پرداخت چکهایشان رسیده و پر کردن جای خالی آنها به دلیل فروش نامناسب برایشان مقدور نیست متأسفانه برخی از فروشندگان اعلام کرده اند که دیگر توان ادامه کار ندارند و ممکن است بعد از عید نوروز نسبت به ابطال پروانه خود اقدام کنند لذا در این شرایط مجبور هستند پوشاک را به هر قیمتی حتی پایین تر از قیمت اصلی آن عرضه کنند».

رئیس اتحادیه پوشاک مشهد معتقد است که دولت از ابزارهای موجود برای حمایت از تولیدکنندگان پوشاک استفاده نمی کند. او این ابزارها را حمایت دولت از کالاهایی که مزیت تولید دارند، از جمله پوشاک در زمینه های ایجاد شهرکهای صنفی و معرفی آنها به عنوان مناطق آزاد، تهیه مواد اولیه، پرداخت تسهیلات کم بهره و طولانی مدت، کاهش مالیات، کم شدن سهم کارفرما از بیمه تأمین اجتماعی، بازسازی و بروز رسانی مورد نیاز آنها در زمان مقتضی، ارائه یارانه برای حاملهای انرژی و هزینه های سربار را برشمرده است.

روزنامه «مردم سالاری» نیز هفته گذشته گزارش داده بود که «قاچاقچیان بازار پوشاک شب عید را به انحصار خود درآورده اند و دیگر تولیدکنندگان جایی برای عرضه ندارند. در عین حال برای خرید از همین بازار پر از محصول قاچاق خرید یک دست لباس حداقل ۵/۱ میلیون تومان آب می خورد. بدین صورت یک خانوار چهار نفره تنها برای خرید یک دست لباس برای هر یک از اعضا دست کم به شش میلیون تومان سرمایه نیاز دارد».

بر اساس این گزارش «اگر ازدحامی هم در جمعیت به چشم بخورد، دستها خالی اند. چرا که با توجه به قیمت های موجود و سایر مخارج زندگی، جیبها خالی مانده اند. حقوق بگیرانی که به محض دریافت دستمزد خود باید آن را خرج هزینه هایی همچون خوراک و اجاره مسکن کنند دیگر سرمایه ای برای به گردش درآوردن در بازار پوشاک نخواهند داشت».

قیمت شلوار جین مردانه از ۴۰۰ هزار تومان آغاز می شود و به دو میلیون تومان هم می رسد. اما رصد وبسایت های فروشگاه های پوشاک نشان می دهد، برخی از شلوارهای ایرانی جین مردانه حتی با قیمت شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در حال فروش است.

شلوار جین مردانه ترک حتی با قیمت ۱۱ میلیون و ۲۳۰ هزار تومان در حال عرضه است. این شلوارها در حالی به فروش می رسند که واردات رسمی پوشاک ممنوع است و طبیعتاً لباس خارجی در زمره کالاهای قاچاق قرار می گیرد. قیمت کفش رسمی مردانه و زنانه با چرم مصنوعی نیز بین ۳۵۰ هزار تا یک میلیون تومان است. قیمت این کفش با چرم طبیعی به بیش از دو میلیون تومان می رسد. قیمت کت و شلوار مردانه نیز از سه میلیون تومان آغاز می شود و متناسب با کیفیت دوخت، جنس پارچه و نوع برند تا ۲۰ میلیون تومان نیز می رسد. مانند زنانه در فروشگاه های لباس حداقل ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد و تا بالاتر از نرخ ۱.۵ میلیون تومان به فروش می رسد. خرید مانند از مزون نیز بیش از دو میلیون تومان آب می خورد. کیف زنانه نیز بسته به جنس و برند آن بین ۳۰۰ هزار تا دو میلیون تومان در فروشگاه های سطح شهر در حال فروش است.

گزارش تکاندنده سازمان عفو بین الملل از شکنجه وحشیانه کودکان بازداشت شده در اعتراضات؛ از شوک الکتریکی تا تجاوز و سایر خشونت های جنسی



او را تهدید کردند که این اتفاق ها را به کسی نگوید وگرنه... آنها او را مجبور کردند اسنادی را امضا کند و انگشت بزند. او هنوز کاپوس می بیند و جایی نمی رود. دخترم حتی نمی تواند دیگر کتاب های مدرسه اش را بخواند.»

کودکان بازداشت شده ای که با چنین شکنجه های غیر انسانی روبرو شدند در سراسر کشور و از جمله در استان های آذربایجان شرقی، اصفهان، گلستان، کرمانشاه، خراسان رضوی، خوزستان، لرستان، مازندران، سیستان و بلوچستان، تهران و زنجان بازداشت شده بودند.

تعدادی از پسران بازداشت شده توسط مأموران موسوم به «لباس شخصی» پس از انتقال به مکان های غیررسمی و شکنجه و تهدید به تجاوز، به حالت نیمه هوشیار در مناطق دورافتاده رها شده اند و کودکانی نیز که توسط نیروهای رسمی حکومت بازداشت شدند پس از اجبار به «امضای توبه نامه» و «تعهد به عدم فعالیت های سیاسی» و «لزم شرکت در راهپیمایی های طرفدار حکومت» آزاد و خانواده برخی از آنها مجبور به ارائه وثیقه شدند.

دایانا الطحاوی معاون منطقه ای عفو بین الملل در خاورمیانه و شمال آفریقا گفت: «مأموران دولت ایران کودکان را از خانواده هایشان جدا کرده اند و در معرض بی رحمی غیرقابل تصور قرار داده اند... این خشونت علیه کودکان بیانگر یک استراتژی عمده برای خرد کردن روح پرشور جوانان ایرانی و جلوگیری از طرح درخواست آزادی و حقوق بشر است.» دایانا الطحاوی افزوده که «مقام ها باید فوراً کلیه کودکانی که فقط به خاطر تظاهرات صلح آمیز بازداشت شده اند را آزاد کنند. درحالی که هیچ چشم اندازی برای تحقیقات موثر و بی طرفانه درباره شکنجه کودکان در داخل ایران وجود ندارد، ما از کلیه کشورها می خواهیم صلاحیت جهان شمول قضایی را بر مقام های ایرانی اعمال کنند، از جمله بر کسانی که دارای مسئولیت یا مقام فرماندهی هستند، و سوءظن کافی در مورد مسئولیت جنایی آنها در زمینه ارتکاب جرایم تحت قوانین بین المللی، از جمله شکنجه کودکان معترض، وجود دارد.»

جنبش دانش آموزی ایران از ابتدای آغاز اعتراضات ماه های گذشته با تجمع و اعتراض در مدارس و همچنین حضور در اعتراضات خیابانی نقشی موثر در پیشبرد جنبش اعتراضی داشته است. به همین نسبت شمار زیادی از بازداشت شدگان و حتی جانبختگان را کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال تشکیل می دادند.

گزارش رسمی از تعداد کودکان بازداشت شده در دست نیست اما آمارهای سازمان های حقوق بشری نشان می دهد طی ماه های گذشته دست کم ۶۴ کودک معترض در شهرهای مختلف جان باخته اند.

و لباس شخصی هم کودکان بازداشتی را به مکان های غیررسمی مانند سیلوها و خانه های مخفی می بردند.

در بخشی از این گزارش با اشاره به بازداشت کودکان و انتقال آنها به بازداشتگاه ها و خانه های یا سیلوه های مخفی نیروهای بسیجی آمده که «این گونه آدم ربایی ها بدون طی کردن هرگونه روند قانونی و با هدف تنبیه، ارعاب و ترساندن کودکان از شرکت در اعتراضات صورت گرفت. بسیاری از کودکان برخلاف استانداردهای بین المللی، در کنار بزرگسالان نگهداری می شوند و در معرض همان الگوهای شکنجه ای و سایر بدرفتاری ها قرار گرفته اند. یکی از زندانیان بزرگسال به عفو بین الملل گفت که در یک استان، بسیجی ها چند پسر بچه را مجبور کردند پاهایشان را باز کنند، در یک صف کنار زندانیان بزرگسال بایستند و با شوکر به ناحیه تناسلی آن ها شوک الکتریکی وارد کردند.»

مادر یک پسر نوجوان از تجاوز مأموران به فرزندش با شلنگ خبر داده است: «پسرم به من گفت آنها آنقدر آویزانم کردند که احساس کردم بازوهایم در حال پاره شدن است. مجبور شدم آنچه را که آنها می خواستند بگویم چون با شلنگ به من تجاوز کردند. دستم را می گرفتند و به زور از من انگشت نگاری می کردند.»

یک پسر دانش آموز که به همراه تعداد دیگری از دوستانش هنگام شعارنویسی بازداشت و به بازداشتگاه غیررسمی نیروهای امنیتی منتقل شدند به عفو بین الملل گفته که «به ما شوک الکتریکی وارد کردند، با پشت اسلحه به صورتم زدند، به پشت شوک الکتریکی زدند و با باتوم به پاها، باسن و دستانم می زدند. آن ها تهدید کردند که اگر این شکنجه ها را به کسی بگوییم، دوباره ما را بازداشت می کنند و این بار جسدمان را به خانواده هایمان تحویل می دهند.»

یکی از نوجوانان بازداشت شده نمونه ای از شکنجه تحقیرآمیز مأموران حکومتی را روایت کرده است «آنها به ما که بیش از ۱۰ نفر بودیم، گفتند برای نیم ساعت صدای مرغ در بیاوریم و برای مدت طولانی هم ادای تخم گذاشتن در بیاوریم. من تنها کودک آن بازداشتگاه بودم. در ادامه، در بازداشتگاهی دیگر نیز ۳۰ نفر از ما را در قفسی که فقط ظرفیت پنج نفر را داشت، نگه داشتند.»

این گزارش افزوده که مأموران زن و مرد جمهوری اسلامی به دختران بازداشت شده توهین های جنسی کرده و آنها را متهم می کردند اعتراضاتشان به حجاب اجباری فقط به دلیل علاقه شان به لخت شدن در جامعه است.

مادر یک دختر نوجوان بازداشت شده که فرزندش به سوزاندن روسری، توهین به رهبر جمهوری اسلامی و اقدام علیه نظام متهم شده به سازمان عفو بین الملل گفته که «آنها

زدن شوک الکتریکی به اندام های جنسی کودکان، دست زدن و لمس به اندام تناسلی، تهدید به تجاوز، تجویز قرص های ناشناخته و زیر آب کردن سر برای چندین ثانیه پیایی از جمله شکنجه هایی است که در بازداشتگاه های جمهوری اسلامی علیه کودکان انجام شده است.

● مادر یک پسر نوجوان از تجاوز مأموران به فرزندش با شلنگ خبر داده و یک پسر بازداشت شده گفته او را در سولوی به همراه مردان بزرگسال وادار به درآوردن صدای مرغ و تظاهر به تخم گذاشتن کرده اند!

سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی از شکنجه های هولناک و وحشیانه کودکان بازداشت شده در جریان اعتراضات ماه های گذشته خبر داد. شلاق، شوک الکتریکی، تجاوز جنسی و سایر خشونت های جنسی از جمله مواردی است که مأموران حکومتی علیه کودکان دختر و پسر بازداشت شده و به بهانه اعتراف گیری انجام داده اند.

در شش ماهگی جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی تکاندنده از شکنجه های وحشیانه توسط مأموران زن و مرد جمهوری اسلامی علیه کودکان بازداشت شده که در برخی موارد تنها ۱۲ سال داشته اند خبر داده و رفتار مأموران جمهوری اسلامی با این کودکان را «ظالمانه و غیرانسانی» خوانده است.

سازمان عفو بین الملل توانسته به هفت کودک بازداشت شده دسترسی پیدا کند و همچنین با ۱۹ شاهد عینی از جمله دو وکیل دادگستری و ۱۷ بازداشتی بزرگسال که با افراد زیر ۱۸ سال زندانی بودند نیز گفتگو کرده است. قربانیان و شاهدان عینی که سازمان عفو بین الملل توانسته با آنها ارتباط بگیرد و مستندات آنها را بررسی کند از دست کم ده استان ایران بوده اند.

در این گزارش تأکید شده که «تحقیقات ما روش های شکنجه سپاه پاسداران، شبه نظامیان بسیج، پلیس امنیت عمومی و سایر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی علیه پسران و دختران تحت بازداشت برای تنبیه و تحقیر آنها و گرفتن اعتراف اجباری از آنها را فاش می کند.»

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل زدن شوک الکتریکی به اندام های جنسی کودکان، دست زدن و لمس به اندام تناسلی، تهدید به تجاوز، تجویز قرص های ناشناخته و زیر آب کردن سر برای چندین ثانیه پیایی از جمله شکنجه هایی است که در بازداشتگاه های جمهوری اسلامی علیه کودکان انجام شده است. این گزارش افزوده که کودکان بازداشت شده مانند معترضان بزرگسال با چشم بند به بازداشتگاه های موقت سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، پلیس امنیت اخلاقی، بسیج و پلیس آگاهی ایران منتقل می شدند و نیروهای بسیجی



دیدار سامح شکری وزیر خارجه مصر و رئیس کنفرانس آب و هوا با علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی / شرم الشيخ مصر / آبان ۱۴۰۱

روزنامه شرق الاوسط: مصر از مدت‌ها پیش یک کاردار در سطح سفیر در ایران کرده است

تهران با ریاض نشان داد که جمهوری اسلامی برای تقویت روابط خارجی خود در منطقه، بهبود روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و مصر را دنبال می‌کند.

وی همچنین گفته است: «مقامات جمهوری اسلامی می‌دانند همکاری با عربستان می‌تواند درهای بسته روابط با تعدادی از کشورهای عربی را باز کند و در نتیجه مسیر برای یک توافق جامع مصالحه و آشتی هموار گردد.»

عبدالله الاشعل دستیار پیشین وزیر خارجه مصر نیز اعلام کرده «منفعتی در قطع روابط بین تهران یا قاهره وجود ندارد، بلکه برعکس، منافع راهبردی قاهره در پس ترمیم این روابط نهفته است و این امر در صورت تحقق، به نفع دو کشور به ویژه طرف مصری خواهد بود.»

وی همچنین گفته که «تأمین امنیت آبراه کانال سوئز و تضمین عبور امن کشتی‌ها از باب المندب از جمله منافع برای مصر در از سر گرفتن این روابط است؛ علاوه بر این احیای روابط تهران- قاهره، به رونق گردشگری مصر کمک خواهد کرد و ممکن است سالانه بیش از ده میلیون گردشگر ایرانی که مشتاقانه منتظر بازدید از اماکن مذهبی هستند به مصر سفر کنند. همچنین امکان تبادل تجاری رو به رشد بین دو کشور وجود دارد و این امر می‌تواند منفعتی برای اقتصاد متزلزل مصر داشته باشد.»

حسن نافع استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه قاهره می‌گوید: «دشمنان مسلمانان کشورهای هستند که تلاش خواهند کرد تا هرگونه نزدیکی مصر و ایران را خنثی کنند، زیرا نقش این همکاری به ایجاد تغییرات ژئواستراتژیک در منطقه منجر خواهد شد و تل‌آویو متضرر اصلی خواهد بود.» به نظر می‌رسد اشاره وی به نقش اسرائیل و آمریکا در منطقه است و آنها را دشمن «مسلمانان» می‌داند.

وی در ادامه با اظهار موضعی علیه اسرائیل ابراز امیدواری کرده است که برقراری رابطه میان تهران و قاهره به مانعی برای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل منجر شود و پیامدهای «پیمان ابراهیم» را محدود کند.

سامح شکری وزیر خارجه مصر و رئیس کنفرانس آب و هوا در آبان ۱۴۰۱ در حاشیه کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل «کاپ ۲۷» با علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی در شرم‌الشیخ دیدار کرد. آن زمان گزارش‌های غیررسمی از دیدار سلاجقه با رئیس سرویس اطلاعاتی مصر نیز منتشر شد اما جمهوری اسلامی آن را رد کرد.

در حال حاضر محمدحسین سلطانی‌فر رئیس دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی در مصر است.

را دارند؟ باید منتظر باشیم و رفتار ایران را در دوره آینده ببینیم و نیاز به نظارت و ارزیابی بیشتری داریم.»

سامح شکری وزیر خارجه مصر و رئیس کنفرانس آب و هوا در آبان ۱۴۰۱ در حاشیه کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل «کاپ ۲۷» با علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی در شرم‌الشیخ دیدار کرد. آن زمان گزارش‌های غیررسمی از دیدار سلاجقه با رئیس سرویس اطلاعاتی مصر نیز منتشر شد اما جمهوری اسلامی آن را رد کرد.

روزنامه شرق الاوسط به نقل از محمد العربی وزیر خارجه پیشین مصر گزارش داد که قاهره از خیلی وقت پیش یک کاردار در سطح سفیر در ایران مستقر کرده است.

پس از امضای توافق امنیتی میان جمهوری اسلامی و عربستان سعودی با میانجیگری جمهوری خلق چین اکنون منابع مصری می‌گویند مذاکرات میان تهران و قاهره همزمان با مذاکرات بین قاهره و آنکارا و بدون واسطه در جریان است و ادامه دارد.

هنوز جزئیات این مذاکرات مشخص نیست اما محمد العربی وزیر خارجه پیشین مصر می‌گوید «موارد تعیین کننده روابط تهران و قاهره با دیگر طرفین (ترکیه) متفاوت‌تر است و این روابط در حال حاضر عادی به نظر می‌رسد.»

العربی با بیان اینکه در حال حاضر نیاز راهبردی برای تسریع در این روابط وجود ندارد، گفت: «باید دید آیا سیاست جدیدی در ایران در دستور کار قرار گرفته است؟ قصد توقف دخالت در امور سایر کشورهای منطقه را دارند؟ باید منتظر باشیم و رفتار ایران را در دوره آینده ببینیم و نیاز به نظارت و ارزیابی بیشتری داریم.»

با بحرانی شدن روابط جمهوری اسلامی با غرب در پی سرکوب وحشیانه اعتراضات و همدستی با روسیه در جنگ اوکراین، جمهوری اسلامی راهبرد بهبود روابط با همسایگان و همکاری بیشتر با چین و روسیه را در دستور کار قرار داده است.

روزنامه شرق الاوسط می‌نویسد: ایران در سال گذشته پیام‌های متعددی در رابطه با استقبال از مذاکره با قاهره ارسال کرد. در همین ارتباط حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی از پیشنهاد محمد شیعه السوداني نخست‌وزیر عراق با هدف «آغاز مذاکرات بین قاهره و تهران» استقبال کرده بود.

تارک فهمی استاد علوم سیاسی دانشگاه قاهره تاکید کرده که «زمان و سطح بیانیه ایران پس از اعلام رفع اختلاف میان

با بحرانی شدن روابط جمهوری اسلامی با غرب در پی سرکوب وحشیانه اعتراضات و همدستی با روسیه در جنگ اوکراین، جمهوری اسلامی راهبرد بهبود روابط با همسایگان و همکاری بیشتر با چین و روسیه را در دستور کار قرار داده است.

محمد العربی وزیر خارجه پیشین مصر می‌گوید این کشور از مدت‌ها قبل یک کاردار در سطح سفیر در ایران مستقر کرده است.

العربی با بیان اینکه در حال حاضر نیاز راهبردی برای تسریع در این روابط وجود ندارد، گفت: «باید دید آیا سیاست جدیدی در ایران در دستور کار قرار گرفته است؟ قصد توقف دخالت در امور سایر کشورهای منطقه

نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده نوجوانان ۱۶ ساله در اعتراضات در تهران و کرج جان باختند اما جمهوری اسلامی با ساخت مستندهایی کاملاً دروغ علت قتل این نوجوانان را «سقوط از ارتفاع» با انگیزه «خودکشی» عنوان کرد. اسرا پناهی ۱۵ ساله دانش‌آموز مدرسه شاهد اردبیل نیز در پی حمله مأموران انتظامی و لباس‌شخصی جمهوری اسلامی به دانش‌آموزان به دلیل شعارهای آنها علیه نظام، با ضربات باتوم جان باخت. جمهوری اسلامی مدعی شد اسرا پناهی که به تازگی پدرش را از دست داده بود به دلیل افسردگی خودکشی کرده است. مقامات امنیتی اردبیل از برادر نوجوان اسرا نیز «اعتراف اجباری» گرفتند و ساعاتی پس از پخش این اعترافات نادرست از تلویزیون، برادر اسرا هم خودکشی کرد و راهی سی‌سی‌یو بیمارستان شد.

کیان پیرفلک کودک نخبه ۱۰ ساله هم ۲۵ آبان در اعتراضات مردمی ایزه در پی به رگبار بسته شدن معترضان توسط مأموران حکومتی جان باخت. کیان به همراه پدر، مادر و برادر سه ساله‌اش در اتومبیل بود و در پی برخورد گلوله به سمت راننده‌ی اتومبیل، پدرش که رانندگی می‌کرد و کیان که پشت سر پدرش نشسته بود تیر خوردند؛ کیان کشته شد و پدرش همچنان در بیمارستان در شرایط وخیم بسر می‌برد. در چهارشنبه خونین ایزه، دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند.

«انجمن حمایت از حقوق کودکان» دی‌ماه امسال در نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه ایران ضمن انتقاد از برخوردهای غیرقانونی و خشونت‌آمیز، دستگیری و عدم رعایت تشریفات قانونی در مورد کودکان بازداشت‌شده در اعتراضات جاری خواستار اعلام آمار دقیق و شفاف کودکان بازداشت‌شده و دسترسی آنها به حق داشتن وکیل انتخابی شد.

